نشر الکترونیک فروغ مهر

Fmehr.com

نوع دیگر این نقش در قطب الله عالم شاه است با عبارت بنویسید و دعا ملک
یک پاره سر سیاه داشته بنهد و در آتش هندی ملحمه چون او را نویسد کن
را سر در آتش داده جائی دفن کند و باید که در ماشها هفت با آیة الکرسی بمیده
از جسم مریض مس کند و در هندی گذارده و فتیله ایست واجلیس و اتفاقد

والقصد والیتاق والوسواس الکهف والنعم

۳۰۷۷

۸ ع ۴ ولهو

۷م	۱۶	فلان بن فلان	
۱۷۳ ۲۵	۱۷۶ ۲۵	۱۷۹ ۲۵	۱۶۶ ۲۵
۱۷۸ ۲۵	۱۶۷ ۲۵	۱۷۲ ۲۵	۱۷۷ ۲۵
۱۶۸ ۲۵	۱۸۱ ۲۵	۱۷۴ ۲۵	۱۷۱ ۲۵
۱۷۵ ۲۵	۱۷۰ ۲۵	۱۶۹ ۲۵	۱۸۰ ۲۵
ب	۲۸ ب	ع ـه	۷۲ و

لعین ابلیس — زروت لعین ابلیس — لعین ابلیس

ماروت لعین ابلیس — فرعون لعین ابلیس — نمرود لعین ابلیس

هاروت لعین ابلیس قارون — ماروت لعین ابلیس

فرعون لعین ابلیس — نمرود لعین ابلیس — ماروت لعین ابلیس

نوع دیگر این فتیله از قطب الله عالم شاه است با عبارت بنویسید و هر یک
یک پارچه سیاه داشته بنهد و در آتش باندی بنهد چون اورا نویسید کن
را سه روز آتش داده جائی دفن کند و باید که در شبها هفت بار آیة الکرسی بخواند
از جسم مریض مس کند و در باندی گذارده و فتیله است و انجلیس و اتفاقه

والقصد والمیثاق والوسواس والنصر

۳۰۷۷

۸ ۴ ۶ وهو

	فلان بن فلان	۱۶	۷
۱۶۶ ۲۵	۱۷۹ ۲۵	۱۷۶ ۲۵	۱۷۳ ۲۵
۱۷۷ ۲۵	۱۷۲ ۲۵	۱۶۷ ۲۵	۱۷۸ ۲۵
۱۷۱ ۲۵	۱۷۴ ۲۵	۱۸۱ ۲۵	۱۶۸ ۲۵
۱۸۰ ۲۵	۱۶۹ ۲۵	۱۷۰ ۲۵	۱۷۵ ۲۵
۷۲ و	ع ب	۲۸ حب	ب

لعین ابلیس

لعین ابلیس

لعین ابلیس

هاروت لعین ابلیس

فرعون لعین ابلیس

نمرود لعین ابلیس

ماروت لعین ابلیس

هامان قارون لعین ابلیس

فرعون لعین

نمرود لعین

اروت لعین

ابلیس ابلیس ابلیس

نوع دیگر این هر سه نقوش در مقدمه آسیب تعیین کرده اند اگر فقیر را احتیاج
نباشد این نقوش نوشته در دو بینی مریض و در تمام جسم مریض بدهد و نیز تعویذ
نموده در گلویش اندازد و هم شسته بخوراننده باد انشاء الله تعالی مفید خواهد
افتاد و این نقوش اکثر در مقدمه آسیب و غیره بکار میآید الا چهل روز
در چله چهل نقشها نوشته باری در دریا بیآرد گولی بسته بیندازد که
عامل نقشهای مذکور گردد و این نقوش در حاضرات بکار آیند

بسیار مجربند و آن نقوشها اینند

۵۵۹۲۱	۵۵۹۳۴	۵۵۹۳۱	۵۵۹۲۸
۵۵۹۳۲	۵۵۹۲۷	۵۵۹۲۲	۵۵۹۳۳
۵۵۹۲۶	۵۵۹۲۹	۵۵۹۳۶	۵۵۹۲۳
۵۵۹۳۵	۵۵۹۲۴	۵۵۹۲۵	۵۵۹۳۰

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹	۱۶	۳
۱۵	۴	ع	۱۰

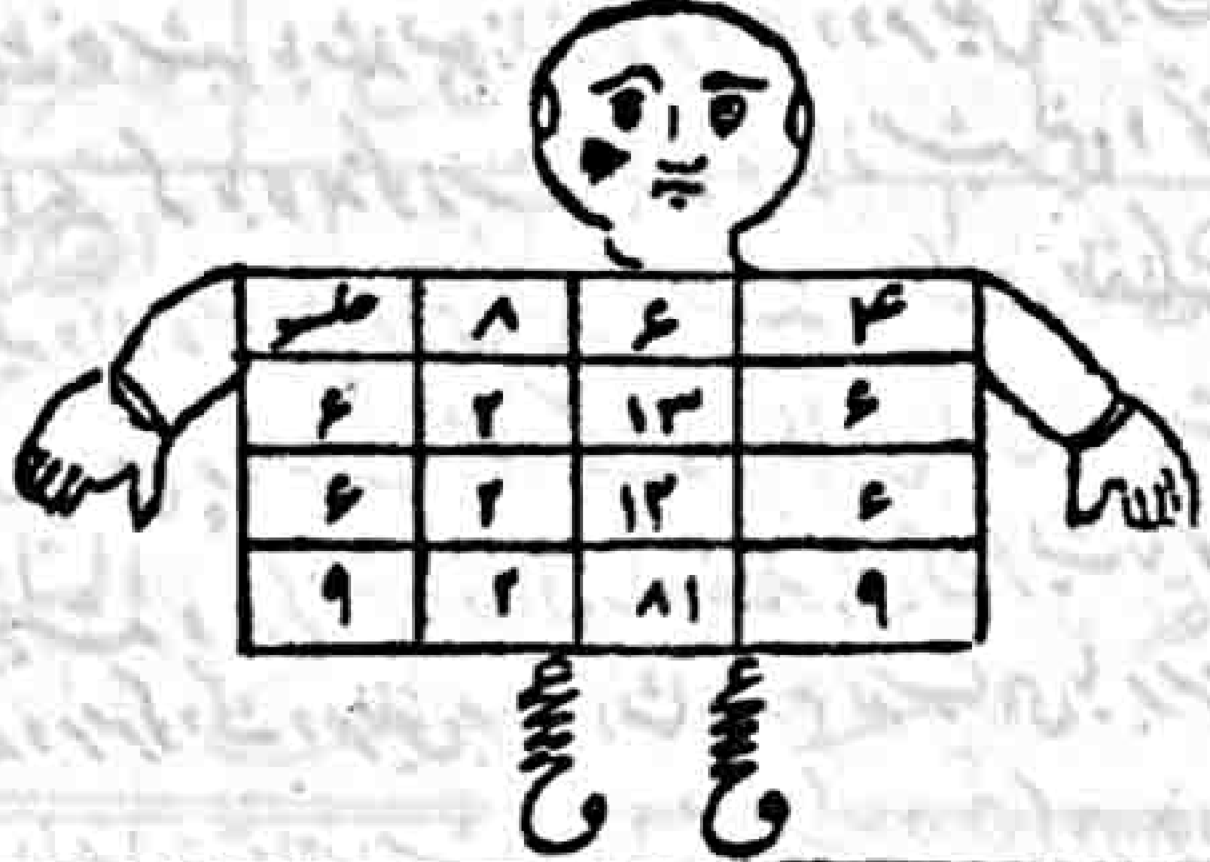
۸	۱	۶
۳	ع	۷
۹۴	۹	۲

نوع دیگر در مقدمه آسیب اگر قبل از تولد شدن فرزند این نقش را نوشته
در دیوار مکان بچسباند هرگز در چله زن ما نظر و آسیب و کودک را ام
الصبیان و غیره دخل نده و این نقش از اعداد سوره الم ترکیف
است شان قهاری این را میگویند در هر مقدمه بکار میآید اینست

۷۸۶

۱۶۷۲	۱۶۸۶	۱۶۸۳	۱۶۷۹
۱۶۸۴	۱۶۷۸	۱۶۷۳	۱۶۸۵
۱۶۷۷	۱۶۸۱	۱۶۸۸	۱۶۷۴
۱۶۸۷	۱۶۷۵	۱۶۷۶	۱۶۸۲

نوع دیگر مقدمه آسیب در کسی مکان خشت یا سنگ میاندازند
این فتیله نوشته روی بجانب کعبه شریف کرده بدیوار بچسباند هرگز
سنگها باز نیاید این اند - بحرمت این سنگها باز نه آید نقش و شکل اینست



نوع دیگر برای اینکه آسیب کسی جا آتش میدهد یا خشتها میا ندازند باید که این نقش معظم نوشته کوزهٔ نو آب انداخته وآن نقش را شسته در مکان وبام وهر جا که مناسب باشد بفشانند هرگز باز خلل وآسیب نشود ونقش معظم مکرم اینست

ب	۱۲ل م ۱ ع	ع	د ی
ت	ل	ک	ے
ک	د	م	ق
۰ ح ۱	ی	مدوح	بدوح

نوع دیگر حاضرات خورشی جنات بنظر میاینند

باید که اول جای از محل پلید ومریض آسیب زده را غسل دهد اگر هوشیار ولایق غسل باشد وگر نه طفل را وکیل او کنند نابالغ زاده دوازده سال نباشد پس آنرا غسل داده جامه طاهر پوشانیده بر چادر نشانیده آنچه بخورات خوشبو باشد بسوزانند وگرد خود مریض وکودک حصار ابرها بر آنچه که بالا مذکور شد بکنند ونیاز شیرینی آنحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم واین فتیله نوشته بدست طفلک بدهد آنجا که سیاهی پراست نگاه کند وعامل این عزیمت را بخوانده باشد وهرگز بیم را در دل راه ندهد پس آن عزیمت را خوانده بر ناش دم کند وبر سر کودک ومریض بریزد انشاء الله تعالی چند سیاهی را بر سر مریض یا کودک حاضرات خواهند شد عامل مختیر است در قید کردن خواه قول

قرار گرفته رها کند خواه بسوزد چنانچه عزیمت که برای خوردن گفته ام اینست

یا صابت الصفا یا جامع الاشتات ومخرج البنات یا منشئ الرقاب یا شاه پری یا بدیع الجمال حود پری داج من الله اعظم

وفتیله که بدست طفلک میدهند اینست



۳۱	۳۱	ع ـ ف	ماکهکن
۱۱	ن	ل ۱	یا بدوح
۱۱	ن	ب ۱	یا بدوح
۱۱		۲ع ع	حاضر شود حاضر



نوع دیگر رونمائی برای شناخت آسیب اگر این علامت را نوشته بر مریض آسیب زده بنماید اگر آسیب را خلل است بدیدن این علامت بگریه درآید اگر خلل خبیث است چند کند و اگر مریض را مرض هست خاموش خواهد آن علامت اینست



نوع دیگر حاضرات روشنی که با فتیله مجرب و تیز تر است هرگز خطا نمیکند و همچنین فتیله اگر چیزی عاملی باشد هیچ جن و خبیث دیو از این فتیله سوای گریز کردن چاره ندارند که موکلات فتیله بسیار زبردست و قوی هستند و نقش حاضرات نیز چنین قوی تر است که پادشاه جنیان حاضر میشود هرگز غائب نمی سازد پس باید که اول این فتیله را با این هر دو نقش نوشته ریسمان نیلگون پیچیده قدری کافور در روغن شیرین و با خوشبو آمیخته در یک سفال آب نرسیده روغن مذکور پر کرده چراغ نو برهیزم سه عدد درخت انار مثل سکی تیار کرده بدارد و قدری بخورات و میوه و عطر و گلهای خوشبو مهیا نموده پیش روی چراغ نهند و فرش نو مقابل چراغ و اینهمه اسباب نهاده خود هم لباس پاکیزه پوشیده و طفل بدست آن نقش روشنی دادن منظور باشد پوشاک پاکیزه و اگر ممکن باشد نو پوشانیده و عطر بروی و پیشانی طفلک مالیده نقش روشنی بدست آن داده که هیچ و هر کسی که جن و آسیب را باشد نیز قریب نشاند و روبقبله نشسته

عزیمت خواندن شروع نماید چنانچه او را با فتیله که برای روشن کردن گفته ام بنویسیم و آن مع عبارت اینست

سنزاجولزدعی جوسامنوغاغالمناطیوسانا ملیخا مسلیخا ملقونا بحق یا ۵۲ ۱۰۷۰۹۰ و بحق ۱۰۰ ۱۰ ۶ ۴۰ بحق یا بلدح یا طیود یا دیوسا الا یخفی دو مدح اسدا صلے حلقوم عـه ولاطور و اطوان العین و بان و اهرب یا طیطوا ما یا طیوسا قهما و سلها یا طیطوسا قهتو یا طیوا یا طیطوسا قهو فرعون نمرود شداد هامان قارون عاد ابوجهل ابلیس تلبیس ضحاک دقیانوس درما کتها طیرون هنونت کلوا و غیره و عـه شیاطین لعنهم الله تعالی والناس اجمعین

عزمت علیکم واقسمت علیکم یا برخیا یا غفصائیل یا صدعائیل یا عینائیل یا خطائیل یا دردائیل یا رفتمائیل بحق سام سما سوم و اودوم ساتوم شد منوس جعروس هومال یا همکیائیل بحق همکیائیل یا ۱۰ ۱ ۵ ۲۰۰ یا بدوح بمجرد روشن شدن فتیله جلدتر من البرق الخاطف و مثل ریح العاصف احضروا من جانب المشارق والمغارب والجنوب والشمال در نظر بیننده روشنی با چراغ او صاف درآینده کلام بکنند و جواب بگویند و همه پادشاهان حاضر کرده

هرچه آسیب در وجود فلان بن فلان باشد او را گرفتار کرده بیارند خصوصاً شیخ سد و زرین خان را مع مادر او بسته با توابعان و لواحقان او بدون او حکم بر سر مریض آمدن نیابند و اگر بیایند زبون و درام شده فرمانبردار کرده آرند و در صورت آمدن بر سر مریض کلام سخت از عامل کردن نتوانند و هرچه عامل گوید بکنند و جریه بزور نگیرند و اگر ندهند نفع نیابند و او را ایذا نرسانند و شرشف خوانده برو بزنید و بسوزید و حکم ما بجا آورید و هرکه بجا نیارد براو شیر ما در حرام و سه طلاق و قسم پنجتن و چهارده تن و جمیع انبیاء و اولیاء خصوصاً سلیمان بن داود علیهما السلام وپ ی غ هرب دص قسم شرعی هرچه هست بشمال ان ه ف وق ل ل ذی ع ل

م ع ل ی م

چون فتیله نوشته تمام کند این هردو نقش زیر آن فتیله بنویسید و اگر بر پیشانی فتیله نقوش بنویسد اولی است

و زیر آن عبارت

مرقومه بنویسید

بسم اسماء موکلان هرین کوه اجب یا کلکائیل

۷۸۶

۵۹۲	۵۸۷	۵۹۵
۵۹۴	۵۹۱	۵۸۹
۵۸۸	۵۹۶	۵۹۰

علیکم یا اسرافیل

یا بدوح

طلیقا ملیقا طلیقا علمنا حقیقا

فی قلوبهم ملیقا طلیقا دقیقا

اجب یا عصقائیل

۷۸۶

۶۵۲۴	۶۵۲۷	۶۵۳۰	۶۵۱۷
۶۵۲۹	۶۵۱۸	۶۵۲۳	۶۵۲۸
۶۵۱۹	۶۵۳۲	۶۵۲۵	۶۵۲۲
۶۵۲۶	۶۵۲۱	۶۵۲۰	۶۵۳۱

علیکم یا عزرائیل حکمی جمیع اسماتات

بحق ابجد هوز

اسمائیکه بعد نوشتن فتیله و همه شروط مسطوره بجا آوردن بر کاغذ نقش و روشنی نوشته در آئینه نهد و عطر در خانه کرسیاهی پر کرده است مالد چنانچه پر گرداند و بدست طفل مذکور آن آئینه را بدهد که نظر کند و خود در خواندن عزیمت معروف گردد و نمکش بر سر طفل بریزد تا پرده حجاب از چشم طفلک برداشته و جنان را

مع پادشاهان متقدمین بنظر آیند پس همه احوال از زبان طفل بگویاند و جواب بگیرد و نقش درستی که بکمال صحت آمده اینست

۷۸۶

۱ ۱۵۳۹۶	۱۹ اللّه اللّه اللّه اللّه ۳ اللّه اللّه اللّه اللّه ۱۵ اللّه اللّه اللّه اللّه	۱۹ ۱۵۳۰۳	۱۳ ۱۵۳۰۵	۷ ۱۵۳۰۰
۱۴ ۱۵۳۰۷	۳ ۱۵۳۰۱	۲ ۱۵۲۹۵	۲۱ ۱۵۳۱۵	۲۰ ۱۵۳۰۳
۲۲ ۱۵۳۱۶	۱۳ ۱۵۳۰۹	۱۵ ۱۵۳۰۸	۹ ۱۵۳۰۳	۸ ۱۵۲۹۶
۱۰ ۱۵۳۰۳	۳ ۱۵۲۹۷	۳ ۱۵۳۱۷	۱۲ ۱۵۳۱۰	۱۱ ۱۵۳۰۴
۱۱ ۱۵۳۱۴	۱۲ ۱۵۳۰۵	۴ ۱۵۲۹۹	۵ ۱۵۲۹۸	۲۳ ۱۵۳۱۶

بعد آئینه دادن بدست طفل عامل گرد خود و گرد طفل حصار کند بر سامیر سبا انچه که نوشته شد بعد عامل هر عزیمتی که یاد داشته باشد بخواند یازده بار و بعد از آن یازده مرتبه این عزیمت بصحت تمام بخواند اینست

عزمت علیکم یا معشر الجن والانس و اصحاب الازواج فتحون فتحون جبینک جبینک اللّهم اللّهم صفکا السا السا بلسا بلسا طلسا طلسا سودنا سودنا کهلا کهلا کهلا مهلا سهلا سهلا خاضنا خاصنا شیخنا شیخنا سکسدی سلیمان بن داود و بعد این عزیمت را یازده مرتبه این الفاظ بخواند بهاد بهاد مالک الیک ادنحی مرنجی جلس بنرکی ازمرمین مین و بعد این یازده بار این عزیمت را بخواند احضرنا یا اصحاب الجن والشیاطین والسحر والوسواس من جانب الشارق والمغارب

والجنوب والشمال بحق خاتم سلیمان کجزنا فدم و بحق لا اله الا الله محمد رسول الله و بعد این درود بخواند اللهم صل علی محمد و علی آل محمد بعدد الجن والانس باسمائه الحسنی

و این درود معظم را باید که قبل از خواندن عزیمتها هم بخواند و بعد از تمام هم بخواند انشاءالله تعالی پردهای حجاب از چشم طفل برداشته خواندن تمام احوال بعامل بیان خواهد کرد عامل را اختیار است بهر طوری مناسب داند بعمل آورد خواه قید کند یا از آن پادشاه سوخته گرداند

نوع دیگر برای آسیب زده بسیار مجربست اگر آسیب از مریض هرگز کناره نمیکند مریض را نوبت بجان رسیده است پس باید که بروز پنجشنبه بطور حاضرات آنچه سامان بالا مذکور گشته مهیا کرده مریض را آنجا بنشاند و این نقش را نوشته در تمام جسم آن بدهد و نقش دیگر که بعد از این نقش است نوشته بهر طوری که ممکن شود بنوشانند و نقش سوم را فتیله کرده خواه تو نقش مذکور نوشته روشن کند و مریض را همانجا خسبیده بدارد و احتیاط کند که دست درازی به چراغ نکند نقوشش هر سه مجرب و آزموده فقیر اند عزیز باید داشت

۳۵۴۷۴۲	۳۵۴۷۵۶	۳۵۴۷۵۹	۳۵۴۷۳۹
۳۵۴۷۵۳	۳۵۴۷۴۸	۳۵۴۷۴۳	۳۵۴۷۵۵
۳۵۴۷۴۷	۳۵۴۷۵۰	۳۵۴۷۵۸	۳۵۴۷۴۴
۳۵۴۷۵۷	۳۵۴۷۴۵	۳۵۴۷۴۶	۳۵۴۷۵۱

نقش دیگر که برای نوشیدن گفته ایم چنین است

۷۸۶

۱۵۳۱۷	۱۵۳۳۰	۱۵۳۲۷	۱۵۳۲۴
۱۵۳۲۸	۱۵۳۲۲	۱۵۳۱۸	۱۵۳۲۹
۱۵۲۲۲	۱۵۳۳۵	۱۵۳۲۲	۱۵۳۱۹
۱۵۳۳۱	۱۵۳۲۰	۱۵۳۲۱	۱۵۳۲۶

و نقش سوم که فتیله کنند یا در چراغ تو بسوزانند چنین است

[illegible]

۱۸۵۲۶	۱۶۵۵۰	۱۸۵۲۷	۱۶۵۳۴
۱۶۵۳۶	۱۸۵۴۲	۱۶۵۳۱	۱۸۵۴۹
۱۸۵۴۹	۱۶۵۴۵	۱۸۵۵۲	۱۶۵۳۸
۱۶۵۵۱	۱۸۵۲۹	۱۶۵۳۴	۱۸۵۴۶

بدان ای عزیز آنچه که متعلقه عزیمت و نقوش و فتیله و غیره در باب اسیب بودند در این باب نوشته دادم انصاف فرما که چقدر برای طالبان ساده عملیات صاف و روشن کرده ایم که هیچ عاملی گاهی چنین دو لتهای و نعمتها نمی بخشد پس این ضعیف را دعای خیری لله فرمایند و بفاتحه ما را یاد کنند که حق یار تو همین است

باب پنجم مشتمل بر کیفیت ساعات و وقت نوشتن و دادن هر گونه نقوش

و شرح پرتاثیر جلالی و جمالی و تسخیر کواکب و شناختن طالع و غیره برای صفای ضیاء علوم سماوی مخفی که بر سماوات هفت کوکب و دوازده بروج هستند چنانچه من اول برای فهم مبتدیان دایره بروج مینویسیم و آن اینست

حمل ۱ میگه	ثور ۲ برکه	جوزا ۳ متهن	سرطان ۴ کرک
اسد ۵ سنگه	سنبله ۶ کنیان	میزان ۷ تلا	عقرب ۸ برچک
قوس ۹ دهن	جدی ۱۰ مکر	دلو ۱۱ کنبه	حوت ۱۲ مین

و همچنین هفت کواکب که آنرا سبع سیاره گویند و دو کوکب مطیع با خواص زحل و مریخ و آنرا راس و ذنب گویند و تفصیل کواکب اینست

زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
فلک هفتم	فلک ششم	فلک پنجم	فلک چهارم	فلک سوم	فلک دوم	فلک اول آسمان دنیا

راس متعلق زحل و ذنب متعلق مریخ و بعض این تفصیل را چنین گفته اند که بعض کواکب فوقی اند و بعضی تحتی و آن تفصیل چنانست فافهم شمس فلک چهارم فلک محور سیارگان و سیاره اولست پس فلک پنجم و ششم و هفتم بر بالای فلک چهارم شدند لکن این افلاک مریخ مشتری زحل سیاره فوقی اند و فلک سوم و دوم و اول تحت الفلک چهارم شدند لکن آن زهره و عطارد و قمر سیاره تحتی اند پس تمام متعلقات دنیا بر گردش این سیارگانست و معیت اینها عناصر چهار و در هر فعل و امر بسیار با خواص این کواکب ست زیرا که ایزد تعالی در کلام مجید خویش این بروج آسمانی را و کواکب را یاد فرموده که بمصداق والسماء ذات البروج و در یکجا فرموده که جعل لکم النجوم لتهتدوا بها فی ظلمات البر والبحر و یکجا ارشاد فرموده که تبارک الذی جعل فی السماء بروجا و جعل فیها سراجا و قمرا منیرا پس ادراک رسیده که در ساعت بروج که کواکب هستند لهذا عامل شائق را باید که ساعات کواکب یا بروج را دریافت نماید و هر امر که آغاز نماید در ساعت کواکب موافق مزاج نقش بکند تا راست آید و هر گاه که نشینند برای عوت عمل ساعت نیک دهد

دیده دریافت کرده که خطا نیفتد پس آدم بر سر مطلب باید دانست

که این دو کواکب یعنی اول شمس دوم قمر از همه سیاره سریع التاثیر و همه روز تابع

ایشند چنانچه تفصیل روزها

روز قمر	روز آفتاب
دوشنبه و پنجشنبه و جمعه و چهارشنبه	یکشنبه و سه شنبه و شنبه

وبعضی باین حساب رفته اند که تفصیلش اینست واین حساب ظاهری است

وبیان کردن اورا حاجت نیست وآن اینست

نام ستاره	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
نام ایام	شنبه	پنجشنبه	سه شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه

ودریافت باید کرد که این علم مثل دریا است و عامل ناخدا و کشتی و جهاز تقویم طهارت

وراه ناپیدا کنار و در این امر پس ناخدا بجز شناختن کواکب کشتی پریشان و مثل بادتند موکلان

عمل هستند و بمصداق یعنی آیه شریفه کلام الهی است که عملیات ج و با نعم حرم بیتند

بهذا الاتفاق : نهاد که در عملیات حساب نجوم عامل یاد کند عامل هم کلام گردد و در این

عمل حکمای یونان بسیار تالیف و تصنیفات فرموده اند ما را گو یا که شرح دهیم

اما بقدر ضرورت عملیات بنویسیم که طالب را در تلاش وقت نگردد و آن اینست که از

هر کار که آغاز نماید پس دوره آفتاب را یاد کند و آن دوره از ابتدای برج حمل تا برج

حوت سیاره در هر برج دوره میکنند چنانچه دایره سیر کواکب اینست

ابتدای سال حساب کند تا از کواکب هر روز و ساعتها شب و روز دریافت کرده

نام کواکب	زحل	مشتری	مریخ	شمس
تعداد روز	دو سال و شش ماه	سیزده ماه	چهل و پنج روز	یک ماه

نام کواکب	زهره	عطارد	قمر
تعداد روز	بیست و هشت روز	یک ماه	دو روز و چند ساعت

واین هر یک چونکه هم خاصیت دارد و الا بیانش باعث طول کتاب است و مطلوب ما

در عملیات چندان دور نیست الا اینقدر ضرور است که ساعت نیک به بینید و طالع

سائل و مسئول نگاه کند و ما تفصیلش را آینده خواهیم نوشت انشاء الله تعالی اکنون قاعده

باهم بیان نمایم **قاعده** در دانستن سنگرات و چون تا اینجا گفته شد که دوره آفتاب

در هر برج بهت یکماه چیزی کم و بیش میشود پس چون آفتاب را تحویل از برج به برج دیگر

باشد آنرا سنگرات خواهد شد بدین طریقست که سال شمسی را بر چهار حصه تقسیم

کند هر چه از چهار باقی ماند آنرا در جدول به بینید مثلاً کسی پرسید که امسال

بکدام وقت سنگرات شده است پس سال قمری را چهار حصه کردم و طرح دادم

یعنی چهار و چهار حساب کردم باقی ماند یک پس در جدول دیدم ماه اپریل

که ماههای شمسی است انگریزان همین ماهها را مقرر کرده اند مردمان وقت

از این ماهها خو بند ماه فروردین ماه اردی بهشت را کم دانند از اینجه گفتیم

که در ماه اپریل بتاریخ یازدهم بعد ۲۲ گهری و ۲ سنگرات حمل یعنی بیکبار

خواهد شد همین قیاس کنند و چون چهار حصه کنند و جدول هر

خانه تا چهار است در آن نگاه کنند اگر یکعدد باقی ماند در خانه اول

بینید و ماه را خیال کنند در هر گاه که خواهش باشد آنرا نگاه فرموده

گهری و پل و تاریخ دریافت کنند و چون دو عدد باقی ماند در جدول دوم نگاه

کنند و چون سه عدد باقی ماند آنرا در خانه سوم نگاه کنند و تاریخ و وقت

دریافت نمایند و در صورت چهار مراد باقی ماندن در جدول خانه چهارم نظر

کنند و اوقاترا نگاه دارند که او در حساب ساعت بسیار مفید خواهد افتاد

زیرا که اگر خواهند که بدانند که در این وقت آفتاب در کدام برج

و در کدام درجه و دقیقه است پس از سنگرات حساب کنند

تا راست و درست افتد جدول اینست

حضرت طوسی علیه الرحمه بایه درین‌ثبت

ابیات

آنچه از ماه شد مضاعف کن / پنج دیگر فزای بر سر آن
پس هر جی که آفتاب درا دست / بکن آغاز پنج پنج بر آن
هر کجا منتهی شود عددش / ماه آنجا بود یقین میدان
آنچه از پنج کسر می ماند / بر سر ش سیر وی وزوج بخوان

وقاعده این ابیات چنانست که ابتدا از پروا دوج که هندوان تاریخ سلخ هر ماه پروا دوج میشود میکنند مثلاً کسی پرسید که امروز قمر کجاست پس تاریخ ماه را خیال کردم از پرداده روز گذشته بود دیگر براو افزودم بیست شد بعده پنج دیگر براو افزودم بیست و پنج شد آنوقت آفتاب را دیدم که بکدام برج است معلوم شد که در سنبله است پس اعداد مرقومه بالا را تقسیم کردم پنج سنبله را دادم و پنج میزان را و پنج عقرب را و پنج جدی را دادم بیست و پنج تمام شد پس جواب گفتم که قمر در آخر درجه برج جدی است لهذا همین طور قمر را حساب بگیرد و لیکن ابتدا از پروا ضرور کند ورنه غلطی خواهد بود و بدینطریق برای دریافت مقام قمر بود و بیان سیرش آنکه قمر را منازل مقرر کرده اند و هر منزل را جا تعلق داده اند و نام منازل نچهتر است و هر نچهتر را چون داده اند که ازاین جدول اسمای نچهتر و تعداد چون مفهوم خواهد شد

جدول سیر قمر در هر برج

حمل	ثور	جوزا	سرطان
اسنی بهرنی کرتکا	کرتکا روهنی مرکسرا	مرکسرا اردرا پنربس	پنربس پکهه اشلیکها
۱۴۴	۲۴۳	۲۴۲	۲۴۱
شرطین بطین	ثریا دبران هقعه	هنعه ذراعه	ذراعه نثره طرفه
ثریا ۱۴۴	۲۴۳	۲۴۲	۲۴۱

اسد	سنبله	میزان	عقرب
کهها پوربا اترا	اترا پهالگنی هست چترا	چترا سواتی بساکها	بساکها انرادها پیشور
۱۴۴	۲۴۳	۳۴۲	۴۴۱
طرفه جبهه زبره	زبره صرفه عوا	عوا سماک غفره	غفره زبانا اکلیل
۱۴۴	۱۴۳	۱۴۲	۴۴۱
قوس	جدی	دلو	حوت
مول پوربا کهادا اترا کهادا	اتر کهادا شرون دهنشٹا	دهنشٹا ستبهکها پوربا بهادر	پوربا بهادر اترا بهادر ریوتی
۱۴۴	۲۴۳	۳۴۲	۴۴۱
۱۴۴	۲۴۳	۳۴۲	۴۴۱
اکلیل قلب شوله نعائم	نعائم بلده ذابح	ذابح بلع سعود	سعود اخبیه مقدم مؤخر رشا

پس این سیر قمر بود که بترتیب رفت فاما خواصات نچهتر خواصات بسیار دارد که ان را ترک نموده که در کتب منجمان بسیار خواص ایشانند و عاملان ضرور آن هست دیگر بر همه نچهتر را جوگ منجمان هند مقرر کرده اند و اسمای جوگ بدین تفصیلند از این جدول دریافت باید کرد فافهم

اسمای جوگ

سوبهن ۱	انگند ۲	سکرن ۳	دهرت ۴	سول ۵	کند ۶	برده ۷
دهرو ۸	بیالهات ۹	هرکهن ۱۰	بجر ۱۱	سده ۱۲	بتیپات ۱۳	بریان ۱۴
پرکر ۱۵	سده ۱۶	سیو ۱۷	ساده ۱۸	سده ۱۹	شکل ۲۰	ایندر ۲۱
بیدهرت ۲۲	بکهبه ۲۳	پربت ۲۴	ایوکهمان ۲۵	سوبهاگ ۲۶		

اما پنج ستاره که زهره عطارد مریخ مشتری زحل را خمسه متحیره گویند زیراکه
ایشان گاهی عقب آفتاب باشد گاهی پیش آفتاب باشد و از برج رجعت و
استقامت دارد از این جهة حساب سیر این سیاره بدون زیج دریافت
شدن نا ممکنست برای دریافت کردن آن بوقت ضرورت عامل زیره و
تقویم بلد اینه و آفتاب و ماهتاب را بسیار ضرورت در این عمل است
بنا بر این سیر این هر روزه بتصریح تمام بنویسیم چنانچه در بروج دوازده وید
و آفتاب چنان میشود و از آن دایره آفتاب را دریافت باید و بر سیر آفتاب

حمل آتشی ماه بیساکه ۳۱ یوم چهار نیم لا	ثور خاکی ماه جیٹه قدم ۶ و نیم ۳۱ یوم لا	جوزا بادی ماه اساره قدم دو نیم ۳۲ یوم لب
سرطان آبی ماه ساون قدم یک نیم ۳۱ یوم لا	اسد آتشی ماه بهادون قدم دو نیم ۳۱ یوم لا	سنبله خاکی ماه کنوار قدم سه نیم ۳۱ یوم لا
میزان بادی ماه کاتک قدم چهار نیم ۳ یوم ل	عقرب آبی ماه آگهن قدم ۶ نیم ل ۳۰ یوم	قوس آتشی ماه پوس قدم هفت نیم یوم ۲۹ یوم کط
جدی خاکی ماه ماگه قدم دو نیم ۲۹ یوم کط	دلو بادی ماه پهاگن قدم ۸ ۳۰ ۳۰ یوم ل	حوت آبی ماه چیت قدم ۶ نیم ۳۰ یوم ل

و استادان سیر آفتاب را از این جهت حساب گیرند لا و لا لب لا و لا لا آتش صورت
لا لا کط و کط لا لا شهور کوتر است پس دوره آفتاب چنین باشد که نوشته شد
سنح
فاما قمر در یکماه بروج سماوی را طی میکند بدین حساب دوازده برج در هر ماه در هر برج
ماه در هر دو روزه و چند ساعت میماند پس طریق دانستن این امر کار امروز قمر بکدام
برج است استخراج را از این ابیات که بحر زخار در کوزه بست مصنف خواجه نصیر الدین

جدول برای دریافت سنکرات

خانه اول ۱

نام ماهها انگریزی		شماره ماه	نام سنکرات		تاریخ	گهری	پل
اپریل	اول	۱	حمل	میکه	۱۱	۲۲	۲
مئی	دوم	۲	ثور	برکهه	۱۲	۱۹	۴
جون	سوم	۳	جوزا	متهن	۱۳	۴۵	۳
جولائی	چهارم	۴	سرطان	کرک	۱۴	۲۲	۵۲
اگست	پنجم	۵	اسد	سنگه	۴	۵۲	۶
ستمبر	ششم	۶	سنبله	کنیان	۱۴	۵۲	۳۱
اکتوبر	هفتم	۷	میزان	تلا	۱۵	۱۷	۵۰
نومبر	هشتم	۸	عقرب	برچهیک	۱۲	۱۰	۲۳
دسمبر	نهم	۹	قوس	دهن	۱۷	۳۹	۱۳
جنوری	دهم	۱۰	جدی	مکر	۱۱	۴۷	۳۵
فروری	یازدهم	۱۱	دلو	کنبه	۱۰	۹	۴۵
مارچ	دوازدهم	۱۲	حوت	مین	۱۱	۵۹	۵۴

خانه دوم ۲

نام ماهها انگریزی		شماره ماه	نام سنکرات		تاریخ	گهری	پل
اپریل	اول	۱	حمل	میکه	۱۱	۳۷	۳۴
مئی	دوم	۲	ثور	برکه	۱۳	۳۴	۳۵
جون	سوم	۳	جوزا	متهن	۱۴	۸	۳۵
جولائی	چهارم	۴	سرطان	کرک	۱۵	۳۸	۳۵
اگست	پنجم	۵	اسد	سنگه	۱۵	۳۸	۳۵
ستمبر	ششم	۶	سنبله	کنیان	۵	۸	۳
اکتوبر	هفتم	۷	میزان	تلا	۱۴	۳۴	۲۲
نومبر	هشتم	۸	عقرب	برچهیک	۱۳	۱۶	۵۰

جنوری	دہسم	۱۰	جدی	مکر	۱۰	۵۸	۶
فروری	یازدہم	۱۱	دلو	کنبھ	۱۲	۳۵	۱۶
مارچ	دوازدہم	۱۲	حوت	مین	۱۳	۵	۲۶

خانہ سوم (۳)

نام انگریزی	ماہ	شمار	نام سنکرات		تاریخ	گھری	پل
اپریل	اول	۱	حمل	میکھ	۱۱	۵۲	۵
مئی	دوم	۲	ثور	برکھ	۱۲	۵۰	۶
جون	سوم	۳	جوزا	متھن	۱۳	۱۶	۶
جولائی	چہارم	۴	سرطان	کرک	۱۴	۵۳	۵۶
اگست	پنجم	۵	اسد	سنگھ	۱۵	۲۳	۹
ستمبر	ششم	۶	سنبلہ	کنیان	۱۵	۲۳	۳۴
اکتوبر	ہفتم	۷	میزان	تلا	۱۵	۴۸	۵۲
نوامبر	ہشتم	۸	عقرب	برچھک	۱۴	۴۱	۲۵
دسامبر	نہم	۹	قوس	دہن	۱۴	۱۰	۱۶
جنوری	دہم	۱۰	جدی	مکر	۱۲	۱۲	۳۸
فروری	یازدہم	۱۱	دلو	کنبھ	۱۰	۴۰	۴۸
مارچ	دوازدہم	۱۲	حوت	مین	۱۷	۳۰	۵۸

خانہ چہارم (۴)

نام ماہ	انگریزی	نام سنکرات		تاریخ	گھری	پل	شمار
اپریل	۱	حمل	میکھ	۱۱	۸	۲۸	اول

مئی	۲	ثور	برکھ	۱۲	۵	۳۸	دوم
جون	۳	جوزا	متھن	۱۳	۸	۳۸	سوم
جولائی	۴	سرطان	کرک	۱۴	۹	۲۸	چہارم
اگست	۵	اسد	سنگھ	۱۴	۳۸	۴۱	پنجم
ستامبر	۶	سنبلہ	کنیان	۱۴	۳۹	۶	ششم
اکتوبر	۷	میزان	تلا	۱۵	۴	۲۵	ہفتم
نوامبر	۸	عقرب	برچھک	۱۷	۴۷	۹	ہشتم
دسامبر	۹	قوس	دہن	۱۷	۲۵	۴۸	نہم
جنوری	۱۰	جدی	مکر	۱۱	۲۹	۹	دہم
فروری	۱۱	دلو	کنبھ	۱۰	۵۶	۱۹	یازدہم
مارچ	۱۷	حوت	مین	۱۲	۴۶	۳۰	دوازدہم

قاعده در بیان دریافت لگن

پس چون سنکرات جدریافت رسید اگر دریافتن لگن باشد به بیند که آفتاب بکدام برج است لهذا برجی که شمس را یابد تا کجا یعنی تا تحویل در برج دیگر هر روز بوقت طلوع شمس لگن همان برج خواهد شد و چون شبانه روز از شصت گهری میشود از این جهة لگن شش شش لگن در روز میشوند و شش لگن در شب میشوند پس حساب آغاز از طلوع شمس کند مثلاً آفتاب در برج حمل تحویل کند پس تا تحویلش در برج ثور هر صبح لگن برج حمل خواهد شد پس اول لگن حمل دوم ثور تا سنبله روز را تمام کند و بعد از آن شش برج که باقی ماندند آنرا بر شب قسمت کند تا آنکه در آخر شب تا صبح لگن برج خواهد شد و میباید که این امر را خیال کند که گاهی شب و روز کم و بیش یعنی گاهی شب و روز گاهی یوم و رازی میشود پس این کمی و بیشی را در حساب ملحوظ خاطر دارد عقلا حدود اندازه لگن کم و بیش کند و من برای کمی و بیشی لگن دائره بنویسیم تا بدین طور لگن را حساب کند و طالب را در قیام کردن تعداد لگن دقت نیافته دائره اینست

حمل خانه ۱ گهری ۲ پل	خانه ۲ ثور روز اول ۴ گهری ۱۱ پل	خانه ۳ جوزا روز تقل ۵ گهری ۳ پل
خانه ۴ سرطان همانروز ۵ گهری ۲۳ پل	خانه ۵ اسد همانروز ۵ گهری ۲۸ پل	خانه ۶ سنبله همانروز شب ۵ گهری ۲۸ پل
خانه میزان ۷ اول شب همان روز ۵ گهری ۲۸ پل	خانه ۸ عقرب همانشب ۵ گهری ۳۷ پل	خانه ۹ قوس همان شب ۵ گهری ۴۳ پل
خانه ۱۰ جدی همانشب ۵ گهری ۱۳ پل	خانه ۱۱ دلو همانشب ۵ گهری ۱۱ پل	خانه ۱۲ حوت تا طلوع سحر ۳ گهری ۴۱ پل

قاعده دانستن آغاز روز

درحمل و عقرب و دلو و حوت دراین چهار برج آفتاب از وقت طلوع تا تمام شب قائم میماند و در قوس و سرطان و ثور دراین سه برج از نیم آخر شب شروع میشود و به تا نیم شب تمام و در میزان و جدی و جوزا و اسد و سنبله دراین پنج بروج باز طلوع آفتاب از روز میشود و ازاین وجه بشب و روز کم و بیشی میشود چنانچه دائره کمی و بیشی بدین صورتست

حوت و حمل هر روز هفت و نیم پل کم	دلو و ثور هر روز هفت و نیم پل کم	جدی و جوزا هر روز ۱۰ پل کم

سرطان و عقرب و اسد و سنبله و میزان هر روز زیاده پل کم می شود

قاعده دانستن منسوب بروج

حمل و عقرب خانه مریخ	ثور و میزان خانه زهره	جوزا و سنبله خانه عطارد	سرطان خانه قمر
قوس و حوت خانه مشتری	جدی و دلو خانه زحل	اسد خانه شمس	

ندانم دراین علم یکجدول عریض و طویل بنویسم تا طالب از او بهره دانی گیرد و منسوبات بروج و سیارگان بیشتر از آن جدول مفهوم خواهند شد و بسیار مختصر جدولست اما علامت شناخت مقام جدول از حروف تهجی اند چنانچه این ابیات اول یاد گیرد بعد از آن جدول را بر بنید و ابیات

زحمل صفر والف زثور نشان — ب ز جوزا و جیم از سرطان

از اسد دال ان ز سنبله — ه زمیزان و ز بعقرب خوان

و قوس ح است و جدی از طا است — دلو را ے و یا ز حوت نشان

جدول منسوبات سیارگان و بروج اینست

تعداد	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١	١١	١٢
بروج	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
حروف تهجی	•	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ے	یا
صاحب خانه	مریخ	زهره	عطارد	قمر	شمس	عطارد	زهره	مریخ	مشتری	زحل	زحل	مشتری
وبال سیارگان	زهره	مریخ	مشتری	زحل	زحل	مشتری	مریخ	زهره	عطارد	قمر	شمس	عطارد
شرف سیارگان	شمس	قمر	راس	مشتری	•	عطارد	زحل	•	ذنب	مریخ	•	•

بقیہ جدول

حروف تهجی	ل	م	ب	ج	ک	ه	د	د	ح	٠	ب	ی
درجات	۱۹	۳	۲	۱۵	٠	۱۵	۲۱	٠	۳	۲۸	٠	۲۷
سیارگان هبوط	زحل	٠	ذنب	مریخ	٠	زهره	شمس	قمر	راس	مشتری	٠	٠
تذکیر و تانیث	مذکر	مونث	مذکر	مونث	مذکر	مونث	مذکر	مونث	مذکر	مونث	مذکر	مونث
لیلی و نهاری	نهاری	لیلی	نهاری	لیلی	نهاری	لیلی	نهاری	لیلی	نهاری	لیلی	نهاری	لیلی
سیارگان حار و بارد	حار	بارد	حار	بارد	حار	بارد	حار	بارد	حار	بارد	حار	بارد
رطب و یابس	یابس	یابس	رطب	رطب	یابس	یابس	رطب	رطب	یابس	یابس	رطب	رطب
امزوجه	صفراوی	سوداوی	دموی	بلغمی	صفراوی	سوداوی	دموی	بلغمی	صفراوی	سوداوی	دموی	بلغمی
ثبات و انقلاب	منقلب	ثابت	ذو جسدین	منقلب	ثابت	ذو جسدین	منقلب	ثابت	ذو جسدین	منقلب	ثابت	ذو جسدین
دسول	ربیع	ربیع	ربیع	خلیع	خلیع	خلیع	خریفی	خریفی	خریفی	شتوی	شتوی	شتوی
جهات	شمالی	شمالی	شمالی	شمالی	شمالی	شمالی	جنوبی	جنوبی	جنوبی	جنوبی	جنوبی	جنوبی
ایام شمس مدت	۳۱	۳۱	۲۲	۳۱	۳۱	۲۰	۳۱	۲۹	۲۹	۳۰	۳۰	۳۰
ساعات طلوع ج	الدار	ابو اکر	٠	٠	تو جح	٠	٠	٠	٠	٠	الدلو	

بقیہ جدول

حروف تهجی	٠	ا	ب	ج	ک	٠	و	٠	ح	ه	ب	ا
شرف اعداد	ماله	زهره	٠	شمس	مریخ	مشتری	٠	٠	عطارد نمارد	زحل	٠	٠
درجات اوج	ا ا	٠	ا ب	معـ معـ	مخط ب	جو بجو	نو نو	٠	٠	٠	٠	٠

پس ای عزیز قاعده ای همه سیارگان بطور اختصار در جدول نوشته دادم و سیر شمس و قمر بتصریح بقید گهری و پل بیان نمودم الحال قاعده دور سبع سیاره که در تمام روز و شب پیدا شده و خواص خود نیک و بد را بیان نمایم بر همه قاعده منکشف گردد و بخوشی خاطر در فاتحه خیر که بیان عملیات کامل ما آنچه قاعده و برای دانستن ساعات نیک و بد موافق دور سبع سیارات وغیره

و این حساب از روز شنبه گیرند و هر ستاره را دو گهری و چند پل ساعت میباشد و در هر ساعتی هر یک خواص خود بخشد اگر نیکست خواص نیک دهد و اگر نوشته ام منظور است خواهم کرد الحال دائره های ساعت اینست

اول ساعت زحل ۱۲ گهری	دوم ساعت مشتری ۲۰ گهری	سوم ساعت مریخ ۱۲ گهری
چهارم ساعت شمس ۲۰ گهری	پنجم ساعت زهره ۲۰ گهری	ششم ساعت عطارد ۲۰ گهری
هفتم ساعت قمر ۲۰ گهری	هشتم ساعت زحل ۲۰ گهری	نهم ساعت مشتری ۲۰ گهری
دهم ساعت مریخ ۲۰ گهری	یازدهم ساعت شمس ۲۰۰ گهری	دوازدهم ساعت زهره ۲۰ گهر کرد

پس روز شنبه آخر شد و شب آنها بهمین خیال کنند یعنی بعد زهره عطارد فافهم

اول ساعت عطارد ۱۲ گهری	دوم ساعت شب قمر ۲۰ گهری	سوم ساعت شب زحل ۲۰ گهری
چهارم ساعت شب مشتری ۲ گهری	پنجم ساعت مریخ ۲۰ گهری	ششم ساعت شب شمس ۲۰ گهری
هفتم ساعت شب زهره ۲۰ گهری	هشتم ساعت عطارد ۲۰ گهری	نهم ساعت شب قمر ۲۰ گهری
دهم ساعت زحل ۲۰ گهری	یازدهم ساعت مشتری ۲۰ گهری	دوازدهم ساعت تا طلوع شمس مریخ

پس شب آخر شده روز یکشنبه رسیده و ساعت بشمس رسیده و یکشنبه بشمس منسوبست لهذا اول ساعت شمس دوم ساعت زهره سوم ساعت عطارد چهارم ساعت قمر پنجم ساعت زحل ششم ساعت مشتری هفتم ساعت مریخ هشتم ساعت شمس نهم ساعت زهره دهم ساعت عطارد یازدهم ساعت قمر دوازدهم ساعت زحل پس روز یکشنبه تمام شد شب آمد همچنین دور ستیارگان از این هر هفت روز و شب قیاس کند و حساب بگیرد تا آسان گردد دوقت سیارگان از این الفاظ دریافت بیخ شهد رو آنکه از روزات دی ول ش رخ چون شبا فروزاست ش یکشنبه ذ دوشنبه خ سه شنبه و چهارشنبه ثحا پنجشنبه جمعه ل شنبه پس اینهمه قاعده یاد استن ساعت بونکه نوشته دادم اما بعض بروج خاصیت دارند و سیریع التاثیر هستند هرگاه که در آن

بروج آفتاب باشد وکار و تفصیلش بدینطریق است

قاعده ودانستن خاصیت بروج

چرن لگن اول برای هرکاری بسیار خوب	تهر لگن دوم بدرجه وسط نه نیک و نه بد	دسبهاد لگن بسیار بد در هر کار

حمل سرطان میزان جدی اگر آفتاب درین بروج باشد لگن چر بسیار خوبست	ثور اسد عقرب دلو اگر آفتاب درین بروج باشد تهر لگن اوسط است

جوزا سنبله قوس حوت

اگر درین بروج آفتاب باشد دسبهاد لگن بد است

قاعده

بدانکه بعضی بروج با بعضی دوستی دارند و بعضی با بعضی دشمنی دارند و بعض بروج با هم مساوی‌اند نه دوست‌اند و نه دشمنند پس باید که این همه مقدمه را نگاه کند و وقتیکه برای دوستی و حُب عملرا ابتدا کردن خواهد اجتماع طالع باشند ابتدای عمل کند تا راست آید و بروج کواکب هردو را دوستی و دشمنی شرح دهم تا تو سهل گردد

حمل و اسد باهم دوست بدرجه مبالغه	ثور و عقرب باهم دوست بدرجه اوسط	جوزا و قوس و دلو هر سه باهم دوست بسیار
سنبله و حوت باهم دوست	میزان و حمل باهم دوست بدرجه اوسط	ثور و سنبله دوست بدرجه مبالغه

جوزا و میزان باهم دوستند بدرجه وسط	سرطان و عقرب باهم دوستند بدرجه وسط	اسد و قوس باهم دوستند بدرجه مبالغه
سنبله و جدی باهم دوست بدرجه وسط	اسد و حوت باهم دوست بدرجه وسط	حمل و سنبله باهم دوست بدرجه وسط
حمل و عقرب باهم دشمن بدرجه وسط	ثور و میزان باهم دشمن بدرجه وسط	حمل و ثور باهم دشمن بدرجه وسط
	دائره دوستی و دشمنی کواکب	
آفتاب و مریخ باهم بسیار دوست	زهره و زحل باهم بسیار دوست	عطارد و آفتاب باهم بسیار دوست
عطارد و مریخ باهم دوست بدرجه وسط	قمر و مریخ باهم دوست بدرجه اوسط	شمس و زحل باهم دشمن متوسط
مشتری و قمر باهم بسیار دشمن	عطارد و زحل باهم دشمن بدرجه وسط	عطارد و زهره باهم دشمن بدرجه وسط

پس اینهمه قواعد حاملرا باید که از بر یاد کند و مارا که لون و طبع هم نویسیم تا طالب

حمل ۱ رنگ زرد و سرخ و شیرین طبع جهة مشرق	ثور ۲ رنگ سیاه و سبز و تلخ و تیز طبع جهة جنوب	جوزا ۳ رنگ سفید بالکل زبرجدی تلخ شور طبع جهة مغرب	سرطان ۴ رنگ سفید مطلق شیرین طبع جهة شمال

اسد ۵ رنگ زرد و سرخ و شیرین طبع جهة مشرق	سنبله ۶ مطلق رنگ سیاه و سبز و تلخ و تیز طبع جهة جنوب	میزان ۷ رنگ سفید و سبز و شور و تلخ طبع جهة مغرب	عقرب ۸ رنگ سفید مطلق شیرین طبع جهة شمال
قوس ۹ رنگ زرد و سرخ و شیرین طبع جهة مشرق	جدی ۱۰ رنگ سیاه و سبز تلخ مطلق تیز طبع جهة جنوب	دلو ۱۱ رنگ سفید و سبز و شور و تلخ طبع جهة مغرب	حوت ۱۲ رنگ سفید مطلق شیرین طبع جهة شمال

سمت طبع و رنگ بروجها برای این جهة نوشته ایم که عامل را بوقت نوشتن نقشی که آتشی باشد سمت مشرق نشسته بنویسد و بهمین طریق بهر مزاج که نقش نویسد آن جهة نشیند و موافق رنگ بروج سیاهی یا سرخی نوشتن نقش باشد تا راست آید بموجب لذت او نمک خواه اشیای تلخ و شیرین و غیره نزد من خویش داشته باشد و نقش شد وهمچنین هر کواکب با طبع و حالت اینست

آفتاب ۱ طبع گرم جهة مشرق لذت شیرین جلالی سعد اکبر	قمر ۲ طبع سرد جهت شمال لذت شیرین مشترک سعد اکبر	مریخ ۳ سرخ مطلق طبع گرم جهة لذت نمکین نحس اصغر جلالی

عطارد ۴ رنگ سبز سیاهی مائل طبع سرد و لذت دو جسدین سعد و نحس ممتزج در نهار و مغرب	مشتری ۵ رنگ زرد و سفید گرم طبع لذت شیرین جهة مشرق سعد اکبر جلالی	زهره ۶ رنگ زرد و سبز آهنی طبع سرد جهة مغرب لذت شیرین سعد منقلب	زحل ۷ رنگ سیاه مطلق طبع لذت شور جهة جنوب جلالی نحس اکبر

این دائره محض برای تفهیم طبع طالبان نوشته ایم که از هر خاصیت آگاه باشند و اجرای کار خود نمایند و باید که طالع سائل و مسئول هر دو دریافته کار کنند اگر طالع سائل منسوب ببروج و کواکب آتشی و سعد مقدم حسب عدد در عمل آرند و نیز بجوزات

هر کواکب هفتگانه موسومه کواکب بر آن اشیاء که مقرر زند بسوزانند جدا جدا برای هر کواکب غذا و بخورات پس این اشیاء را هر قدر که تواند محفوظ خاطر داشته بکار بپردازند درست افتد چنانچه دائره بخورات هر کواکب اینست فافهم

زحل ۱	عود	مالی	گوگل
مشتری ۲	عطر و عنبر و مشک و زعفران	صندل سرخ و صندل زرد	اگر و لوبان حب الغار و شکر
مریخ ۳	عود و قرنفل	لوبان و سپندور	جوز و گوگل
شمس ۴	عود و صندل سفید سرخ و عطر	جوز و عنبر و اگر و شکر	لوبان و اسپندور
زهره ۵	عطر سهاگ و مشک	صندل سرخ و سفید و زعفران و لوبان	شکر و جوز و اگر و گلهای خوشبودار
عطارد ۶	عود و عنبر	لوبان و نخ	نشور و الکند
قمر ۷	کافور	عطر و عطر گلاب	لوبان و عود

باید که در وقت فتیله سوختن و خواندن عمل موافق طالع طالب و مطلوب از این بخورات دود کند اگر ستاره طالب و مطلوب هم برعکس باشند یعنی ضدیت دارند یکی آتشی طالع و دیگری آبی طالع است در این صورت عدد هر دو اسم بر آورده و دوازده گانه طرح دهد آنچه باقیماند بر بروج تقسیم کند هر جا که عدد منتهی شود آن برج و آن ستاره که با آن برج منسوب باشد بخورات روشن کند و چون بر روز اول با ابتدای دعوت اسم و عمل باشد شیرینی و میوه و هر چه غذای موافق طبع نقش و عمل و دعوت و موافق طبع کواکب او باشد بنهند تا راست آید و بعضی عمل چنان هستند که هر روزه از دو گلی آن نقش بسته بدریا جنبانند و بعضی در عمل آن چنانند که هر روزه دعوت در هنگام خواندن عمل پیش موکلان نهند و بعضی عمل چنانند که هر روزه دعوت بدرویشان و تصدق اجرای دارند و بعضی چنانند که خود آن غذای موافق طبع عمل در استعمال خود دارند پس باید که این همه ترکیبات غذا و تصدق و دعوت موکلات و نذرها حاکم آن عمل بموجب مزاج بروج و کوکب که حاکم آن عمل و دعوت باشد و مالک نقش بود از این قاعده دریافت نماید مثلاً عمل حب و طبع او آتشی باز ای آن

کوکب مشتری و عطارد و آفتاب یا زهره مانند لهذا موافق غذای این کواکب هر گاه اختیار کرده است نذورات و صدقه و غذای اجرای کار نماید تا اینکه بزودی مسخر عامل شوند و دائره اغذیه و کواکب که برای تصدق و غیره است اینست

۱ زحل	برنج زرد و شیرین	میوه های ولایتی	شیرینی خوشبودار	دال نخود و گلاب	عطر و عسل خالص
۲ قمر	برنج سپید و شکر سفید	شیر برنج از شیر خالص	روغن زرد و دوغ ماست	میوه هندی شیر باشد	لیموره و گلاب
۳ مریخ	گوشت زنان و کباب	برگهای ساگ سرخ و مرچ	روغن سرشف	دال عدس و میوه های ترش	خوشبوی تند و تیز
۴ عطارد	برنج و دال مونگ	میوه های هندی ولایتی	پسته سبز چهار مغز	انگور و انار و پراتها نان	خوشبوی مجموعه
۵ مشتری	شیر برنج و زرده	میوه های ولایتی شیرین	عسل مصری خالص	شهد و شکر نان شیرینی	عطر و گلاب و عبیر
۶ زهره	شیر برنج و زرده سفید	لوزیات و غیره	حلوای عسل	دال نخود و برنج	عطر سهاگ
۷ زحل	کهچری ماش	کنجد سیاه	بادنجان	میوه های تلخ	عطر گل یعنی بنی

قاعده دانستن بروج مطابق ماه جلالی

اول در دایره بیست کواکب ماه هندی نوشته ام الحال برای خاطر طالبان این فن ماه جلالی با دائره بنویسم که بسیار بکار میاید یعنی اگر طالع شخصی از حروف تهجی عدد بر آرد در یافته لهذا این قواعد از کتب علمای هیئت که موافق طالع آتشی بادی آبی خاکی ماه بطالع دریافت نمود آغاز مطبوعه و دعوت و زکوة دادن با قاعده عربی بسیار آسان افتد و تلاش از ماههای هندی مطابق کردن با ماههای عربی مشکل افتد ابتدای حساب ماههای جلالی در هر مقدمه از ماه محرم جدا شده و علمای متقدمین دعوت ماه محرم را نیروز گویند کیفیت سال از همین روز گرفته اند و این سنه مقدمه هجری پیغمبر صلعم است

موافق نوروز اکثر حالات مطابق هم بیاید پس برای سالی ماه جلالی دایره نوشته شد
دایره مذکور پایین امینت فافهم

محرم الحرام منسوب برج حمل طالع آتشی وزر است	صفر المظفر منسوب برج ثور طالع خاکی ماده است	ربیع الاول منسوب برج جوزا طالع بادی نر است
ربیع الثانی منسوب برج سرطان طالع آبی ماده است	جمادی الاول منسوب برج اسد طالع آتشی نر است	جمادی الثانی منسوب برج سنبله طالع خاکی ماده است
رجب المرجب منسوب برج میزان طالع بادی نر است	شعبان المعظم منسوب برج عقرب طالع آبی ماده است	رمضان المبارک منسوب برج قوس طالع آتشی نر است
شوال المکرم منسوب برج جدی طالع خاکی ماده است	ذیقعده الحرام منسوب برج دلو طالع بادی نر است	ذیحجه الحرام منسوب برج حوت طالع آبی ماده است

پس باید که عاشق حمل بر طبایع بروج کند اگر معشوق آبی طبع باشد در ماه آبی عمل آغاز کند و اگر مطلب تسخیر امیر و حاکم است هر چه طالع آبی آتشی و خاکی و بادی افتد بر آن عمل کند اثر تمام بخشد اما از هر ماه بحدیث پیغمبر م و نیز بقول منجمان تاریخهای نحس و سعد در آن تاریخ کار آغاز کردن خطا است پرهیز باید کرد و ابتدای هر کار مثل آغاز نمودن دعوت عمل دادن زکوة و آغاز وظائف و دعا نوشتن و نقش پر کردن و رفتن بدریا در تاریخ نحس بهتر نبود اگر در اثنای چله تاریخهای نحس افتد مضایقه نیست اما ابتدای کارها نباید کرد چنانچه حساب شاد مخبر صادق در تمام سال بیست و چهار تاریخ نحس اکبر ند چون کسی در آن تاریخ متولد شود زنده نماند و اگر زنده ماند بدی زندگی کند و اگر بیمار شود بهتر گردد و اگر در جنگ رود کشته گردد و اگر تجارت

کند تاراج گردد و اگر درخت نشاند بار ور نگردد و اگر زراعت کند آفت رسد و اگر آغاز عمارت کند تمام نشود و اگر بر سواری شود بر زمین افتد اگر کار نیک مثل دعوت بعمل آرد کار نیک نیاید اگر سفر دریا کند جهاز و کشتی غرق شود بتاریخ آن بهر صورت نیک نباشد و آن تاریخهای نحس اینند باید فهمید و بر آن تاریخ کاری شروع نماید و باید آگاه شدن تا کار عملیات راست آید دایره تاریخ منحوس کاری نماید و منحوس از این معتبر

محرم	صفر	ربیع الاول	ربیع الثانی
۱۴ ۱۱	۱ ۳	۱۰ ۳۰	۱ ۱۸
جمادی الاول	جمادی الثانیه	رجب	شعبان
۲ ۱۱	۲ ۴	۱۳ ۱۵	۳ ۴
رمضان	شوال	ذیقعده	ذیحجه
۹ ۲۰	۶ ۷	۳ ۵	۲ ۷

قاعده دیگر از کتب فضلای عصر چنانچه علما متقدمین این تاریخ ها را نیز نحس اکبر میگویند

محرم	صفر	ربیع الاول	ربیع الثانی
۱۲ ۱۱ ۱۴	۲۰ ۱۲ ۱۰	۴ ۱۰ ۳۰	۱ ۱۱ ۲۸
جمادی الاول	جمادی الآخر	رجب	شعبان
۱۰ ۱۱ ۲۸	۱ ۱۱ ۱۲	۱۱ ۱۲ ۲	۱۴ ۲۰ ۲۶
رمضان	شوال	ذیقعده	ذیحجه
۲ ۲۰ ۲۴	۲ ۶ ۸	۶ ۱۰ ۸	۸ ۲۰ ۲۸

قاعده دیگر در شناختن تاریخ نحوس

یعنی مطابق بروج طالع ایام نحوس در هر ماه که طالع مرد دانست در آن تواریخ هر یک شخص موافق اسما خود را دریافته پرهیز در هر کار نماید که آن تواریخ هر طالع منحوس است هیچ کار روا نه آید و رنج بجود نه هیچ دعوت و زکوة و نکاح و عمارت و کارهای نیک در آن ایام نباید کرد که آن روزها دشمن طالع خود داند چنانچه آن ایام مذکور را تفصیل بدین صورت است

برج طالع حمل را	برج طالع ثور
۶ و ۱۱ و ۲۰ و ۲۹ و ۲	۴ ۹ ۲۴ ۲۵ ۲۸
برج طالع جوزا	برج طالع سرطان
۴ ۱۳ ۱۷ ۲۸ ۳۰	۸ ۱۳ ۱۸ ۲ ۲۸
برج طالع اسد	برج طالع سنبله
۹ ۱۳ ۱۶ ۲۱ ۲۵	۱۶ ۱۷ ۱۲
برج طالع میزان	برج طالع عقرب
۲۲ ۲۳ ۲۸	۴ ۹ ۱۳ ۱۵ ۲۴ ۲۸
برج طالع قوس	برج طالع جدی
۴ ۹ ۱۳	۱۷ ۲۲ ۲۴ ۲۵
برج طالع دلو	برج طالع حوت
۱۲ ۱۷ ۲۳ ۲	۲۴ ۲۹ ۱۳

قاعده دانستن دوازده ماه ثابت و منقلب و ذو جسدین

بدان که ماههای سعد و نحس و منقلب و ذو جسدین در جدول طویل نوشته ام اما تفصیل آن از آن جدول بفهم مبتدی نخواهد آمد و بنا بر آغاز هر کار دانستن آن بر ضرور است چه برای حب و بغض و برای گشایش رزق و افزونی جاه و مرتبه در آن ایام بهر یک قسم آغاز کنند پس می باید که در کدام ماه آغاز کنند لهذا آگاه شوند که دوازده ماه در یکسال دوازده برج با هم اند پس از این تفصیل آنرا منفصل کرده اند ثابت و منقلب و ذو جسدین لهذا برای اثبات دولت و افزونی جاه و عزت برای خود یا دیگری عمل کنند آن وقت که آفتاب در برج ثابت باشد و برج ثابت چهار اند چنانچه از اینطور بینند

دائره ثابت و منقلب و ذو جسدین بروج ثابت مطابق ماه ثور جلیه اسد بهادون عقرب الگهن دلو پیاگن برای گشایش رزق و افزونی جاه و مراتب در این روزها عمل کنند	بروج منقلب مطابق حمل چیساکه سرطان ساون میزان کاتک جدی ماگه برای سعهوری اعدا و بغض و نفاق در این ایام عمل کنند

بروج ذو جسدین

جوزا اساره سنبله کنوار قوس پوس حوت چیت

برای حب و تسخیر مطلوب اگر عمل کنند در این ماهها کنند

قاعده در دانستن جهات رجال الغیب

باید دانست که رجال الغیب مردان غیبند که در هر کار حرکت و سکونت شریک کار میباشند پس در هر مقدمه مثل سفر رفتن و آغاز کارهای نیک و خواندن وظائف و نشستن در چله و مراقبه و نوشتن تعویذ وغیره اگر رجال الغیب روبرو افتد بد باشد هرگز آن کار را آغاز ننمایند زیرا که اگر برای دوستی کنند دشمنی شود هرگاه برعکس بود اگر برای شکار رود زخمی شود اگر بملاقات سلطان رود مغضوب و مقهور شود پس این قاعده را بوجه احسن بخاطر ضبط نمایند و این نحیف برای همین همه را یکجا نموده که بموجب نوشته در عمل آرند و در مقدمه رجال الغیب جیت عربی از استادان مقرر است و آن جیت اجمالی هر جهات رجال الغیب است یعنی هر حرف منسوب بهر طرفست از اول تا آخر و نیز دائره هم برای این مقرر است چنانچه اولاً جیت این است

کنجغ بامش کنجغ بمش

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵

کنجغ بامش کنجغ امش

۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰

بدانکه قاعده این جیت بدین گونه است که هر حرف منسوب بهر جهتست و در این قاعده آ جهت هستند مشرق مغرب جنوب شمال اگنی نیرت بائب ایسان اول رجاتند و این گوشه ا پس هر جیت منسوب بحرف شعر بالاست بهر گوشه نیز نسبت است چنانچه ک اول منسوب به اگنی و ان منسوب به نیرت و ج منسوب بجنوب و غ اول منسوب بمغرب و ب منسوب به بائب و المنسوب با یشان و م منسوب بمشرق و ش منسوب بشمال علی هذا القیاس از تاریخ اول تا بروز سلخ تمام ماه بر همین یک حرف

فسو نبد بدانانی باید فهمید و دائره چکر جوگنی اینست بر این عمل کنند عزیز باید دانست

اگنی ۱ - ۹ - ۱۶ - ۲۴ آتش سوار برای عداوت	مشرق ۲ - ۱۴ - ۲۴ - ۲۹ فیل سوار برای خواب بندی	ایسان ۶ - ۲۱ - ۲۸ خر سوار برای محبت آخر روز
جنوب ۱۳ - ۱۱ - ۱۸ - ۲۶	چکر جوگنی	شمال ۱۸ - ۱۵ - ۲۲ - ۳۰ اسب سوار برای محبت
نیرت ۱۰ - ۱۷ - ۲۵ سنگ سوار برای محبت	غرب ۱۴ - ۱۲ - ۱۹ - ۲۷ گاو سوار برای محبت و تسخیرات	بایب ۵ - ۱۳ - ۳۰ تخت سوار برای علو درجات

دیگر آنکه قواعد دانستن رجال الغیب از این ابیات مفهوم نمایند بهر تاریخ بهر سمت خواهد بود

منظومهٔ رجال الغیب

اگر تمام نمائی بقول اهل کمال — برین طریق شناسی جواب ابدال
به اول و نهم و شانزده و بیست و چهار — میان شرق و جنوب ندای تخته خیال
بدوم و دهم و بهفدهم و بیست و پنج — میان غرب و جنوب ندای نکو افعال
سه و یازده و سیزده و بیست و شش — سوی جنوب بقول صحیح بهر حال
بچارم و دهم و نوزده و بیست و هفت — چه ماه نو بدر مغرب بند حلقه مثال
به پنج و سیزده و بیست گر نشان طلبی — میان غرب و شمالند مردم فعال
بشش و بیست دیگر و بیست و هشت گر جوئی — مقام مردم غیبی میان مشرق و شمال
بهفت و چارده و بیست و نه چو میخواهی — بسوی شرق نشسته ز روی استقبال
بهشت و پانزده و بیست و سی باشند — سوی شمال چو صبح دوام و صبح وصال

پس ای برادر از قاعده ابیات و از قاعده شعر و دائره و غیره بسه ترکیب رجال الغیب را بیان کردم اگر نا

عقل باراه دهی تفهیم آن قریب تر است چون این قاعده دریافتی حال قمر در عقرب دریافت کردن باید دیگر دوره سبع سیارات را دریافتن چندان ضرور نیست دیگر اینکه باعث طول کتابت اگر طالب آگاه باشد نقصان در عملیات نیست آگاه نباشد اگر آگاه شود اینقدر فائده است مشتری انگشتری نقش بکند و پر کردن نقش هم نافع تر است اگر برای عداوت در شرف مریخ نقش نویسد مؤثر خواهد بود پس دیگر قاعده برای عامل نیست منجم را برای حکم کردن باید که علم نجوم خوانده و این نسخه که بر عملیات است همین قدر خاطر ابس بود که نوشته دادم از قمر در عقرب هم در کار نقصان میدهد بدین جهة نوشته میشود و خاطر اضرور تر است یاد کردن آن زیرا که در زمان قمر در عقرب که دو روز و چند ساعت در آن برج میماند هیچ کار آغاز ننماید مثل دعوت و زکوة و چله هیچ عمل را در پیش کردن خطا است اگر در میان چله افتد خیست و باید که علاوه آغاز کردن عمل سفر هم نکند و نکاح هم نباید کرد و همچنین بنای عمارت و زراعت کردن هم نباید کرد لهذا این قاعده را هم استادان بطریق نظم بیان کرده اند و قمر در عقرب بجز شراکت مشهور هندی و مشهور فارسی مفهوم نمیشود و صورتش اینکه در نظم تاریخ ماههای عربی داند و ماه را هندی فهم کند مثلاً مصرع آن ابیات مع یازده اندر اساره هشت اندر ساد نست چنانچه بتاریخ یازدهم ماه عربی در آن زمان که ماه اساره باشد علیهذا القیاس هم برانیطور بداند ابیات

عقرب آمد هر مهی دو نیم روز آرد گران — هر که کاری میکنی دردی به آزار د زبان
یازده اندر اساره هشت اندر ساد نست — شش سه بهادون سه آسن و یک بکاتک امتحان
بیست و هشت آمد باگهن بیست و شش آمد بپوس — بیست و سه در ماگهه باشد بیست و یک بهاگن بدان
هیجده در چیت شانزده بیساکه دان — سیزده در جیهه باشد گر ندانی بدان

قاعده دانستن طالع هر شخص به سه نوع در هندی و فارسی که بسیار مفید و بکار آمد هست بدانکه طالع هر شخص دریافتن در علم عملیات ضرور تر افتاد زیرا که بدون دریافتن طالع هیچ اثر راست نه آید اگر تمام مقدمات تسخیر و نفاق و مرض هر اسم ظاهری مقرر کنند تا موافق افتد زیرا که اسم را قیام نیست اکثر مردم اسما خود را تبدیل میکنند چنانچه بعضی در روز کار کردن بدل

کنند بعضی در مقامات دیگر اسم اصلی پنهان کنند مثل اینکه دختر در خانه ما در نام دیگر دارد و در خانه دیگر خطاب دیگری یابد اسم او بدل شود لهذا حقیقت اسم ظاهری عامل بداند و طالع را بطور خود استخراج کند و عمل آغاز نماید و آن اینست که اول طالع معتبر و متین آن باشد که اسم مادرش سگفت یا پدرش اسم داشته باشد عدد آن اسم بقاعده حروف تہجی بر دارد و جمع کند و دوازده دوازده کا ن طرح دهد آنچه باقی ماند بر بروج تقسیم کند بر هر برج که عدد منتهی گردد و همان طالع او باشد و اینرا طرح بروجی گویند مثلاً نقطه عدد بر سرطان تمام شد طالع او سرطانست و مزاج آنکس آبی است پس هر کسی مزاج خاکی داشته باشد محبت تمام باشد و عمل حب اثر کند زیرا که آب و خاک با هم موافقند هر تعویذیکه نویسد از خانه خاکی نویسد و ساعت ستاره آبی یا خاکی گیرد تا در مزاج اثر تمام دهد دوم طالع اینکه هر شخصی که در ساعت هر کوکب متولد شود یعنی بساعت زحل یا مشتری یا مریخ پیدا شده باشد همان ستاره که ساکن برج باشد طالع آنکس باشد و اینمعنی را بوجه احسن از بزرگان دریافت نماید که بکدام روز و بکدام پاس اینشخص متولد شده است یا از جنم کندل و زائچه رمل و تقویم که داشته باشد دریافت کند آنهم طالع معتبر است و اگر وقت نامعلوم شود باید که هم اسم مادرش را عدد از قاعده تہجی بر آورده همه را جمع کرده هفتگانه طرح دهد آنچه باقی ماند بر ستاره ها تقسیم کند هر جا عدد منتهی شود همان ستاره مر طالع اوست و اینطریق را طرح کواکب میگویند پس عامل دعوی کند که در مزاج و ساعت آن دریافته آغاز نماید درست و مطابق خواهد افتاد و باید که عدد اسم مطلوب هم برانطریق مذکوره بر آورد و طرح داده طالع را استخراج کند و مزاج هر دو ببیند اگر یکی مزاج آبی و دیگری خاکی و از یکی آتشی و دیگری بادی دارد عمل اثر بسیار خواهد کرد و اگر یکی آبی است و دیگری آتشی طالع را ضدیت است بغض و جدائی را عمل بر این کسان موثر نیز خواهد شد سوم طالع را دریافتن اینکه هر کس که از نام خویش شهرت تمام دارد و از خواب بیدار میشود و عزت و ذلت و شوکت از همین نام می یابد و گواه آن اسم و در جهان هزارها آمده آن اسم را از قاعده نجوم براین بہ جنید از هر کس که اسم منسوب بود آن کس بهر برج و ستاره که نسبت دارد همان برج و طالع او باشد و منجمان طالع را رہنما سند و حروف اس مطابق

بروج بقاعده نجوم از اسم هر کس که مطابق آید آنرا بطور تمام بر بنید و طالع بروج نماید و این قاعده بوجه احسن منویسیم تا عاملرا تلاش نیفتد چنانچه دائره راس مع نچھتر تفریح و تعریف اینست مطابق حرف اسم راس نچھتر را معلوم کند اینست

ترتیب بروج	حروف چرن	نام نچھتر	نچھتر مع بروج	حروف چرن	برج نچھتر	آبی بروج	حروف چرن	نام نچھتر
برج حمل میکھ راس	چو چی چو لا	اسنی	برج اسد سنگھ راس	[illegible]	مگھا	برج قوس دھن راس	[illegible]	مول
	لی لو لی لو آ	بھرنی		[illegible]	پوربا	برج جدی [illegible]	[illegible]	پورباکھاڑ
برج ثور برکھ راس	ای او بی بو	کرتکا	برج سنبله کنیا راس	[illegible] کھا	اترا		[illegible]	اتراکھاد
	وا وی وو	روھنی		[illegible]	ہست		[illegible]	سردن
برج جوزا متھن راس	[illegible]	مرگسر	برج میزان تلا راس	پے پو را ری	چترا		[illegible]	دھنشٹا
	[illegible] چھا	اردو		رو رے رو تا	سواتی		[illegible]	ستبھکا
برج سرطان کرکی راس	[illegible]	پنرپس	برج عقرب برچھک راس	[illegible]	بساکھا		[illegible]	پورابھادرپد
	[illegible] دو	[illegible]		[illegible]	برج [illegible]		[illegible]	اترابھادرپد
							[illegible]	ریرتی

و باید دانست که هر راس را این کلمات شرکت میشوند در این دایره فاما علیحده نوشته شد یعنی
الا میکه راس او بار کر راس کوکن راس کا چهاکر کت راس تانی سنگه راس بها تها کنیا راس را
بها و بها دهن راس بها تهی مین راس این قدر الفاظ و کلمات زاید برای احتیاج نوشته شد
پس ضرور باید که بغیر دریافت طالع هیچکس را تعویذ نوشته نه دهد و هیچ کار آغاز نکنند مثلا برای
کشتن عدو اگر عدو زحل طالع بود بعمل سیفی و سوره که معکوس شد در ساعت مریخ دشمن عطارد
باید کرد که این کواکب دشمن زحل اند و اگر برای دوستی طالب و مطلوب زحل طالع باشد عمل بساعت
زهره باید کرد که زهره دوست زحل است اثر تمام خواهد بخشید و در میان مردم که دوستی و دشمنی
میشود بسیار از خواص کواکب میشود و اینکه گاهی بالاختلاف چون دوستی بکسی میشود اغلب که در
ساعت طلوع آن هر دو اتفاق کواکب شده است یا در اسم آن هر دو فرقت باطن و الا نه
در مخالفت کواکب دوستی ناپایدار است و در اکثر اتفاق معامله دنیوی مثل نکاح و تجارت و غیره
اتفاق آخر نطبه و میرسد و اگر گاهی مجمع سبع سیاره در یک برج افتد و سیر با هم ایشان موافق
افتد در آن سال آفت در جهان ملک پیدا میشود و فتنه و طوفان ظاهر گردد
و پادشاه ملک پیدا میشود و پادشاه ملک و امرا همه تباه شوند و با آنکه تبن
علی الخصوص اگر مریخ و زحل در یک برج سیر کنند و همقران شوند امراء و سلاطین
بمیرند و خلق بآفاق رسد و قحط افتد و کشت و زراعت را زیان رسد و چارپا بازا
خطر جان بود و در این شش بروج قران زحل و مریخ بسیار است و سنبله
حوت اسد ثور عقرب باقی بروج را قران اینقدر نحس نبود
الحاصل اینهمه امور دقایق برای طالبان نوشته دادم تا بر عملیات حزم و
احتیاط از دست نه دهند و نیز آنچه که ذکر کرده ام که در بعض عملیات پرهیز جلالی
کنند و در بعض عملیات پرهیز جمالی سنمانید لیکن الحال شرح پرهیز جلالی و جمالی
با شرایط تمام و ترک حیوانات و ترک لذات مطلق و ترک حیوانات جلالی و جمالی
همه را مینویسم تا بکار عامل آید و کسی در مقدمه عاجز نشود و فقیر را در جلسه و خلوت
بدعای خیر یاد نمایند و به روحم فاتحه و ثوابی برسانند و انصاف کنند
والله اعلم بالصواب

قاعده داشتن پرهیز جلالی و ترک حیوانات وغیره

بدانکه اگر آیات جلالی و عملیات جلالی بخوانند اینقدر پرهیز کنند که گوشت و ماهی و بیضه و عسل
و مشک و بوی چرب و جامه پشمینه و ابریشمی و هر چیزیکه از حیوانات پیدا میشود و کلاه و دستمال
دندان فیل و دسته شیر ماهی و دسته شاخ و کفش و موزه نپوشند و موی نتراشند و ناخن
نگیرند و جماع نکنند و بعض استادان دال عدس و برگ تنبول را خوردن منع کرده اند و بر
بستر غیر ننشینند و از دیگری مس نشوند و سرکه و پیاز و ترب و انگور و نمک ملکی خرما و عنبر
هیچ نخورند و همه وقت با وضو باشند و اگر قوت داشته باشند هر روز اختیار کنند و هیچ
میوه نخورند زیرا که مگسها بمیوه می نشینند و چرکین میکنند و روغن سرشف نخورند الا بشرط
آنکه بحضور خود روغن با احتیاط تمام از روغن گری مسلمان باشد باین نوع بکشانند که کنجد
گرفته در آب میندازند هر کنجد که در آب غرق نشود و بر بالای آب ایستاد آنرا دور بریزند
زیرا که آن کنجد را کرم خراب کرده است پس باقی دارو غن کشانیده اگر استعمال کنند
مضایقه نیست و هر کس را که در زمان چله برای خدمت کنیز ان کس مرد پرهیزکار و نمازی
باشند و گاهی حرام نکرده باشند و خود دائم الغسل باشند و جامه بغیر دوخته بپوشند
و نگهدارند که خون گاهی از جسم برآید و درختی که شیر از آن برمیآید برگ آن نشکنند
و شاخ گل و میوه از دست خود نشکنند و بعضی نوشته اند که موی صفت مثل بغل و لبها
و پای و ناخن نتراشند و باقی موی را نگیرند و بر اسب و فیل سوار نشوند اینقدر پرهیز جلالی
بود که نوشته داده شد و پرهیز جمالی اینکه گوشت ماهی و سرکه و پیاز و ثوم نخورند و جماع
(شرح پرهیز جمالی) نکنند و طهارت جامه هر وقت جدا زند و شیر و حشرات هم نخورند
و دیگر میوه و روغن کنجد و سرشف اگر استعمال عند الضرورت کنند مضایقه ندارد و برنج
و دال عدس و مونگ در استعمال خود دارند و حجامت نکنند و ناخن تراشند و جامه دوخته
بپوشند و بر اسب و فیل سوار شوند این بود پرهیز جلالی و جمالی که گفته شد الحال طریقه خواندن
عملیات که گفته ایم که بتصریح خواهم نمود یا دیگر شده ان نوشته ست که اول عامل بداند که کدام و کلام ماه و روز
عمل بخوانند و برای حب چه باید کرد و برای بغض و هلاکی دشمن کدام ستاره و وقت باید کرد چنانچه

بهمه صراحت نمودم الحال باید که عمل تسخیر کواکب که هر روز و ساعت آن میشود کردن حضور درآ
انجمعی با شرح تمامتر مینویسم واضح اینست که مدون نمانوردن همه شرط عملیات عامل
را سبب سابد اول این همه اقوال را ادا کند بعد از آن قدم درآید بعد چنانچه قاعده
تسخیر کواکب و قاعده نشستن در چله بدین ترتیب است که اول آیات کلام الله که مسخر
هفت زمین و هفت آسمان است با تسمیه اسم کوکب و اسم موکل حاکم کوکب هفت ایام با
ترک حیوانات جلالی بخواند و آیات معظم مکرم که برای خواندن اینست

بسم الله الرحمن الرحیم

اَلرَّحْمٰنُ عَلَّمَ الْقُرْاٰنَ خَلَقَ الْاِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ اَلشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ وَّالنَّجْمُ
وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ وَالسَّمَآءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيْزَانَ اَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيْزَانِ
وَاَقِيْمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيْزَانَ وَالْاَرْضَ وَضَعَهَا لِلْاَنَامِ فِيْهَا فَاكِهَةٌ
وَّالنَّخْلُ ذَاتُ الْاَكْمَامِ پس باید که بروز جمعه بوقت شب یکصد و یکمرتبه اول درود بخواند بعد از آن
این آیه با کواکب زهره نام موکلان بخواند و بعد تمام بیست و یکمرتبه درود بخواند
آنفعل اسماء زهره که همراه آیه اینست السلام علیک یا زهره یا خطیح یا امومائیل
بعد آن صبح بروز شنبه روزه بدارد و بعد نماز عشاء بدستور درود بخواند همراه
آیات مذکوره با اسم زحل و کوکب با موکل که هست بخواند السلام علیک یا زحل یا
قائیل یا اطلیخ باز بروز یکشنبه روزه بدارد بوقت عشاء درود مع آیه شریفه بخواند
بعد از آن آیه کریمه با نام کواکب و موکل آن بخواند السلام علیک یا شمس یا کلیائیل
یا طغشت روز چهارم نیز روزه بدارد بعد نماز عشاء درود بخواند بعد آیه شریفه همراه
اسم کوکب و موکل بتعداد مذکور بخواند السلام علیک یا قمر یا لقوائیل یا تقذ روز پنجم
نیز روزه داشته بوقت مذکور بطریق اول همراه آیه کریم بخواند السلام علیک یا مریخ یا
همیائیل عصر روز ششم که چهارشنبه بود نیز روزه داشته بوقت نماز بعد درود بخواند السلام
علیک یا عطارد یا اشکائیل یا فکوه روز هفتم که پنجشنبه باشد روزه بگیرد و بعد نماز درود
همراه آیه بزرگ نام مشتری و موکلش بخواند السلام علیک یا مشتری یا عجرائیل یا علیم یا کریم

پس تمام شد تسخیر کواکب جزوی نیاز معنبر و همه موکلات با بخورات با همه کواکب لهذا بعد از
این هر عمل و دعوت که ادا نماید و نقش در هر ساعت که پر کند اثر بخشد و با انصرام خواهد رسید
و لحاظ در هر کار به نیطور که گفته میشود کنند مثلاً تسخیر هلاکت دشمن میخواهد پس برای خواندن عمل
قاعده دانستن شروط همه عمل) زبان بندی و تخریب عدو و بغض و نفاق و برای ...
و دفع آسیب و هر چیزی که تعلق سیدی دارد اینهمه را حاکم کواکب زحل و مریخ اند چه زحل هلاکت
و نفاق آرد و مریخ را قتل و قمع و جنگ و جدال و خونریزی و خون برآوردن از شکم است
و همه آفت ارضی و سماوی را تعلق باشد و کوکب اند پس برای اینهمه مقدمه اول و روز آفتاب بیند
که در کدام برج است یعنی آفتاب در بروج منقلب باشد و ماهتاب در آتش که از نظرات طالع برج
زخود و از عدوی در هشتم و دوازدهم و ششم باشد و مریخ در هفتم بر ساعد دشمن خود باشد و او را
هفتم خانه محبت و بالست و کوکب زحل یا مریخ را از طالع خویش شرف باشد یا این از طالع
خویش در خانه قوی باشند و از طالع عدو بخانه ضعیف یا بنظر دشمنی باشد که خانه ششم
و هشتم و دوازدهم است و یوم شنبه یا سه شنبه باشد و ساعت زحل باشد و آفتاب با لگن حمل
بود و همه اسباب بخورات زحل مهیا باشد و جا نماز و پوشاک عامل سیاه مطلق باشد
و اندک اشیاء تلخ و تیز عامل در دهن بدارد و مثل مریخ سیاه و آلو خشک و برگ زیت و در
بخورات گوگل و عود و ... باشد و تاریخ از تاریخ جاری ماه عربی از دائره سابق الذکر مخالف
بطالع عدو باشد و اغذیه مطابق دائره اغذیه برای نیاز موکل زحل و بروی عامل بسجاده باشد
و ماههای جلالی نیز مخالف عامل و عدو بود و دوری بجانب رجال الغیب نکند آنرا پس پشت
بگیرد و قمر در عقرب نباشد و از طالع عدوی خود قمر در عقرب بود بهتر است یا قمر از طالع
ششم و هشتم و دوازدهم باشد پس اینقدر شرایط بجا آورد اول تسخیر زحل و مریخ کند
بعد استخاره برای عمل آغاز نماید اگر راه دهد دعوت و زکوة شروع نماید هر عمل که برای
نفاق بدین ترتیب کنند تیر بهدف آید و اگر بدین صورت نکند عمل را چه گناه (شرایط عملهای
محبت و تسخیر) اگر کسی برای اتصال مطلوب و برای تسخیر عمل خواندن یا نقش پر کردن خواهد
ادا و اینهمه شروطها بجا آرد یعنی آفتاب در برج ذوجسدین باشد و کواکب زهره یا عطارد و قمر
از نظرات طالع مروجی خود دهم از طالع معشوق در خانه دوازدهم و نهم و پنجم و سیم باشد و نیز مریخ

وزحل بنظر دوستی از طرفین بجای نیک در بروج سوم و پنجم و یازدهم باشند و اگر کواکب زهره
یا قمر یا عطارد در اشرف بوده بهتر است و آفتاب در الگن چرم باشد پس آنوقت ساعت زهره بگیرد
در روز جمعه یا چهارشنبه یا پنجشنبه و دوشنبه بود و تواریخهای ماه عربی سعد باشند از حساب
طالع محبوب مطابق بوند از دائره تواریخ و بحساب حدیث هم تاریخ سعد اکبر بود و رجال الغیب
رو برو دست راست نباشد و ماه جلالی باشد و قمر در عقرب نباشد و پوشاک و جانماز در همه
اسباب عامل سبز باشد یا صندلی یا سفید مطلق و غذاء کواکب بجای نیاز موکلات روبرو نهند
چنانچه در دائره اغذیه برای عطارد و زهره و قمر نوشته ام مهیا بود و بخورات این کواکب بخواند
و استخاره کند و برای محبت غیره عمل آغاز کند اثر دهد و دوستی پیدا آید و اگر اینطریق را فرو گذارد
باز عمل و نقش را العمن اثر نمیدهد خطای عظیم و غلط فهمی خود است عملرا چه گناه است هرگاه
در تدبیر فرق شده است

شرائط عملیات علو درجات و فتوح و تسخیر کردن امراء و سلاطین را و برای دفع امراض

پس اگر کسی عملیات فتوح و نعمت و مال زیاده شدن و پادشاه را تسخیر کردن و زبان امراء را بستن
خواهد و همچنین قسم عمل خواندن و زکوة دادن و نقش نوشتن میخواهد یا دفع امراض مهلکه را علاج
از عمل جوید او را اول باید که شرائط عملیات بجا آرد یعنی اول آفتاب را ببیند اگر در بروج ثابت باشد
اولی است یا مهتاب هم در بروج ثابت باشد و از ماههای جلالی ماه نیز باشد و آفتاب و قمر و مشتری
از طالع خود و طالع آن امیر که تسخیر او میخواهد از نظر بروجی باهم در پنجم و نهم و یازدهم باشند
و کواکب نحس مثل زحل و مریخ و راس و ذنب از نظرات طالع عامل یا آنکسیکه تسخیر او را میخواهد
بنظر دوستی در برج نشسته باشند یعنی در پنجم و نهم و یازدهم بوند و آفتاب و مشتری را اشرف باشد
بهتر است پس اول ساعت آفتاب یا مشتری گرفته در روز یکشنبه یا پنجشنبه که در الگن چرم بود و تاریخ
سعد باشد از طالع خود بحساب حدیث رجال الغیب رو بروی دست چپ است و زرد برو نباشد
برای عمل خوانی نشیند و پوشاک و جانماز عامل صندلی و زرد رنگ باشد و میوه
جنس و غیره مطابق اغذیه آفتاب و مشتری باشد برای نیاز موکلات روبرو نهند و
بخورات کواکب آنچه مذکور شد بسوزاند بعد این شرائط بجا آوردن عمل آفتاب
و مشتری بخواند با آیات مذکوره بالا و من بعده استخاره کند اگر بهتر آید هر چه عمل

دولت و فتوح غیبی باشد آغاز نماید اثر عظیم بخشد و زودتر کیزان عوت بانجام
رسد پس اینقدر تشریح در عملیات برای طالبان کرده شد اگر نوشته من عمل کنند
گاهی خطا بخورند و هیچ محنت ضایع نخواهد شد و اگر مطابق این عمل نکنند خطا باید بخورند
زیرا که عمل بردانستن و توقف عامل محتاج است چنانچه عمل حب اگر بساعت مریخ و زحل
نمایند بجای حب بغض بساعت زهره و عمل تسخیر بساعت زحل کنند بجای بغض
حب پیدا کند و بجای تسخیر ذلت شود خدا را چنین ننمایند و برای اینهمه طریقه را در این
کتاب ذکر کردم احتیاج شاگردی کسی نیست زیرا که شاگردی این کتاب کافی است
و چون راس و ذنب را ذکر اینجا نیاوردم این بود که آنرا استاذه کوکب نگفته اند
بلکه در اقطاب شمالی و جنوبی هر دو را خط تصور کرده اند و آنچه که آنرا کوکب گویند تابع
مریخ و زحل گفته اند ذنب بر زحل و راس بر مریخ پس تمام خواص هر دو موافق زحل و مریخ
اند و در مقدمه نفاق و بغض و هلاکت بکار آیند بدستور مریخ و زحل در هر حال از
طالع خود طالع و بر لحاظ این هر دو نمایند والله اعلم بالصواب.

باب ششم در عملیات تکسیر از حروف و کواکب آنچه که بعضی

و صحیح از علوی و سفلی بهم رسیده اینست و این بر چند فصول است از حب و بغض و غیره

فصل اول در تسخیر پادشاهان و امیران و غیره چون کسی خواهد که قلوب پادشاهان
را تسخیر کند باید که لوحی از طلای خالص بسازد و آن لوح مربع بوده و قتیکه زهره و مشتری را
تثلیث بود عدد این آیه کریمه برآرد وَاِلٰهُکُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ
چنانچه اعداد آیه موصوفه اینست نهصد و بیست پس در این طرح دادیم سی و شصت
نود آمد آنرا چهار حصه کردم و نقش مربع پر کردم اینست

۲۲۹	۲۲۳	۲۳۶	۲۲۳
۲۳۵	۲۲۳	۲۲۸	۲۳۴
۲۳۴	۲۳۸	۲۳۱	۲۶۷
۲۳۲	۲۲۶	۲۲۵	۲۳۷

پس این نقش مذکور را کنده در همان ساعت که ذکر شد و آن اینست که هرگاه مشتری در یک برج باشد و زهره از مشتری بر درجهٔ سوم آن برج بود یا از آن برج در برج سوم بود برج نهم و پنجم بود یا بر درجهٔ نهم و پنجم و سوم بود آنرا نظر تثلیث گویند و همین وجه هر ستاره را بدانند اگر از یکی دیگری در چهارم بود نظر تربیع است اگر از یکی دیگری در ششم بود نظر تسدیس است اگر از یکی دیگر هفتم بود مقابله است و اگر از یکی دیگری در دوم است مقارنه است اگر از یکی در دیگر هشتم است ساقط است همچنین خانه‌های تثلیث اند

خانهای تثلیث طالع از طالع ۵ – ۹	خانهای تربیع ۴ – از طالع از مقابله ۱۰	خانه مقابله از طالع ۷
خانهای تسدیس ۳ – ۱۱ – از مقابله	خانهای ساقط ۸ – از طالع ۱۲ – از مقابله	خانه مقارنه ۲ – از طالع

پس همین حساب لوح مذکور کنده بر پشت آن لوح اسم خود با نام مادر و نام پادشاه و اسم مادر او این چهار اسماء را ورد کرده با هر دو یکی اسماء آلهی در آن ممزوج کنند بدین طور بنویسند یا طیهال یا میکائیل یا ودود یا اصباوث یا اهیا یا بدوح پس همراه با مادرش نیز بر پشت لوح کنده و در وقت کندن شنه [illegible] پس [illegible] آن لوح خاتم [illegible] با کسی سخن نگوید پس تیار شود نزد خود بدارد پادشاه مطیع فرمانش گردد مجربست

نوع دیگر برای تسخیر ملوک و در چشم پادشاه بزرگ نمانیدن باید که یک لوح از طلا بسازد و عدد آیهٔ معظمه الله لطیف بعباده یرزق من یشاء بغیر حساب برآرد و عدد اسم خویش نیز برآرد و نقش مربع بر آن لوح در ساعت آفتاب برکند و این آیه را با حروف اسم خود او تمام نماید و بر لوح ابجد حروف را نیز بکنند یعنی این اسم از بالا بکنند یا کتیمول و این اسم تحت لوح بکنند یا علیقواد کسی سخن نکند چنانچه مثال این نام سائل حامد بسط آن لوح ام داود غام با ابراح ل ام ه د ل ط ی ف ب ع ب ا د ه ی ر ز ق م ن ی ش ا ب غ ی ر ح س ا ب پس عدد اینها گرفتم دو هزار و سیصد و نود و چهار برآمدند – سی حذف کردم – دو هزار و سیصد و شصت و چهار ماندند آنرا چهار چهار حصه کردم چهارم آن پانصد و

و نود و یک شد پس در ماه حیبه که آفتاب در برج ثور بود ماه ثابت یافتم که برای فرزنی جاه سفید است در اینها بروز یکشنبه ساعت اول که ساعت آفتاب بود و نیز یوم آفتاب منسوبست بجز آفتاب سوختم و بر بخور منسوب آفتاب نیاز موکلان دادم و رجال الغیب را بر پشت کردم و تاریخ از ماه سعد یافتم در آن ماه پس خاموش نشستم و بر لوح اول اسمی که بالا نوشته است کنده کردم و بعد از آن حرف تکسیر کندیدم و بعد کندن حرف مذکور عدد که برآوردم آن نقش را نقش نوشتم و کنده دیدم و بعد کندن حرف مذکور اسم دوم در تحت کنده دیدم و آن نقش اینست

۵۹۱	۶۰۴	۶۰۱	۵۹۸
۶۰۲	۵۹۷	۵۹۲	۶۰۳
۵۹۶	۵۹۹	۶۰۶	۵۹۳
۶۰۵	۵۹۴	۵۹۵	۶۰۰

پس چون باین ترتیب که لوح را مثال ساختن گفته شد تیار کنند آن لوح با اعزاز نزد خود دارد عزیز گردد نوع دیگر برای تسخیر پادشاه باید که بساعت مشتری اول وقت گرفته بعد لوحی از طلا بسازد اسم خود و مادر و اسم پادشاه با مادرش گرفته عدد برآورد و آیه شریفه سلام قولا من رب رحیم را اعداد گرفته ممزوج نموده نقش مربع بکند و لوح را نزد خود بدارد عزیز و محترم گردد چنانچه نقش آیهٔ مذکوره اینست در این نقش اعداد مفرد

۷۸۴

۱۹۷	۲۱۰	۲۰۷	۲۰۴
۲۰۸	۲۰۳	۱۹۸	۲۰۹
۲۰۲	۲۰۵	۲۱۲	۱۹۹
۲۱۱	۲۰۰	۲۰۱	۲۰۶

نوع دیگر ایمن بودن از قهر سلاطین و ایشان را بر خود رحیم کردانیدن بروز پنجشنبه روزه بدارد و چون دو ساعت از روز بگذرد یک لوح از کاغذ سپید بگیرد و با آب طلا نقش مربع پنجشنبه آیهٔ من حصنا را بنویسد و در دستار کلاه و بستر

انت اعلم بنا صیتها ان ربی علی صراط مستقیم برآرد و دور آن نقش نویسد و با
خود بدارد نزد پادشاه برود اگر خون کرده باشد سلطانش معاف خواهد کرد و او را
عزیز خواهد داشت چون از آنجا باید آن لوح کاغذی را در قرآن مجید بجای سوره
تبارک الذی است بنماز و چنانچه اعداد آیه معظم را گرفتم و نقش پر کردم اینست

۱۴۷۹	۱۴۹۳	۱۴۸۹	۱۴۸۶
۱۴۹۰	۱۴۸۵	۱۴۸۰	۱۴۹۲
۱۴۸۴	۱۴۸۷	۱۴۹۵	۱۴۸۱
۱۴۹۴	۱۴۸۲	۱۴۸۳	۱۴۸۸

نوع دیگر اگر کسی را حکم گردن زدنی شده باشد پس او را لازم که قمر را ببیند اگر
خالی از نحوست باشد لوح طلائی بسازد و بر آن لوح این نقش مربع را بکند
و قدری شیرینی تصدق کند و در دهن بدارد لوح گرفته رو بروی شاه برود و از
خون معاف گردد و محترم شود و این لوح از پیشتر برای دفع چنین کارها
تیار بکنند نهند تا که شاید آن وقت که ضرورت بود و قمر را نحوست بود پس
چگونه تیار خواهد شد و این لوح اگر در جنگ نزد خود بدارد فتحیاب
گردد و نقش لوح اینست اعداد ۳۴۷۹ کسر ۳

۸۶۲	۸۷۶	۸۷۲	۸۶۹
۸۷۳	۸۶۸	۸۶۳	۸۷۵
۸۶۷	۸۷۰	۸۷۸	۸۶۴
۸۷۷	۸۶۵	۸۶۶	۸۷۱

نوع دیگر برای تخفیف غضب سلاطین باید که در این نقش نام خود را اعداد
برآورده شریک کند و بخود دهد و نقش را نزد خود بدارد پادشاه را غضب
فرو نشیند که در عدد اسم بیامیزد آن اینست
در آن صفحه است

۷۸۴

۳۱۹۹	۳۲۱۲	۳۲۰۹	۳۲۰۶
۳۲۱۰	۳۲۰۵	۳۲	۳۲۱۱
۳۲۰۴	۳۲۰۷	۳۲۱۴	۳۲۰۱
۳۲۱۳	۳۲۰۲	۳۲۰۳	۳۲۰۸

نوع دیگر ایمن بودن از شر سلطان باید که در روز یکشنبه بساعت اول آفتاب
بشرطیکه قمر خالی از نحوست باشد عدد آیه شریفه سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا
يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
برآورده و در این نقش ادغام کرده نقش مربع را در لوح نقره بکند و بخورات بسوزاند
و دور آن نقش بدهد و بر بازوی چپ خود به بندد از غضب سلطان
بهر نوع که باشد ایمن گردد هر چند که ظالم باشد نقش این است

۳۲۰۱	۳۲۱۴	۳۲۱۱	۳۲۰۸
۳۲۱۲	۳۲۰۷	۳۲۰۲	۳۲۱۳
۳۲۰۶	۳۲۰۹	۳۲۱۶	۳۲۰۳
۳۲۱۵	۳۲۰۴	۳۲۰۵	۳۲۱۰

نوع دیگر

برای مطیع و مسخر نمودن قلب سلاطین جابر و قاهر باید که بساعت سعد
که قمر خالی از نحوست باشد و ماه ثابت بود لوحی از طلای خالص بسازد
و عدد آیه موصوفه را برآورد صِرَاطُ عَلِيٍّ حَقٌّ نُمْسِكُهُ نقش مربع کشیده
و بر لوح بکند و نزد خود دارد و چون نزد پادشاه رفتن خواهد بخور بسوزاند و این آیه
را هفده بار بخواند و بر خود دمد و نزد پادشاه رود و ترکیب دیگر این عمل اینکه
عدد آیه شریفه یَا اِلٰهَ الْآلِهَةِ الرَّفِیعُ جَلَالُهُ نیز از تهجی برآورد و عدد آیه
معظم مذکوره بالا را در این عدد ممزوج کند و هر دو را بیک مربع کشیده و بر لوح
طلا بساعت مذکوره بکند و نزد خود بدارد و پیش پادشاه رود پادشاه

سوار گردد چنانچه من آیه عدد اول را بر آوردم یکهزار و چهل و سه بر آمد و عدد آیه دوم را نیز بر آوردم نهصد و هفتاد و سه بر آمد پس هر دو را جمع کردم دو هزار و شانزده بر آمد پس هر دو را نقش نوشته دادم یکی از اعداد آیه اول و دیگری از اعداد هر عم تا هر کدام عامل خواهد مناسب داند بکار برد نقش عدد آیه اول این است

۷۸۶

۲۶۰	۲۶۳	۲۶۷	۲۵۳
۲۶۶	۲۵۴	۲۵۹	۲۶۴
۲۵۵	۲۶۹	۲۶۱	۲۵۸
۲۶۲	۲۵۷	۲۵۶	۲۶۸

و نقش که با عدد هر دو آیه است اینست اگر ضرورت باشد این را بکار برد بعونه تعالی اثر بخشد

۷۸۶

۴۰۳	۴۰۸	۴۱۱	۳۹۶
۴۱۰	۳۹۷	۴۰۲	۴۰۹
۳۹۸	۴۱۳	۴۰۶	۴۰۱
۴۰۷	۴۰۰	۳۹۹	۴۱۲

نوع دیگر برای تسخیر قلب سلاطین بسیار مجرب است هر گاه که آفتاب را شرف بود این نقش مخمس را بر لوح طلائی بکند و بر سر لوح اول بسم الله بسم الله بسم الله الرحمن الرحیم بکند و بر بازوی راست به بندد و اگر اعداد آیه شریفه لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین در این نقش اضافه کند بسیار خوبست و اگر بترکیب اول کند هم نفع دهد نقش در صفحه آینده است

بسم الله بسم الله بسم الله الرحمن الرحیم

۷۸۶

۷۶۴	۷۷۰	۷۷۶	۷۸۲	۷۵۸
۷۷۷	۷۷۸	۷۵۹	۷۶۵	۷۷۱
۷۶۰	۷۶۶	۷۷۲	۷۷۳	۷۷۹
۷۶۸	۷۷۴	۷۸۰	۷۶۱	۷۶۷
۷۸۱	۷۶۲	۷۶۳	۷۶۹	۷۷۵

نوع دیگر برای تسخیر پادشاهان باید زمانیکه آفتاب با شرف بود ساعت سعد اول بگیرد و بر پوست آهو یا بر پوست شیر این حروف را بنویسد و در زیر نگین انگشتری نهد و انگشتر را در دست کند پادشاه مسخر شود حروف دیگر باید بکنید اینست که

ا ا ح د د س ص ط ع ك ل م ه لا

نوع دیگر برای تسخیر سلاطین و تسلط نمودن باید که زمانی که شرف زهره باشد بخور زهره بسوزاند و عدد آیه کریمه یفعل الله ما یشاء و یحکم ما یرید بر آورد و لوحی از مس بسازد و بر آن همین اعداد که بر آورده است نقش مخمس پر کرده بکنید و بر پشت لوح این اسماء را بکنید یا خوطیائیل یا موکیائیل چون درست شد نزد خود بدارد نزد امراء و سلاطین عزیز و محترم شود چنانچه من عدد بر آوردم نقش پر کردم این است

۷۸۶

۱۸۵	۱۹۱	۱۹۷	۲۰۳	۱۷۹
۱۹۸	۱۹۹	۱۸۰	۱۸۶	۱۹۲
۱۸۱	۱۸۷	۱۹۳	۱۹۴	۲۰۰
۱۸۹	۱۹۵	۲۰۱	۱۸۲	۱۸۸
۲۰۳	۱۸۳	۱۸۴	۱۹۰	۱۹۶

نوع دیگر برای تسخیر قلب امراء و سلاطین باید که با عتدال اول روز پنجشنبه لوحی از طلا بسازد و بر او این نقش مربع که از خانهٔ شانزده هم است بکند و باید که با وضو باشد و چیزی که اقسام جواهر که سوراخ دار باشد در دهن گذارد و با کسی سخن نگوید و اگر یاقوت سوراخ دار باشد بهتر است و بر حاشیه لوح آیه کریمهٔ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ بکند و بعد از درست شدن لوح چیزی تصدق نماید و لوح را نزد با دسته دارد تسخیر امراء و اهل دربار و قلب سلاطین با او گردد نقش اینست از خانه شانزدهم باید پر کند

۷۸۶

۲۳۹	۲۴۲	۲۴۵	۲۳۲
۲۴۴	۲۳۳	۲۳۸	۲۴۳
۲۳۴	۲۴۷	۲۴۰	۲۳۷
۲۴۱	۲۳۶	۲۳۵	۲۴۶

نوع دیگر از مولینا حسین تبریزی برای تسخیر باید بساعت زهره لوحی از مس بسازند و نقش ذو الکتابه بطریق مذکور بکنند و نیز بر آن نقش که نوشته آیهٔ معظمه قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ را گرداگرد آن بکنند و بعد آن لوح را بر موم کافوری ثبت نموده بطریقی که نقش برین شود بر هر کس که مسلط کردن خواهد آن موم را در پارچه پیچیده در بغل بگذارد و در روبروی آن شخص رود و حرف زند انشاء الله تعالی بهر وجه غالب گردد اگرچه معاملهٔ خون باشد و بر عدو فتحیاب و برای تکلیف عدو این را بر موم ثبت نموده از آن موم صورتی بسازد و آن صورت را معذب سازد و آنچه در مهر نوشته بر حاشیه آن لوح معکوس بنویسد و بر پوست حمار این نقش مثلث نوشته در شکم صورت نهد بهر طور که خواهد معذب کند یعنی اگر او را زخم زند عدو هم زخم را خواهد خورد و هر عذاب که بر صورت کند بر عدو خواهد شد آن نقش ذو الکتابه مذکور بالا و آن مثلث که در شکم آن صورت برای نهادن شکم اسم اینست فافهم

۱۷۹۷	۸۰۲	۱۸۲۸	۱۳۱۸
عَلَيْهُ اللّٰهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا	يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ	يَدُ اللّٰهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا	إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ
۱۸۲۷	۱۳۱۹	۱۷۹۶	۸۰۳
۱۳۲۰	۱۸۳۰	۸۰۰	۱۷۹۵
۸۰۱	۱۷۹۴	۱۳۲۱	۱۸۲۹

۹۶۲	۹۵۷	۹۶۴
۹۶۳	۹۶۱	۹۵۹
۹۵۸	۹۶۵	۹۶۰

نوع دیگر برای تسلط بر دشمن و فتحیاب شدن بر دشمن این دو صورت را در روز دوشنبه نوشته به بندد و نگهدارند که آنرا انگشت نیند تا قلعه فتح نشود و با عدو گشته نگردد پس انشاء الله تعالی بروز چهارشنبه فتح خواهد شد و لوح و نقش و صورت اینها اند



فصل دوم در باب محبت برای زنان و مردان وغیره

اگر خواهد که شخصی را در محبت خود دیوانه سازد باید که در تثلیث زهره و مشتری لوحی مربع از آهن بسازد و رو بقبله با وضو نشسته و اسم طالب و مطلوب را با در آنها گرفته در نقش اعداد مذکوره بیامیزد و شیرینی در دهن داشته باشد بجانبی نظر نکند و لوح آهن را بکاغذ پیچیده در آتش اندازد و این عزیمت متوجه تمام محبت و یکبار بخواند مطلوب حاصل شود

این عمل مولانا حسین تبریزی است و بسیار مجرب است چنانچه نقش که در عدد اسماء مذکوره بیا میزد و بر لوح بکند آن اینست عزیمت نوشته شد

۲۳۶۵	۲۳۷۸	۲۳۷۵	۲۳۷۲
۲۳۷۶	۲۳۷۱	۲۳۶۶	۲۳۷۷
۲۳۷۰	۲۳۷۳	۲۳۸۰	۲۳۶۷
۲۳۷۹	۲۳۶۸	۲۳۶۹	۲۳۷۴

عزیمت هیجتنا الجن علی الشیاطین وهیجت الشیاطین علی الجن وهیجنا الجن والشیاطین علی الابلیس بسید الشیاطین وهیجنا الشیاطین علی الانسان وهیجت الابلیس علی اولاده وهیجنا الجن والشیاطین واولاده علی فلان بن فلان بمحبته والفتر ومودة وعشق فلان بن فلان بحق سلیمان بن داود ان تجذبوا وتحرقوا قلب وفواد وجمیع جوارح البدن والجسد فلان بن فلان بمحبته والفتر ومودة فلان بن فلان الی القلب الایام ومنعنا الطعام وقطعنا النوم حتی اطیعونی وتحرقوا قلبها وجسدها وفوادها الساعة بحق والطور وکتاب مسطور فی رق منشور والبیت المعمور والسقف المرفوع والبحر المسجور الساعة یا ابلیس یا سید الشیاطین اطیعونی فی هذه الساعة الساعة الساعة وافعل وجهها فلان بنت فلان نقل از مولانا سید حسین تبریزی است و از مجربات عزیز است

نوع دیگر برای فزونی محبت از مولانا حسین اخلاطی که بساعت آفتاب صورتی از موم بسازد مثل صورت مطلوب بعد عدد حرف صوامت و عدد اسم مطلوب و مادر شرا بگیرد در مثلث بیفزاید و نقش مثلث از همه اعداد پر کند و لوح مربع بنویسد و آن لوح را در تصویر موم در دهن او گذارد و آن صورت را در جای تاریک یا در قبر کهنه یا کهن مرده بگذارد مطلوب حاصل شود و برای زیادتی محبت جماعت اسم همه مردمان و زنان را جمع نموده آن و عدد حروف صوامت گرفته در مثلث مذکور افزوده که در صفحه بعد است

مثلث پر کند پس یک مثلث را ریزه ریزه کرده با خاک مرده آمیخته خاک را در میان نجاست بریزد و مثلث ثانی را در کفن مرده بگذارد و مثلث ثالث را در میان سرکه حل کند بوی خوش آمیخته مثل گلاب و عرق بهار و غیره بر عدد مطلوب و اهل آن نوع که باشد بپاشند بهر کیفیت مطلوب حاصل گردد و این عمل برای اینست که نسبت کسی بکسی جا قرار یافته و باز بهمراهی شخص دیگر قرار داده شود پس چون این عمل کنند همراه داماد سابق شود و هنگام برای گرفتن عدد حروف صوامت کدام حرف اینند اح د ر س ص ط ع ل م و ه و مثلث که در عدد این حرف و عدد اسماء مطلوب و غیره که برای افزودن گفته ایم اینست بهر دو طریقه در این مثلث بیفزاید

نوع دیگر همین عمل برای عقد اللسان بسیار مجربست چون قمر در منزل آید یا در عقرب بود یا اینکه تحت الشعاع بود آن وقت حرف صوامت را که اول ذکر شد گرفته با اسم آن شخص که زبان بستن او منظور است تکسیر کند چون زمام بر آید آن حروف را بمعرب سازد و در لوح سرب نقش کند و آن لوح را در خانه تاریک زیر سنگ گران نهند و بوقت کندن لوح موم در دهن گیرد و با کسی سخن نکند ان شاء الله تعالی زبانش بسته گردد و باید که بر حاشیه آن لوح مذکور هم این را بنویسد

۷۸۶

۶۷۴	۶۶۷	۶۷۲
۶۶۹	۶۷۱	۶۷۳
۶۷۰	۶۷۵	۶۶۸

بستم عقل و هوش و بطن و احساس ظاهری

و باطنی فلان بن فلان فی عرض وحق

فلان بن فلان و این ترتیب هم

از مولینا حسین اخلاطی است ترتیب دوم این حرف صوامت و حرف اسم آن شخص و مادرش و اعداد حرف اسم و صوامت و اعداد اسم آنکس و مادر را گرفته در این مثلث که بالا نوشته شد در اعداد اضافه کرده بر کاغذ کبود در مثلث نوشته زیر سنگ گران در جای تاریک دفن کند و وقت نوشتن پشت بقبله بود و اندک موم در دهن دارد و قمر در عقرب یا تحت الشعاع بکند و آنچه گفتیم که بنام آنکس حرف صوامت را تکسیر کند طریق آن اینست که هرگاه در مثال گفته میشود باین طور مثال

نام آنکس کہ میخواهند زبا نش بستہ گردد احمد علی بطریق باح م دع ل ی
حروف صوامت ك اح د س ص ط ع ل م و ه — استزاج دادیم شد

ا ك ح ا م ح د د ع ى ل س ى ص ط ه ع و ل م

استزاج و تکسیر صدر و مؤخر

ا م ك ل ح و ا ع م ه ح ط د ص د ى ع س د ل
ا ل م ى ك س ل ع ح ى و د ا ص ع د م ط ه ح
ا ح ل ه م ط د م ك د س ع ل ص ع ا ح د ى و
ا و ح ى ل د ه ح م ا ط ع د ص م ل ك ع د س
ا س و د ح ع ى ك ل ل د م ه ص ح د م ع ا ط
ا ط س ا و ع د م ح و ع ح ى ص ك ه ل م ل د
ا د ط ل س م ا ل و ه ع ك د ص م ى ح ل ع
ا ع د ط ح ل ح س ى م م ا ص ل د و ك ه ع
ا ع ه د ل ك د ك ط د ح ا ل ا ل ص ح ا س م ى م
ا م ع ى ع م ه س د ا ك ح د ص و ل ط ل د ح
ا ح م د ع ل ى ط ع ل م و ه ص س ر د ح ا ك

۵۰۰۰ ف صورت بعد از آن بر آمدند

ص ط ه ع و ل م
یعنی سطر اعلی کہ استزاج شده بود در آخر
این تکسیر را کلمہ کنند رباعی یا ثلاثی یعنی چهار حرفی

بطریق أهطمغشك

سقشظ ذخلعز خغ اگر حرف ساکن در اول کلمه
تمامی این تکسیر را کلمہ چهار حرفی نمودیم بطریق فانهم.

امکل حواع ممحط دصدی عسدل	المرکسلع حیود اصعد مطمح
احله مطرم کدمع لصعاحدیو	ادحی لدمح ماطع دصمل کعدس
اسود حیک للدم هصح معاط	اطسا وعدم حرع یصکه لملد
ادطل سمال وهعک دصمی حرع	اعدد طحلح سیمم اصلد وکهع
اعهد کرو طدحل لصحا سیمم	امعی عمهس داکح دصول طلدح
احمد علی طعلم وهص سرحاک	اکحا محلدد علس یصطه عولم

پس تمام تکسیر از حروف رباعی مدغم شده و کلمه گردیده این کلمات را در لوح سرنب داخل کردم فاما بهمین طریق طالب نام تکسیر کرده زمام بر آرد و معرب کند و آنچه از ترکیب آن قوم است اینست کہ بهمین تدبیر اعدا و اسما را تکسیر کنند و همه اعداد را مجموعه ساخته نقش پر کرده بکار برد و همین مثال برای آنکه هر جا کہ ذکر تکسیر باشد بدانند مکرر نوشتن نخواهد شد کافیست نوع دیگر برای محبت دارد یا دگردن عشق و مودت باید کہ بساعت سعد زهره لوحی از مس سازد و حاشیه آن لوح این آیه کریمه کنده کند لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ بعده اسم طالب و مطلوب بطریق جفر خانه نوشته تکسیر کنند و نقش ساخته بر آن لوح مس چراغ روشن کند و سه معوذه از این الفاظ را اعداد بر آورده در مربع پر کند الفاظ یا سطیع النور سمعلوث یا رباه یا سیداه یا مولاه اصباوث اهیا هو الحی القیوم یا بانی العظمه لله السلطان لله یا اله الالهه الرفیع جلاله پس آن تعویذ را در آورد و چو پیچیده و اگر برای محبت است بجا رید بجوزاند و اگر برای ورد است بجا نمی بجوزاند فتیله که اول ذکر شد در مس روغن کنجد روشن کند انشاء الله مطلوب بقرار گردد و همین تکسیر و جون برای ادای قرض کنند باید کہ نام محاسب و آنکه مقت حساب بگیرد بطریق اول تکسیر کنند عدد آنهم تکسیر نموده و در این نقش تربیع بیفزاید و نقشه بر لوح قرطاس نویسد و در حاشیه آن لوح آیه کریمه لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم بنویسد و زیر آن اسم خود با نام او در نوشته در دفتر حساب ضمیمه کند این عمل از موفق حسین خلاصی است و همین برای افزودن اعداد در نقش مربع گفته ایم است

۷۸۶

۶۵۴	۶۵۸	۶۶۵	۶۴۷
۶۶۴	۶۴۸	۶۵۳	۶۵۹
۶۴۹	۶۶۷	۶۵۶	۶۵۲
۶۵۷	۶۵۱	۶۵۰	۶۶۶

نوع دیگر برای افزونی محبت مطلوب باید که در تثلیث زهره و مشتری لوحی از مس بسازد و بر آن لوح این نقش کنده کند و آیه یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله را وقتی که قمر خالی از نحوست باشد اعداد بر آورد و اعداد اسم خود و اسم دلبر و مادر هر دو در این اعداد آیه شریفه امتزاج داده تکسیر نماید بعد صدر و مؤخر در چهار طرف نقش مربع نوشته با شمع در روغن بدستور فتیله کرده بسوزاند مطلوب حاضر شود این عمل از عطیه مولینا صاحب عبداللطیف گیلانی است و آن نقش که در لوح کنده کردن گفته شد این است لوح را بسازد و بالاست بیندازد

۷۸۶

۲۳۷۲	۲۳۷۵	۲۳۷۸	۲۳۶۵
۲۳۸۷	۲۳۶۶	۲۳۷۱	۲۳۷۶
۲۳۶۷	۲۳۸۰	۲۳۷۳	۲۳۷۰
۲۳۷۴	۲۳۶۹	۲۳۶۸	۲۳۷۹

نوع دیگر برای محبت مطلوب و بیقرار نمودن دل او باید که در لوح طلا یا مس این نقش را بکند و عدد طالب و مطلوب و مادر آنها را در آن ساعت تکسیر کند بعد صدر و مؤخر حروف صدر و مؤخر را باز تکسیر کند و باین دو اسم حروفش را با حروف مقدم و مؤخر باز تکسیر کنند تا تکسیر تمام شود آنگاه در کف صاحب اثر افتیلو نوشته در ساعت

بعد در چراغدان مسی روشن کند و برابر آن نشسته اسم عزیمت را بترتیب بخواند
عزیمت: عزمت علیکم و اقسمت بکم یا ایها الارواح الموکلین بهذه الحروف بحق منطوذن و بحق یا اله الآلهة الرفیع جلاله و بحق سلیمان بن داود احرقوا القلب والجسد والفؤاد وجمیع جوارح البدن فلان بن فلانه بمحبة ومودة والالفة فلان بن فلانه الساعة الساعة العجل العجل اطیعونی و احضرونی بحق یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی بحق کهیعص و بحق حمعسق و بحق ن والقلم وما یسطرون و بحق اهیا شراهیا ادونای اصباوت آل شدای املاکند بهذه الحروف والکلمات المرکب من هذه الحروف والتکسیر احرقوا القلب فی الفؤاد وجمیع جوارح للبدن فلان بن فلانه لمحبة بحق لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رئوف رحیم اشغل از حکیم ارسطو است و مجربست و لوحی که نقش کند این است

۱۰۴۱	۱۰۴۴	۱۰۴۸	۱۰۳۴
۱۰۴۷	۱۰۳۵	۱۰۴۰	۱۰۴۵
۱۰۳۶	۱۰۵۰	۱۰۴۲	۱۰۳۹
۱۰۴۳	۱۰۳۸	۱۰۳۷	۱۰۴۹

نوع دیگر گردانیدن دل کسی از طرف کسی مسخر گردانیدن صورتی از نقش حروف قلمی بسازند بر این منوال که صورت کلبی باشد و زنی بشکل بر صورت در روز یکه



طریقه ام عقرب و آفتاب در برج ذوجسدین باشد این نقش را در شکم صورت زن
نقش کنند و گرد آن حروف لوح مشتری بنویسید لوح مشتری اینست در پهلوی
راست زن بنویسید ﺻﺴﻤ و در پهلوی چپ زن بنویسید
ل لا × و بربالای سر بنویسید هو سم × ۶ م
و بر کف پای زن بنویسید یاطیال و بر کف پای چپ بنویسید یا اسطیطال
و حروف لوح مریخ در شکم سگ بنویسید لوح مریخ اینست یا کفتمال یا متطیال
یا جهال ل لا مه عیططال احطرسال بر سر کلب این حروف بنویسید یا کفتال
و در پهلوی راست سگ بنویسید یا منطیال و در پهلوی چپ کلب بنویسید یا جعتبال
و در میان کلنگ که در دست کلب است اینرا بنویسید مه لا صه و بر یک طرف
علططال و بر طرف دوم کلنگ اینرا بنویسید احطرسال و در حاشیه لوح همین الواح را
هم مرکب کنند و نام مدعی و پادشاه یا معشوق را بحروف صوامت بگیرند و تکسیر کنند
و آن تکسیر را عدد در آورند در این نقش مثلث آن اعداد را اضافه کنند اینست بعد
اضافه کردن اعداد یک نقش از همه اعداد

۷۸۶

۳۴۸	۳۴۳	۳۵۰
۳۴۹	۳۴۷	۳۴۵
۳۴۴	۳۵۱	۳۴۶

گرده در لوح سرب نقش نمایند و آن لوح را در
خانه معشوق یا پادشاه یا حاکم بر هر کسی
که عمل کرده اند دفن نمایند و اگر نتوانند
در جوار آن دفن نمایند و بعد از آن صورت کلب و زن بهر طریقی که
همان کس نشسته باشند بر تخت یا بر عبندی همانطور این اشکال
را هم بنشانند و در جای محفوظ نگاه دارند ان شاء الله تعالی از شخصی که مطلوب
مایل است بیزار گردد و بعامل مسخر مطلوب گردد و نقش که بشکم نویسند اینست

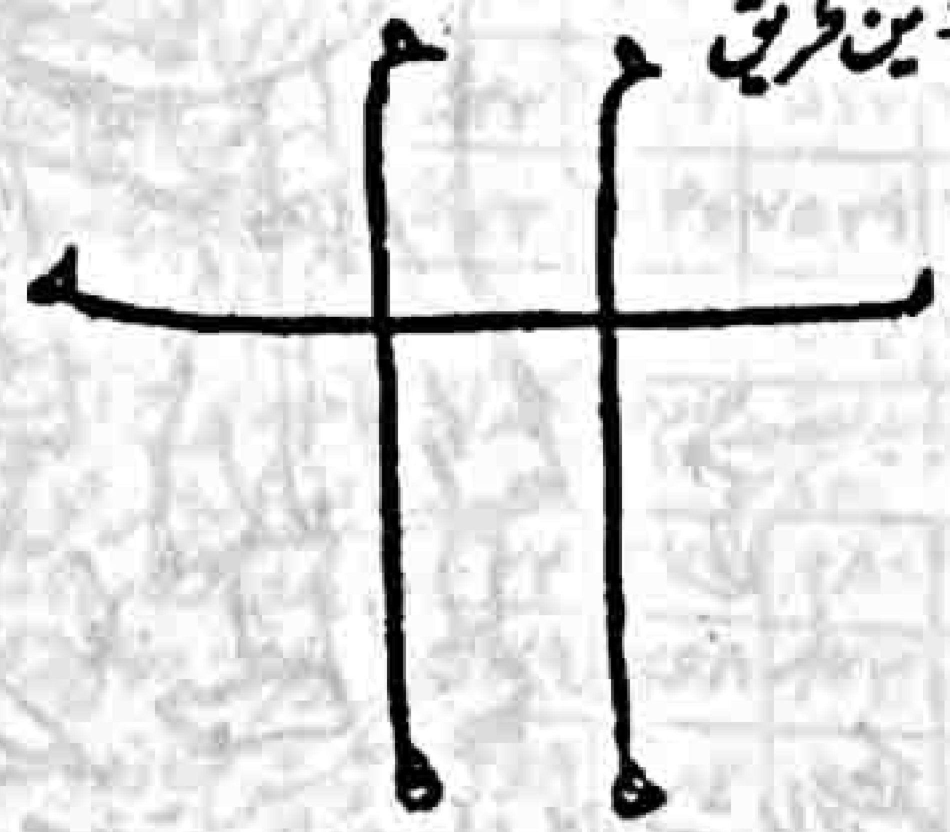
۷۸۶

۶۵۵	۶۵۸	۶۶۳	۶۴۸
۶۶۲	۶۴۹	۶۵۴	۶۵۹
۶۵۰	۶۶۵	۶۵۶	۶۵۳
۶۵۷	۶۵۲	۶۵۱	۶۶۴

نوع دیگر برای گردانیدن دل کسی از کسی و مسخر کردن با خود پس اگر مرد
باشد مطلوب در ساعت شرف مشتری لوحی از مس و نقره و سرب ممزوج ساخته
و این عدد را نقش مربع بر او بکنید در گرد او این علامت خط مشتری بنویسید
بدین طریق

حدائیل کنکائیل

نودائیل عمدائیل



همدائیل پس این لوح را بخورد هر آنچه که مشتری هست و در بازوی راست
ببندد ان شاء الله تعالی مطلوب از محبت خود دشمن شده با این کس که عمل کرده است
دوست و مطیع گردد و نقش مربع که بگرد آن علامت مشتری نویسید اینست ما فهم

۷۸۶

۵۵۴	۵۵۷	۵۶۳	۵۴۷
۵۶۲	۵۴۸	۵۵۳	۵۵۸
۵۴۹	۵۶۵	۵۵۵	۵۵۲
۵۵۶	۵۵۱	۵۵۰	۵۶۴

نوع دیگر برای تسخیر مطلوب که زن باشد که بساعت سعد دو صورت
بسازد مرد و دیگری شکل زن بنشانید و صورت که ما ساخته ایم که هر دو بغل گیر

باشند اینست

مرد

زن

پس بروز پنجشنبه تثلیث زهره و مشتری بساعت نیک این نقش را در شکم
مرد بنویسد اینست

۳۰۵۴

۷۶۳	۷۶۶	۷۶۹	۷۵۶
۷۶۸	۷۵۷	۷۶۲	۷۶۷
۷۵۸	۷۷۱	۷۶۴	۷۶۱
۷۶۵	۷۶۰	۷۵۹	۷۷۰

و این نقش را در شکل زن بنگارد و هر دو را با هم بچسباند چنانچه عضو مرد بر عضو زن باشد
و هر دو را در جائیکه آتش باشد بگذارند تا سوزان باشند ان شاء الله تعالی مطلوب
بیقرار و بی تاب شود و نقش که بشکم زن بنویسد اینست

۳۴۵۶	۳۴۵۹	۳۴۶۵	۳۴۴۹
۳۴۶۴	۳۴۵۰	۳۴۵۵	۳۴۶۰
۳۴۵۱	۳۴۶۷	۳۴۵۷	۳۴۵۴
۳۴۵۸	۳۴۵۳	۳۴۵۲	۳۴۶۶

نوع دیگر برای محبت و مطیع کردن مطلوب در تثلیث زهره و مشتری این نقش را بر
پوست آهو روز پنجشنبه ساعت مشتری بنویسد در جامهٔ پاک بپیچد و در سر بیارد و نزد
مطلوب رفته بگوید اجب یا طیطاییل بحق بجانب معشوق بدمد نقش اینست

نوع دیگر برای محبت باید که در شرف آفتاب
لوحی از طلا بسازد و این نقش را در آن کنده و
اسم خود و اسم مطلوب را در آن لوح نوشته در
آتش اندازد مطلوب بیقرار حاضر شود آنگاه
آن لوح را از آتش خارج نموده با گردی چپ
جنبد و باید بقصد حرام عمل نکند که نتیجه ندارد لوح اینست

۷۸۴

۷۵۳۸	۷۵۴۱	۷۵۴۴	۷۵۳۱
۷۵۴۳	۷۵۳۲	۷۵۳۷	۷۵۴۲
۷۵۳۳	۷۵۴۶	۷۵۳۹	۷۵۳۶
۷۵۴۰	۷۵۳۵	۷۵۳۴	۷۵۴۵

نوع دیگر عمل قمر جهة تسخیر و محبت و اشغال
نایاب و نزد کار و اشد مجرب است، عمر محبت باید که چون
قمر در شرف و خالی از نحوست باشد لوحی از هفت
جوش بسازد و عدد اسم را برآورد و اضافه کند
نقش کند و نقش را در میان سورهٔ والفجر در گور
بجید گذارد مطلوب از دل و جان مطیع شود و نقش اینست

۷۸۴

۲۷۴	۲۷۷	۲۸۰	۲۶۷
۲۷۹	۲۶۸	۲۷۳	۲۷۸
۲۶۹	۲۸۲	۲۷۵	۲۷۲
۲۷۶	۲۷۱	۲۷۰	۲۸۱

۱۰۹۲	۱۱۰۰	۱۱۰۸	۱۱۱۶	۱۱۲۴	۱۱۳۲	۱۰۸۴
۱۱۰۹	۱۱۱۷	۱۱۲۵	۱۱۲۶	۱۰۸۵	۱۰۹۳	۱۱۰۱
۱۱۱۹	۱۱۲۷	۱۰۸۶	۱۰۹۴	۱۱۰۲	۱۱۱۰	۱۱۱۸
۱۰۸۷	۱۰۹۵	۱۱۰۳	۱۱۱۱	۱۱۱۲	۱۱۲۰	۱۱۲۸
۱۱۰۴	۱۱۰۵	۱۱۱۳	۱۱۲۱	۱۱۲۹	۱۰۸۸	۱۰۹۶
۱۱۱۴	۱۱۲۲	۱۱۳۰	۱۰۸۹	۱۰۹۷	۱۰۹۸	۱۱۰۶
۱۱۳۱	۱۰۹۰	۱۰۹۱	۱۰۹۹	۱۱۰۷	۱۱۱۵	۱۱۲۳

نوع دیگر همین عمل یعنی اگر همین لوح را هفت عدد بر کاغذ نوشته هفت
روز بساعت قمر و هر روز یکی زیاد کند مطلوب بیاید ولی باید در حاشیهٔ لوح اسماء

یونانی قمرا بنویسد واسماء اینست ولعل ود نهش بنقوشتر حسا بمتوموه سطح اہل ہماعفا فرخود بیج ملیح بجوا حافظ ونقش خرا اگر بساعت جوش بکند از عظیم بخشد وچون قمر زاید النور باشد این نقش از نوشته تقاصد بدہ بدعا رسید مراجعت کند وباید روز دوشنبه یا پنجشنبه اینعملرا بکند وپشت بجانب قمر کند ونقش را پر کند وخانه اول را که بنویسد بگوید والشمس تجری لمستقر لها ذلك تقدیر العزیز العلیم وچون خانه دوم را بنویسد بگوید والقمر قدرناه منازل حتی عاد کالعرجون القدیم ودیگر خانه که پر کند بگوید ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس برای هر تسخیر که بکند اینعمل نفع دهد واگر تسخیر قمر شود عاملرا احتیاج بسلطنت نباشد واین تسخیر برسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم منحصر بود

نوع دیگر برای سرگردانی مطلوب اگر مطلوب اراده سفر کند وبرطالب ناگوار باشد در تحت الشعاع این مثلث را بر پوست شغال نویسد ودر دهن موش صحرائی نهاده دهنش بدوزد ودر آب روان اندازد آنکس که رفته سرگردان شود وباز گردد ومثلث قمر اینست

نوع دیگر همین عملرا برای راه بستن مقرر کرده اند اگر خواهد که مطلوب از شهر بیرون نرود بگیرد نام او ونام مادر او در این نقش بنفزاید باید که در تحت الشعاع باشد ودر حاشیه مثلث نام او ومادر او بنویسد ودر در دروازه شهر دفن کند هرگز بیرون نرود واین است

۷۸۶

۳۴۷	۳۴۲	۳۴۹
۳۴۸	۳۴۶	۳۴۴
۳۴۳	۳۵۰	۳۴۵

۷۸۶

۲۷۹	۲۷۴	۲۸۱
۲۸۰	۲۷۸	۲۷۶
۲۷۵	۲۸۲	۲۷۷

نوع دیگر عمل زهره برای افزونی محبت مطلوب باید در شرف زهره لوحی بسازد ودر آن لوح این نقش مخمس را بکند ونزد خود بدارد مطلوب مطیع گردد واگر در شرف آفتاب بر لوح مس این نقش را بکند وحرارت آتش با آن بدهد مطلوب بیقرار گردد وباید در حین عمل آن تکسیرات بهر ستاره که باشد بخورات آن را بسوزاند وشرائط آنچه ذکر کرده ایم عمل کند تا تأثیر بهدف نشده ومراد حاجی یاد کند من برای عامل کار را آسان کرده ام اسمها وآیات واسماء موکلان را من تکسیر کرده اعداد برآورده ام ونقش نوشته ام که عامل را زحمت نباشد وصنعت ومؤثر کردن نباشد ونقش مخمس که برای هر دو طریق گفته ام در صفحه مقابل است

۳۶۶	۳۷۲	۳۷۸	۳۸۴	۳۶۰
۳۷۹	۳۸۰	۳۶۱	۳۶۷	۳۷۳
۳۶۲	۳۶۸	۳۷۴	۳۷۵	۳۸۱
۳۷۰	۳۷۶	۳۸۲	۳۶۳	۳۶۹
۳۸۳	۳۶۴	۳۶۵	۳۷۱	۳۷۷

فصل سوم برای علو درجات وافزونی جاه ومراتب ورسیدن بمقصد

اگر برای افزونی جاه ودولت عمل کند باید که در شرف آفتاب لوحی از طلا بسازد وسوره والشمس را عدد بگیرد وبطریق مخمس در آن لوح نقش کند بر بازوی راست ببندد وچون صبح روز دوم برآید قبل از نماز رو بجانب آفتاب کرده سوره والشمس را بخواند بعد از نماز هم بجانب آفتاب نظر کند تا آفتاب طالع شود وبر آن نقش طلا هم نظر کند از برکت این عمل بدرجه ومقام عالی رسد واگر شاه باشد کشورستانی کند وعمر او دراز شود وخلق مطیع او گردند

نوع دیگر برای افزونی جاه وتسخیر نمودن دل امیر وفقیر در شرف آفتاب روز یکشنبه لوحی از طلا بسازد واین نقش مربع را روی آن بکند واین چهار اسم را چهار گوشه آن بکند ابرصا صجیا سادسا سوسنا وآن لوح را در گلاب انداخته وگلاب را در شیشه نموده هفت روز زیر آسمان بگذارد هرگاه مقدمه برای او اتفاق افتد از آن گلاب بر روی خود مالیده برود فتحیاب شود وباید لوح را در پارچه حریر احمر پیچیده بر بازوی راست ببندد وپنجاه بار همین اسماء مذکور را بخواند ورو بجانب آفتاب کرده بگوید ای نیر اعظم مقصود من اینست مرا بآن مقصد برسانی وسوره والشمس را بخواند وبخود بدمد وچون چنین کند رود بدرجه اعلی رسد ولی در هر مجلس که بنشیند پشت به آفتاب نشیند غیر از خواندن وپیش از آفتاب تمام بیدار باشد ورو بجانب آفتاب ایستاده سوره والشمس را بخواند لوح این است

نوع دیگر در باب افزونی جاه ودولت باید که اول عدد اسماء این پیغمبران را بگیرد از آدم شیث ادریس یونس داود سلیمان ایوب زکریا یحیی عیسی ذوالکفل اشموئیل عزیر هود صالح ابراهیم اسمعیل یعقوب یوسف اسحق موسی

۸۸	۹۱	۹۴	۸۱
۹۳	۸۲	۸۷	۹۲
۸۳	۹۶	۸۹	۸۶
۹۰	۸۵	۸۴	۹۵

لوط شعیب هارون یوشع بعد از نام پیغمبران اسما پادشاها را بگیرد جمشید نوشیروان خسرو فریدون تیمور چنگیز پس نام طالب را عدد بگیرد و اول حرف اسما را و حرف اسم طالب یکجا نموده حروف مکرر را بگیرد و باقی را تکسیر نماید چون بنام برآید آنگاه ببیند که در این تکسیر کدام حرف با آفتاب منسوبست هر حرف که با آفتاب باشد آنرا جدا کرده حرف نورانی بنویسد پس حرف آفتاب و حرف نورانی را جدا از تزاوج داده تکسیر نماید چون بنام برآید تکسیر اول تکسیر شمسی را مرکب کند و اعداد کل را اول برآورد آنرا در نقش مربع بر لوح طلا در ساعت شمس بکند و بر حاشیه آن این تکسیر مرکب از قلم سرمایی کنده و لوح را مدام نزد خود بدارد و همیشه بخور آفتاب را بنماید دولت بسیار آید و تسخیر خلایق شود و برای تحصیل طالبان حروف آفتاب و سایر سیارات را در این جدول نوشتم

ذ ض ظ غ	ش ت ث خ	ف ص ق ر	م ن س ع	ط ی ک ل	ه و ز ح	ا ب ج د
قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل

و همچنین حروف آتشی و بادی و آبی و خاکی را اول گفته ایم اما آنچه که در این دایره آفتاب حروف مانده یعنی (م ن س ع) آنرا از تکسیر بردارد و حروف نورانی است (ص ر ا ط ع ل ی ح ق ن م) س ل ک ه پس این حروف را نیز از تکسیر چیده تکسیر دیگر نماید و موافق نوشته بالا بکار برد تا بمراتب علیا برسد (نوع دیگر) برای بلندی مراتب و یافتن نعمت بسیار باید لوحی از طلا که چهار هشتاد و چهار مثقال باشد و حکیم طمطم وزن طلا را در اسمعیل سه مثقال گفته اما از سه مثقال کمتر نباشد در شرف آفتاب و در آن لوح نقش والشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العلیم را عدد گرفته و اعداد همه سوره والشمس و عدد اسم طالب همه را یکجا نموده و نقش مربع بکند و لوح را نزد خود بدارد عزیز و مکرم گردد (نوع دیگر) برای افزونی مراتب و مکرم ماندن در نزد پادشاهان باید عدد آیه قل اللهم مالک الملک را بغیر حساب گرفته در لوح طلا در شرف آفتاب در این نقش افزوده و بکند با خود دارد عزیز و مکرم گردد و نقش اینست

۷۸۶

۴۴۲۱	۴۴۲۴	۴۴۲۷	۴۴۱۴
۴۴۲۶	۴۴۱۵	۴۴۲۰	۴۴۲۵
۴۴۱۶	۴۴۲۹	۴۴۲۲	۴۴۱۹
۴۴۲۳	۴۴۱۸	۴۴۱۷	۴۴۲۸

(نوع دیگر) برای ساختن انگشتری شمسی و قمری چون کسی خواهد در نظر پادشاهان و خواتین محترم باشد باید انگشتری باین ترتیب بسازد که یکطرف آن طلا باشد و طرف دیگرش نقره و بر پشت آن هر دو یکی صورت پادشاه و یکی صورت خواتون و در میان هر دو شبیه خود را بدارد و بر هر یک یا بر پوست آهو و در حاشیه صورت خود عدد آیه لقد

جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم گرفته نقش نویسد و بر روی طلا نقش مربع شمس و بر روی لوح نقره مربع قمر را بکند و آن دو را

مربع قمر ۷۸۶

۲۵۵	۲۵۸	۲۶۱	۲۴۸
۲۶۰	۲۴۹	۲۵۴	۲۵۹
۲۵۰	۲۶۳	۲۵۶	۲۵۳
۲۵۷	۲۵۲	۲۵۱	۲۶۲

مربع شمس ۷۸۶

۳۶۳	۳۶۶	۳۶۹	۳۵۶
۳۶۸	۳۵۷	۳۶۲	۳۶۷
۳۵۸	۳۷۱	۳۶۴	۳۶۱
۳۶۵	۳۶۰	۳۵۹	۳۷۰

و در پشت صورت خود این طلسم را نویسد

۳۵۲	۳۵۵	۳۶۱	۳۴۵
۳۴۰	۳۴۶	۳۵۱	۳۵۶
۳۴۷	۳۴۴	۳۵۳	۳۵۰
۳۵۴	۳۴۹	۳۴۸	۳۶۲

پس این دو صورت را مقابل هم داشته همچنین شبیه خود را در وسط نهاده هر دو را بهم بچسباند بطوریکه صورتهای هر یک اندرون مخفی شوند و نقش هر دو لوح بالا باشد پس چنین نگینی درست گردد انگشترش گردان باشد و در لوح طلا که شمس ابساصبحا سادسا سودسا بنویسد و آن انگشتر را در دست کند و در وقت جنابت و استراح رفتن از دست خارج کند اگر کسیرا مهمی پیش آید از پادشاه یا امیران انگشتر را روی طلایش بالا کند و در دست کند و سوره والشمس را بخواند و اگر مهمی از خواتین باشد روی نقره را بالا کرده و آیه‌ای چند که نسبت بقمر دارد بخواند و انگشتر را هفت نوبت بگرداند نوبت هفتم روی نقره بالا باشد مراد او برآید و برای بیمار را آب ده باد بخورانند شفا یابد و برای درد زه ببندند و برای طلب مطلوب این الواح را بر موم کافوری ثبت کنند و از آن موم شبیه معشوق بسازد و بهفت سوزن بهفت اعضای او بزنند و این نقش مربع بر کاغذ نوشته بر شکم بچسبانند و بریک سر موی خویش آن شبیه را آویزان کند مطلوب بیقرار حاضر شود

فصل چهارم در عملیات بغض و جدائی افکندن

میان کسان اگر کسی خواهد که عدو را ذلیل کند باید که در شرف آفتاب لوحی بسازد از سرب و عدد سوره والعصر و الم ترکیف و اسم عدو با مادر یکجا نقش مثلث کند و هر گاه آفتاب برآید روی لوح بطرف مغرب ببندد و چون آفتاب بسمت مغرب آید

و نقش اینست ۷۸۶

۵۸۹	۵۹۲	۵۹۵	۵۸۲
۵۹۴	۵۸۳	۵۸۸	۵۹۳
۵۸۴	۵۹۷	۵۹۰	۵۸۷
۵۹۱	۵۸۶	۵۸۵	۵۹۶

روی لوح را بجانب مشرق نهد چند بار بین طور عمل کند انشاء الله تعالی عدو از مرتبه جاه و عزت
خود بیفتد و ذلیل و خوار شود اما باید بروز پنجشنبه قدری شیرینی تصدق کند اینعمل از حکیم
جالینوس است **نوع دیگر** برای فتح شدن ملک و قلعه و ذلیل گشتن آن پادشاه با
که در شرف زحل اگر شرف نباشد بروز شنبه پیش از برآمدن آفتاب لوحی از سرب بسازد
و عدد آیه معظم نَصْرٌ مِنَ اللهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ و اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا
وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَاَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ برآورد و عدد آیه یا تمام سوره الم تر کیف و سوره
والصافات برآورد و با عدد اسم عدو که مالک قلعه باشد همه اعداد را ادغام نموده و نقش مربع
پر کند و بر لوح مذکور بکند و بر حاشیه آن لوح سوره فاتحه معکوس بکند و این الفاظ نیز در آن لوح
بنویسد دوام اهواجرا ابینه ملیکه املیکه ادابرا مهابه وادینا اسمنکا نجرود متکاو شکلی
وادی لدو با اهوا مکدها ملوکا اشبعین کنانه هیانه پس آن لوح را زیر قلعه یا در دروازه ملک عدو
بر زیر خاک پنهان کنند انشاء الله تعالی زود ملک فتح شود و عدو ذلیل گردد مجرب است
نوع دیگر همین عمل زحل برای بزرگی یافتن بر قوم مجرب است اما برین دستور بکند که در شرف زحل
لوحی بسازد از سنگ یشب و عدد آیه معظم لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ گرفته
نقش مربع کند اما از قلم دور و یه باین طور نقش پر کند که یکعدد از سر قلم و یک عدد از
زقلم بنویسد و فلفل سیاه در آن بگیرد پس آن لوح را نزد خود دارد بر قوم بزرگ شود و
دشمنان ذلیل و خوار شوند و هیچکس از حکم او سر نخواهد داشت
نوع دیگر همین عمل زحل برای بزرگی یافتن بر قوم باید که لوحی از سرب در شنبه در
شرف زحل بسازد و لباس سیاه بپوشد وقتی که قمر در برج جدی باشد در شب
یکشنبه و روز شنبه بود بالای بام وسیع و بلند برود و سر برهنه کرده پلاس سیاه بر سر
نهد و بگوید که یا کیوان میخواهم که بر این قوم بزرگی نمایم و اینها را مطیع خویش گردانم پس بعد
از آن هفت چیز سیاه پیش خود مهیا نماید مثل فلفل سیاه و سنگ سیاه و صعلب و
قند سیاه و سنگدانه همه را کوفته بخور کند و بر سه پایه که از چوب آبنوس باشد نشسته
نوزده بار این عزیمت بخواند عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الْكَوَاكِبُ الْعِظَامِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ اَنْظُرُوا
بحق هذا الحروف الم المص الر کهیعص طه طسم یس حم حم حم حم حم حم حم عسق
فلان اسئلک باسمائک العظیم ان یکفی هذا المهم و بحق هذه الاسماء المعظم اسمجائیل

و میطرائیل و عدد قائیل بحق الحق والنبی المطلق پس چون روز شنبه آید پیش از نماز صبح
غسل کند و از قلم دو رویه جراح سنگ یشب این نقش مربع را پر کند و بهمین وجه که
یکعدد از سر قلم و یک عدد از پائی نویسد و آن لوح را در حریر پیچیده در خانه
تاریک بدارد وقتی که کار زحل پیش آید لوح را بر دارد نزد خود بدارد و چون
مطلب بحصول انجامید باز در خانه تاریک نهد انشاء الله تعالی صاحب این
عمل بزرگ قوم خواهد شد و دشمنان او خوار شوند چنانچه آن نقش مربع
که بر لوح بکنند بدین صورت ابجد است

۷۸۶

۸۳	۹۷	۹۵	۹۰
۹۴	۸۹	۱۸۵	۹۶
۸۸	۹۲	۹۹	۸۵
۹۸	۸۶	۸۷	۹۳
ع ۳۶			کسر ۲

نوع دیگر از برای تباه کردن عدو و برای هلاکت او باید که در آن وقت
که قمر را مقابله با زحل باشد و زحل و قمر در برج نحس باشند و ناظر بنظر نحس
باشند آنوقت بر حریر سیاه یا کرباس سیاه که رنگ کبود باشد از سیاهی شل
این نقش مثلث بنویسد و عدد اسم دشمن برآورد و در آن اضافه کنند و مثلث نوشته
در مسجدی که ویران و خراب باشد نزدیک محراب دفن کنند و سوره
لِاِيْلَافِ قُرَيْشٍ تمام و کمال دوازده صد بار بخواند یعنی هزار و دویست
مرتبه عدو ذلیل و خوار شود و تباه گردد و اگر در شرف زحل این عمل را کنند
بسیار بهتر است و مجرب گفتند
و نقش مثلث که در او عدد اسم
عدو را بیفزایند این
است

۷۸۶

۷۰۲	۶۹۴	۷۰۰
۶۹۶	۶۹۹	۷۰۱
۶۹۸	۷۰۳	۶۹۵

و همین نقش برای بزرگی قوم در ساعت اول چهارشنبه در مربع نقش بر سه بدارند عزیز و محترم شوند نقش مربع بدین صورت است

۵۲۳	۵۲۷	۵۳۰	۵۱۶
۵۲۹	۵۱۷	۵۲۲	۵۲۸
۵۱۸	۵۳۲	۵۲۵	۵۲۱
۵۲۶	۵۲۰	۵۱۹	۵۳۱

نوع دیگر برای اینکه کسی غماضی کرده روزگار کسی را موقوف و تباه کرده باشد برای بدست آوردن روزگار رفته این عمل بکند بروز شنبه وقتی که زحل خوشحال باشد در خلوت نشسته دو صورت از قلع بسازد و شکم آنصورتها خالی و بر پوست آهو این نقش مربع نوشته در شکم آنصورت بگذارد و آنصورتها را بنا بر مراد خود یعنی بهر نوع که روزگار ضایع کردن باشد منظورش است بر تخت بنشاند و اگر منشی بود منظور است قلم بر آن نهد و دوات و کاغذ در بر نهد همین طور هر روزگار کردن منظور است آن طریق [illegible] آن صورتها بجا آرد [illegible] و هر روز نزد آنها رفته بر آنها نظر کند و پنج چراغ روشن کند نزد آنها و در بر آنها نهد تا اینکه مرادش برآید و نقش که بشکم صورتها نهند اینست

۷۸۶

۲۲۰	۲۲۴	۲۲۷	۲۱۳
۲۲۶	۲۱۴	۲۱۹	۲۲۵
۲۱۵	۲۷۹	۲۲۲	۲۱۸
۲۲۳	۲۱۷	۲۱۶	۲۲۸

و همین عمل اگر برای هلاکت عدو کنند تدبیرش اینست که بروز شنبه بساعت اول صورتها از سرب بسازد و یکی را هابیل نام نهند و دیگر قابیل پس عدد نام هابیل و قابیل گرفته در این نقش مثلث پر کنند و در صورتها نهند صورت هابیل را از صورت قابیل معذب کنند یعنی تیر بر پهلویش زنند یا بهر عذاب که خواهند مبتلا سازند و بدست

قابیل خنجر یا اسلحه دیگری دهند و ضارب نمایند و هابیل را مضروب نمایند و بر بر سر مثلث آنکه شبیه هابیل است اسم سید الشیاطین ابلیس بنویسد و آن هر دو صورت را در خانه تاریک یا سرداب یا گور جهودان یا مسلخ دفن کنند انشاء الله تعالی عدو کشته خواهد شد و نقش مربع که بالا مذکور گشت بطور مثلث بدین صورت است

۷۸۶

۲۹۶	۲۹۰	۲۹۸
۲۹۷	۲۹۵	۲۹۲
۲۹۱	۲۹۹	۲۹۴

نوع دیگر برای کشتی گرفتن و بر عدو ظفر یافتن باید که اسم هر دو کشتی گیر ازا گرفته عدد برآورد و عدد آیه کریمه یدُ الله فوقَ ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه و من اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجراً عظیما و عدد [illegible] گرفته همه را یکجا جمع نقش مثلث بنویسد و آنرا زیر اکهاره کشتی دفن کند انشاء الله تعالی هر کس که این عمل کند همان در کشتی حریف را زیر کند و بهر نوع غالب گردد

نوع دیگر برای هلاکت اعداء باید که عدد آیه معظم اذا زلزلت الارض و عدد سوره الم تر کیف را برآرد و عدد آیه شریفه فزادهم الله مرضا در آن شریک کند نقش مثلث پر کند و آنرا در کفن مرده بنویسد و در قبر کسی که شهید یا مقتول باشد دفن کند

نوع دیگر برای هلاکت عدو باید که اعداد اسم یا قهار گرفته در نام عدو آمیخته در این مربع آن عدد را بیفزاید و همه را یک مثلث بنویسد و آن مثلث را هر روز بر خشت خام نوشته از غره ماه تا روز سلخ در دریا انداخته باشد انشاء الله عدو برباد شود و برای هلاکت از خانه هفتم نقش بنویسید و برای بیمار کردن از خانه ششم نقش بنویسید و آن اینست

۷۸۶

۹۱۲	۹۱۵	۹۱۸	۹۰۴
۹۱۷	۹۰۵	۹۱۱	۹۱۶
۹۰۶	۹۲۰	۹۱۳	۹۱۰
۹۱۴	۹۰۹	۹۰۷	۱۱۹

نوع دیگر برای تهلکت عدو باید که نام دشمن را تعداد برآرد و در این نقش [illegible] کرده نقش مثلث اگر ممکن باشد پر کند و تصویر عدو بر کفن مرده از سرکه و نمک و نوشادر سیاهی

آمیخته بنویسید و این نقش که برگرده راست در شکم آنصورت بنویسید و وقت نوشتن نقش بر هر خانه آیة الکرسی بخواند و بر خود دمد که اینعمل سیف قاتل است و باید که صورت از موم بسازد و در دست یکی سهم و خوس ... و صورت ثانی بمقابله ... بدارد و نیز بصورت دیگر که عدو مقرر کرده است پیوسته سازد و این مثلث را بر پشت کمان بچسبد و چهار قطره خون بریزد و عدد سوره الم ترکیف بخواند و چون بر تیر سهم برسد بگوید شاهت الوجوه شاهت الوجوه و اشاره بان صورت کند و اگر دعای مصری اگر یاد داشته باشد برای قتل آن موذی بخواند انشاء الله تعالی عدو هلاک گردد و بآن نوع عذاب مبتلا گردد و نقش که در او عدد بنفزایند و دیگری که بر قوس بنویسید اینست

۹۴۳	۹۳۸	۹۴۵
۹۴۴	۹۴۲	۹۴۰
۹۳۹	۹۴۶	۹۴۱

۷۸۶

۲۷۶	۲۷۰	۲۷۸
۲۷۷	۲۷۵	۲۷۳
۲۷۱	۲۷۹	۲۷۴
[illegible]	[illegible]	[illegible]

۷۸۶

نوع دیگر برای هلاک دشمن باید که قمر در عقرب عدد نام عدو و عدد اسم هاروت و ماروت را برآورده در این نقش مثلث اضافه کرده همه را یک نقش بکنند و در پارچه کبود رنگ در آن پارچه اندک قلع و پیاز و نیل و نمک نیز بپیچیده درون پیاز نهاده آن پیاز را در قبرستان یهودان که آنرا مرگهت گویند دفن کنند و حکیم طمطم فرموده که در گورستان یهود دفن کنند انشاء الله عدو کشته گردد و نقش که عدد عدو در آن بنفزاید اینست

۷۸۶

۶۳۹	۶۳۴	۶۴۱
۶۴۰	۶۳۸	۶۳۶
۶۳۵	۶۴۲	۶۳۷

نوع دیگر برای عداوت جانبین باید که اول حرف طالع برج وقت عمل و حروف برج آفتاب که در آن زمان بهر برج که باشد و حروف بروج تاریخ نام انکس گرفته و همه را امتزاج داده تکسیر کند و چون نام برآید در آن تکسیر آنچه که حروف مواکیل و ظلمانی بوند آنرا جدا نوشته عدد برآورده در این نقش مثلث بنفزایند و همه را یک مثلث از آب پیاز و نیل و سیاه بنویسند و حروف نورانی را که نوشته همه حروف باقی مانده تکسیر کرده

بر پشت آن مثلث بنویسید و باز همه را مرکب ساخته معرب کند پس بمجاذی هر یک خانه موافق هر اعداد آن کلمات را بیاورد عدد کل را در خانه پنجم برساند و اگر عدد موافق نشوند اسم یا جبار یا قهار یا مذل یا متکبر عدد آن را اضافه نموده اعداد را موافق کند بعد آن مثلث را در پارچه کبود که کرباس خام باشد با قلع و زرنیخ و آهن سیاه و نیل و نمک و پیاز همه را بپیچید و ریسمان سیاه بر او بر بندد در گورستان یهودان یا ترسایان دفن کنند و اینعمل بروز سه شنبه کند و اینطریقه از ارسطو است بسیار مجرب است اما آنچه تفصیل شده حرف برج طالع وقت بگیرد و آن اینست که مثلاً روز سه شنبه بوقت ظهر بساعت مریخ آغاز کرده شد پس آن وقت ببیند که طالع کدام برج است آن برج را حرف بگیرد و اینکه گفته شد که در آن زمان آفتاب بهر برج که باشد حرف بگیرد اینست که مثلاً آفتاب در برج ثور بوقت آغاز عمل بود پس برج ثور را حرف گرفتن لازم شد همین طور به برج که باشد بگیرد و چون مریخ منسوب ببرج حمل و عقرب است آن هر دو برج را حرف بستاند و چون تمام عدد را با نام او که آنرا اعداد بست و یک اند در دوازده طرح دادم نماند بر برج قسمت کردم ببرج قوس تمام گشت پس طالع او دانستم که برج قوس است لهذا برج قوس را حرف گرفتم و اینهمه را آنچه که مواکیل اند آنرا نیز جدا نوشتم و آنچه حرف با موکلان نسبت دارند آنرا علیحده نوشتم پس بعد جمله را اول تکسیر کرده حرف برآوردم و موکلان آنچه که حرف بوند از آن تکسیر علیحده کردم و حروف ظلمانی علیحده نوشتم و بعد از آن اعداد گرفته نقش مثلث که نوشته است در آن افزودم و دیگر نقش از همه اعداد پر کردم و بکار بردم پس حرف برج اینند و مواکیل هر برج را نیز دائره دیگر نوشته است از آن هر دو باید فهمید و دیگر اشکال باز گفته خواهد شد انشاء الله تعالی

حمل ۱ اجرمن حروف نباتی اهمطذ غیرنباتی	ثور ۲ غیرنباتی حروف نباتی وح ل	جوزا ۳ ممتزج حروف نباتی سب دی غیرنباتی
سرطان ۴ غیرنباتی تسغ ح زک حروف نباتی	اسد ۵ غیرنباتی نامجرم ظ ر ف حروف نباتی	سنبله ۶ غیرنباتی اجرمن لع ر حروف نباتی
میزان ۷ حروف نباتی غیرنباتی ی ن ص	عقرب ۸ حروف نباتی غیرنباتی ه ط ض اجرمن	قوس ممتزج حروف نباتی ن ش د
جدی ۱۰ حروف نباتی ع ح غیرنباتی	دلو ۱۱ حروف نباتی غیرنباتی ص ط ض اجرمن	حوت ۱۲ حروف نباتی غیرنباتی ف ث ط

دیگر اگر حرف آتشی و بادی و آبی و خاکی و مشرقی و جنوبی و شمالی را و جمالی و جلالی و غیره هم را بالتفصیل در آغاز کتاب نمودم اما آنچه که موکلین بروج اند بدینصورتست

دایره بروج و موکلین آن

حمل ۱ سرایل	ثور ۲ غرائیل	جوزا ۳ سرابلیل	سرطان ۴ تهفائیل	اسد ۵ سرافیل	سنبله ۶ شکیل
میزان ۷ سحرکیل	عقرب ۸ صرصائیل	قوس ۹ مرطائیل	جدی ۱۰ شمکائیل	دلو ۱۱ صحکائیل	حوت ۱۲ تقائیل

پس چون این طریقه مفهوم گشت باید که حرف ظلمانی و نورانی را بینید .. و آن اینست که حرف نورانی حرف آتشی را گویند و حرف ظلمانی حرف خاکی را گویند و حرف که صوامت اند نقطه ندارند و حرفی که نقطه بالا دارند فوقی اند و آنکه نقطه زیرین دارند تحتی اند و حرفی که در سطر اول نوشته میشود از ابجد علوی اند و آنچه که زیر آن سطر نوشته میشوند سفلی اند و حرف که بکواکب جاری منسوبند آنرا که دانند و حرف کواکب بالا نوشته ام ثقیلند و باقی حرف خفیفند و آنچه که حرف متفق العناصرند که بکوکب سعد منسوبند سعدند و آنچه متبادی و باقی غیر متساوی اند و آنچه حرف که بکوکب نحس منسوبند نحسند و حرف غالب العناصرند و باقی جمالی پس چون اینهم دانستی اکنون آن مثلث که در او حرف تکسیر بیفزائید بدین صورتست تا فهم

۶۳۹	۶۴۰	۶۲۵
۶۳۴	۶۳۸	۶۴۲
۶۴۱	۶۳۶	۶۳۷

و این که همه حرف تکسیر را سوای حروف نورانی مرکب معروف کنند فاما فقرا مرکب و معروف در یک مثال گفته ایم همین طور همه را هم مرکب معروف کنند و کلمه تیار شده را ببینند که چه عدد دارد و آنچه عدد را داشته باشد در خانه نقش نگاه کنند هر جا که آن عدد باشد همانجا آن کلمه را برنگارند و اگر کلمه موافق اعداد نقش نباشد عدد اسماء باری تعالی را در آن اضافه کرده موافق اعداد برنگارند و بکار برند برای تفهیم همینقدر کافی است

نوع دیگر برای هلاکت عدو این عمل از بنگاله است اول باید که این اعداد بنگاله را

با اسم عدو جمع نماید و بر کفن مرده نقش بر کنند و بیش قبر همان مرده که کفن او را برای نقش نوشتن گرفته دفن نمایند عدو برباد خواهد شد و اعداد بنگاله اینست

[illegible] و اینرا از اول

تا و الی شمار کنند و حساب نموده جمع کنند و بکار برند زیاده بر این عمل را شرح نخواهم نمود زیرا که ما را العقیم منع کرده اند چون نسخه از آن نسخ ازیادگانه ا بود برای این نوشته دادم که شاید کسی از این ترکیب را فهم کند و ما را دعای خیر دهد که بسیار مجربست

نوع دیگر که عمل دنبه گداز و اینعمل در آن وقت کند که ببیند آن عدو اگر زنده خواهد ماند جان ما نخواهد گذاشت و از کشتن آن خلق را بسیار امانست و ناچار از حد بود از دست او آنوقت در درگاه خدا استغاثه کند که الهی من ترکیب این حکم و ناچاری مشوم یعنی گوسفند جاندار را سوخته میایم تو عالم الغیب هستی بر من ببخشای فاما بعد اینعمل هم بدرگاه الهی توبه کند و ترکیب این عمل اینکه بیاورد یک گوسفند اسود اللون و آنرا در میان قبر یا سرداب ببرد و آنجا کسی محرم نباشد غیر راهرو از آنجانب گذرد پس سیصد و سه سوزن فولاد گرفته سوره الم ترکیف بهر سوزنی یکبار خوانده دم کرد بگذارد و نیت کند که فلان بن فلان دنبه گداز میکنم بعد از آن چراغی بزرگ با فتیله بزرگ تیار کرده روشن کنند در میان ظرف آهنی گذاشته این نقشها در زیر آن ظرف نوشته در خاک دفن کنند و صورت عدو نوشته در میان آن چراغ نهند پس آن چراغ را در ته آن دنبه نهاده بسوزد روغنش در چراغ خواهد چکید و از همان روغن آن چراغ روشن خواهد ماند پس هر قدر که آن گوسفند را خون خشک خواهد شد عدو هم تحلیل خواهد گشت تا اینکه چراغ کشته گردد عدو نیز کشته خواهد شد و چراغ در آنوقت بمیرد که در دنبه روغن باقی نماند و عدد بنگاله که مذکور شد در این نقش مثلث هم بیفزاید مثلث اینست

۱۱۵	۱۰۸	۱۱۳
۱۱۰	۱۱۲	۱۱۴
۱۱۱	۱۱۶	۱۰۹

نوع دیگر برای ایذا رساندن بزن از عمل سفلی یعنی اگر کسی با زنی دشمن باشد و بخواهد ازاو خون جاری شود باید اول کوزه این منتر را چهل یعنی ازده روز در صحرا رفته بر سر چاه نشسته کمیده و یکبار بخواند

دوقت شام باشد پس در همان مدت بالیش کشاده خواهد شد و منتر این است
جل کی منڈی دریا جاکی کھول کھال لهو بهای راجن سرجن بهون توجن ناده
نوئی فلانی کا پہر جهولی — نوع دیگر برای بغض از قلم نی و نیل را سیاهی کرده
سیاه مرچ در دهن انداخته روز سه شنبه اسم هر دو با اسم مادر شان در فتیله نوشته و تا
بیست و دو روز بسوزاند اگر خواست خدا باشد عداوت قلبی بین آنها پیدا شود فتیله از جگاکرا

۱۱	۱۱	۱۱	۱۲ ◇ ۱۱	۱۱	۱۱ ۱۱
>	ح		مجہ ہ خ ہ	عہ	
کا ۸ مجہ ۶ مجہ	۶	۱۵	ف	۲ مہ	و ک
۳	ح ۶	ح	۲	ع	
	۱۰	۶۰	۲	۶ ۶ ۲ ۶	
ردوحرماه	بین فلان بن فلانه دائماً ابداً فتنه		فلان بن فلانه البغض والعداوة	شاه ای شاه	

نوع دیگر برای عداوت این اسماء سیارگان که یکی روحانی و
یکی جسمانی است نوشته و در گورستان یهود یا نصاری یا مجوس دفن کنند
فوری اثر بخشد در همه کار مجرب تر است شرح آن خواهم نوشت و اسماء اینست

اسماء روحانی سیارگان

هرماس طوس حردش میوشش رنوش طالبش — ذرنوش طاطیش زوش طاصنطروش	زحل
ذداهوش — ذرماش — ابطش مطش اوزش اسطبیش فروش انسا — اش	مشتری
دعذنوش — رزبعیش — عندوش — بمراش اوذوحوش ابدینفیش طهیرش هندعاش	مریخ
بنولوش مندلاش دهنفاش اطیعاش طیوتوش — عادیش هیبیا دیس	شمس
اذهرش — دهطارش ایاسش شمهورش — غنغاش — انقاش	زهره
تربوش امراش — بسلبش — شاطبیش وزامیس لمیبه ذبلوش طعودیش — امیش	عطارد
عندروش اذیش مراونوش هطاش طیارش — رانامیش میانوش — زنخانوش	قمر

اسماء جسمانی سیارگان

اشراطات — شیلاناوش ناارش طراهیاش هفاطابات درفاهوش کناهوتوشا	زحل
هماشیل کیمیا فرکات دیدانیا شنوذ تاهامیش سیبوکفشا باثوثرا یا اخذاد — صطاطوا	مشتری
اوروشاری کمصاصات کشتبر فود باشیاشا هوبسا قاقیقی کبوکرا رقیا	مریخ
هنیهاکاسوقو — شابلی ماثو لورا هیوطیها — طیوفشا بنوبو یرو چناپنا کا لالاکی کی شاشوره	شمس
اهرا هیرطی ارزاذو — ناروردنغراهو — فنسا — باوائی هیطیشا — هیطوهیطوقا مو طهیا آکی	زهره
دهیاهیی الالا الاشیا برناکنیاطا الالاطا — قوطوش ههلیناما طیلوب المبطی هو	عطارد
جیاییر اطوکنکوا اموحی یابن شنتاما طنی قوستر دیو مهطا ستاییر کا ات فرا طوا سا	قمر

پس این اسماء هر دو گانه برای محبت و بغض و مهر کاری که در عمل آری بسیار مجرب یابی
اگر خواهی معالجه کنی کسی را که سحر و وسواس و سودا و وبا و آسیب زده او را
گرفته است بنویس اسماء را بر ساتگین زجاج یا بر سنگ رخام و بده صاحب
مرض را که نظر بر آن کند و آنرا شسته بنظر شافی و کافی هفت جرعه کرده بنوشد و
چیزیکه باقی ماند آنرا بر سر و صورت بمالد و قدری بر در خانه خویش بجانب چپ
بریزد و همچنین تا هفت روز هر صبح و شام عمل کند حقتعالی او را صحت کرامت
فرماید برای مسحور و تب گرفته با مشک و زعفران بنویسد و بنوشاند برای صلح بین
دو کس نوشته در پرده ظلمت و بخور از مشک و زعفران دهد بین آنها که نظر بر آن کنند صلح
واقع شود اگر بر لوح مس با قلم آهنی نویسد با خود نگهدارد و بر گردن آویزد و زیر لباس
نزد سلطان و حکام رود نزد آنها اسم حکومت برا او مهربان گردد برای عقد انعقاد
و محبت بنویسد بر لوح زر یا سیم یا قطع بر مشک و زعفران که بخور دهد بر آن حاجت خود را
در حقه نهاده با موم خام سر آن حقه را مهر کند و نزد خود بدارد تمام خلق او را دوست
دارند و زبان بدگویان بر او بسته گردد برای حب بنویسد بر پوست مرغ زوج و در
وقت نوشتن یاد کند نامهای کسانیکه آنها را دوست دارد و پس آن پوست را زیر
آتش بدارد اثر قریب تر شود پس این اسماء چنان تاثیر دارد که گفته شد و من اینجا
باب ششم را ختم مینمایم و از ناظرین طمع دعای خیر دارم انشاء الله تعالی

باب هفتم در نسخه جات کیمیا که آنچه تجربه کرده ام

آورده ام و دوستان امتحانش فرمودند اما گاهی درست شد و گاهی غلط افتاد محروم
ماندند این کتاب مخزن اسرار و کنز الجواهر آبدار است هر رازی که در سینه خویش داشتم در این نسخه
بی نظیر نوشتم و فاش کردم نسخه های کیمیا را هم نوشتم ما برادران ایمانی را نفع کامل حاصل شد
چنانچه اول نسخه مجرب دیده و شنیده که اسیری بجز او … خرج کرده حاصل نمود و این نسخه
هم یکبار تیار کرده الا بار دیگر از خوبی طالع درست نشد اگر مرا حاصل نشد از نقد برکسی
شود عجب منت و آن اینست نسخه هرتال طبقی دو توله سیماب پنج توله ترکیب در عرق کوهی
که در زراعت گندم اکثر میشود و گلش زرد میباشد و آنرا طوطیان میخورند و بعرش خار دارد
باشد و عرق آن مثل گوگرد است بجای سکھرل نمایند آن اجزا را در آنکه بالا مذکور شد بعد از
آن در لبدی آن غلوس مد شاهی بند کرده مثل گلا گلا کنند پس در سفال نرم بالا نهاده
و بیش گل حکمت نماید پس آنرا در یا ندیده و داشته بیست آثار خواه پانزده آثار چنانچه
آثار کم نباشد پاچک دشتی گرفته آتش دهد بعد خشک شدن ببیند که آنهمه خاکستر شده یا نه اگر
نشده دو مرتبه آتش دهد و باز امتحان و کند یعنی از آن خاکستر قدری نقره گداخته ببیند
مرد بار از آن ببیند و باز از پاچک صحرائی آتش دهد و امتحان کند اگر اکسیر شود بهتر و
اگر دیر آتش دادن درست نشد بدانکه در تدبیر فرق شده است باز از سر نو نسخه
تیار کند اگر مقدمه در سنت … اکسیر خواهد و تمام عمر از فاقه کفایت خواهد نمود
در وزن شش ماشه یک رتی اگر بر مس ببیند از دو شمس گردد

نسخه دوم اکسیر اعظم مجرب که از دست خود تیار کرده بخوبی آمده الا سه بار تیار گشته
باز درست نشده اگر از دست کسی درست نشود مثل من بد قسمت است باید که غور کرد
اصل آن توله سار سبعی تمام تا لاش نموده بوزن یک توله بیارد بعد یک کتر آهنی
خورد خریده کند و یک پیاله آهنی تیار کند آن گوگرد را در آتش دان نهد و زیرش آتش
دهد و پیاله را لب گردان برابر لبهای کتر آهنی سازد حتی که برابر شمس تغرق نباشد و از
سوراخ هر سمت درست کند بعد در کتر آهنی مذکور عرق او نت کتاره خاره که در جنگل اکثر
پیدا میشود و در موسم برشکال از آب باران سوخته میگردد پس آنرا آورده قدری عرق گرد
و تکرهای گوگرد غرق در آن شوند پس گوگرد پارچه پارچه ساخته بوزن دو ماشه …
عرق ببیند از دو پیاله آهنی را بر آن سرپوش نماید و آهنگر از خلب … گردد اگر گرد
آهن از گل بند کند که از هر سمت مطلق مسدود باشد پس آنرا بر آتش دان نهاده

هیزم نرم نرم آتش دهد و آب در کتر آهنی بر پیاله پر کند که پیاله غرق شود و آتش زیرش
چنان روشن کند که آب با لا عرق گرده سا تجمین گرم شده جوش خورد پس آن آبرا
دور کند و باز آب پر کند که چون آنهم جوش خورد آنرا نیز دفع کند و باز آب پر کند و هر جا بعضی
چادر پاک و سفید آب ۲۱ دور کرده باشد و خود هم با وضو باشد و از سایه نحس احتراز نماید
چون سه بار پر کرده دفع کند آن کتر آهنی را زیر آورد و از لب آهنگر که آنرا چینی گویند پیاله را از
کتر آهنی جدا کند انشاء الله روغن گوگرد ۹ ماشه تیار شده خواهد بود مثل خون کبوتر برنگ
سرخ پس آنرا در شیشه بدارد اگر یک قطره بر مس ۱ توله گرم کرده ببیند از دو شمس مطلق گردد
ای برادر مثل این نسخه سهل ندیده و نشنیده ام اگر یکبار تیار کردی و نشد بتجربه تیار کن اگر نشود در
قسمت است والله اعلم نسخه سوم اکسیر که در تجربه آورده ام اینست که یک شیشه
کلان صحرائی که شب بنوا میسر داآورده یک توله سیماب زرد جوش انداخته سوراخ
پنجال نیز بند ساخته گل حکمت سازد و در پاچک صحرائی پنج آثار آتش دهد پس صبح برآورده
ببیند که آن سیماب اکسیر باشد وزن قائم ماند جرس گداخته انداز شمس گردد والله اعلم
نسخه چهارم جو در اکثر دوستان بعمل آورده اند الا کردن این نسخه حرام است باید که بند
اینست سیماب یک توله نقره دو ماشه هر دو را در کتر آهنی انداخته یک آثار و یک پاؤ آب انداخته
و زیر آن آتش روشن کند و طوطیا ۱ توله با یک نموده بر آن آب گاه گاه پاشیده باشد
چندانکه تمام سوخته گردد ولیکن از تجربه هر بار مخلوط کرده باشد چون آب قدری ماند آنرا
از آن کتر آهنی بر آورده از آب صاف پاک کند که زر دیش دور گردد بعد در یک سفال
برادہ جست ۲ توله گرفته زیر آن تو شک بنه کند و بعد بر و برگ تلسی بدارد و بعد آن
گولی ها تیار کرده بدارد بعد نیم برادہ بقیه با لحاف کند و سکوره دیگر بر آن سرپوش کند
و یک ته گل حکمت نماید و در پاچک دستی ۲ آثار خواه کم آتش دهد تا که جست مذکور خاکستر
گردد پس برآورده خاکستر جست آهسته دور کند و آن گولی را چرخ دهد و دو سه بار بآب
دوغ سرد کند و در آب نوشادر و شوره هم کرده سرد کند پس درست باشد باید که کسی نور
از دست خود تیار کرده مثل چوبی ها کرا از سانچه ساخته و در بازار فروشد والا حرام مطلق
است نسخه پنجم اکسیر از امیر شیر علی است که آن مهربان سبیلد تیار فرمودند و خطائی
ندارد و اینست باید گوگرد آمله سار حصیل بیارد و در صحرائیکه درختهای بسیار باشند قیام
نماید با آنجاکه قریب از درختان باشد ساکن شود و هر روز از وقت سحر برخاسته نماز گذارده دعا

بدرگاه جناب الٰهی نموده پیاله چینی که در آن گوگرد پارچه همه عرق شوند پس باز آیده و نگاه دارد
و صبحی باز رود و بدستور تر نماید هرگاه که شیر بسیار جمع شود آنرا صاف کرده باشد بعد از آن
بدستور یا یک چله در عرق مذکور تر نماید چون چله شود روزی در مقام خلوت نشسته در شیشه
آتشی پاره های گوگرد را داخل ساخته دهنش از سینک جاروب بند کند و شیشه را گل حکمت
از پارچه نه نماید و گل بسیار و خوب باشد و خشک گرداند پس بسم الله گفته در یک سبوچه
آن شیشه را سوراخ بزیرد دهن شیشه بطور وارژگون نهاده ساخته در سبوچه مذکور بر سه پایه
بردارد و زیر آتش پیاله چینی بنهد و آتش دهد و خود حاضر و هرگز جائی نرود تا پاک شود سایه
نیندازد اول قدری آب زرد بر خواهد چکید آنرا دور کند هرگاه که قطره های سرخ بچکید پس گرد
گشوده شد و تمام گوگرد را روغن کشیده گردید آن روغن را نگاهدارد و هرگاه که آزمایش
کنند بر مس گرم کرده قدری مالیده در آتش نهد طلا گردد مجربست
نسخهٔ ششم اگر مار سفید کم تمت چنانچه پوست او هیا شد چشمش نود بدست آید هزار حیله
بهتر آنرا آتشه خشک کرده نگاه دارد هرگاه که حاجتی پیش آید بر وزن دو توله مس
گداخته چراغ داده بقدر یک سرخ از آن مار خشک بیندازد آنجمله مس مثل طلا گردد
نسخهٔ هفتم مکه سیماب آزموده دوستان مجرب و پاکیزه است و انیست طوطیا یک
ماشه نوشادر یکماشه شب یمانی یکماشه نمک یک ماشه هر چهار ادویه مذکور را در
لنگری آهنی خشک باریک نموده سیماب یک توله در ظرف گلی انداخته در آب عرق کنند
و بر آن ادویه مذکوره را قدری قدری بپاشد مثل روغن بشود سیماب بسته گردد و بکار
مهوس آید نسخهٔ هشتم سنگهیا را شگفت کردن باید که یک توله سنگهیا در
شیر اندازد که دو توله باشد کلپاس کامل کهرل نماید بعد تکیه ساخته در یک سبوچه گلی اول
ریگ نصف سبوچه پر کند و بر آن قدری راکه در نمک نهاده مثل توشک بر آن تکیه مذکور
بدارد و باز راکه را لحاف کنند و باز ریگ پر کند و دهن سبوچه از سفال بند کنند و در زیرش
ده آثار هیزم را گرفته یکبارگی آتش دهد چون تمام شود سبوچه را از دیگدان فرود آورده
دهن گشوده بدارد که همه شب سرد شود چون صبح شود و دیگر سرد شده باشد آنرا از تکیه بر
آورد و یک رتی بر مس گداخته بیندازد شمس گردد و اگر بر قلعی اندازد قمر گردد
نسخهٔ نهم رنگ نمودن نقره مجرب باید که شنگرف یک نیم توله در گندی آتوله کلان
صد بدارد و کپرونی نموده در گرسی آچلت دستی که نه پانک باشد آتش دهد همچنین پنجاه
دو بار آتش دهد انشاء الله شگفته خواهد شد نقره گداخته قدری بیندازد صورت طلا گردد

و در پنج چرخ زنگش سرخ شود و آن خاک هم نفع تمام دارد
نسخهٔ دهم اکسیر مجرب از استادی کامل باین ضعیف رسیده و حاصل شده انیست که
درخت بل برابر آماسش میباشد صورتش آنست که برگش برابر قدر برگ کاسنی میباشد برابر
برگ خورد خباتو میشود و زیر برگش موی مخمل سفید باشد و در ماه بهار در آن پیدا میشود و آنجا که
تری باشد و بر رود و لب آب میباشد بر میخیزد و در ماه کنوار و کاتک بال آن بری آید تخم بال
با جره خورد و طور دیگر بال با جره را از آب تر میباشند باشد و زمین داران آنرا خشک
کرده نگاه دارند و سیاه مرچ آمیخته برای دفع تب لرزه میدهند و در چراگاه آن را
گاو میش میخورند اگر آن از خوبی مقدار بدست مهوس آید غنی مطلق گردد باید که
آنرا لبدی باریک حل کرده در لبدیش فلوس مهوشانی نهاده بند کند و در ظرفی
بدارد و گل حکمت کرده در پاچک دشتی پانزده آثار آتش دهد آن فلوس خاکستر خواهد
شد پس آنقدر فلوس که بوزن قائم باشند آن خاک اکسیر مطلق است هرگاه که خواهد
بر مس گداخته برابر نمکی در چرخ خوردن مس بیندازد شمس گردد و همه اسم
نسخهٔ یازدهم از درویشی بدست این ضعیف آمده و آن انیست که درخت دهتوره
گر از بیخ و شاخ و برگ سیاه مطلق باشد تر و تازه از بیخ و برگ یکساله بود و اگر کهنه
و فن آن اش بیارد و یکدرخت بهکیسا با درخت و ثمر و برگ بیارد و در هاون دسته چوبی کوب
نماید بعد بر سنگ سائیده سرمه سا کند چون لبدی تیار شود ۴ توله سنگهیا تیلی
که بسیار خوب میباشد گرفته در لبدیش بدارد و غلوله بسازد و هفت بار بر آن غلوله
گل حکمت کند بعد در تاب آفتاب خشک گرداند چون شب شود در گلخن رفته گلخن
فروز را دو سه فلوس داده تمام و تمیسه خاک یکجا در گلخن کرده اندر آن غلوله را
بدارد و تمام شب جا دارد و خود متصل نخسبد گاه گاهی خاکستر گرم بر آن اضافه کند
چون صبح گردد بر آورده دو پاس صبر کند تا سرد شود چون سرد مطلق گردد غلوله را
بشکنند آن سنگهیا اکسیر خواهد شد و خاک خواهد شد و وزن قائم ماند پس آنرا بر سه
قلعی یا و آثار گداخته بیندازد نقره پخته گردد و اگر یکبار درست نشد دو سه بار عمل
آورد و اگر نشد نصیب او نبوده نسخهٔ دوازدهم اکسیر کامل که از مهوس بی نظیر
بدست این ضعیف رسیده انیست که بادیه دشتی که در حقیقت برگش مثل سویا می
شوند و لیکن برگ سویا استاده باشد و این سویا در زمین خضر د گستره باشد

در رنگ شاخهایش مایل بسیاهی میباشد و برگ آن سبز زیاده میشود اگر بر زبان
نهند تلخ معلوم میشود اکثر بر جای بلند در دامن کوهستان باشد پس در آن بولی
سیماب هم خاکستر میشود و اکثر همین نوع بر زانگه هم گرم کرده در عرقش جنیدازی
نقره گردد مجربست **نسخه سیزدهم** کیمیا اگر میسر دست آید چهار ماشه گرفته
در عرق گوبهی صحرائی بیضه مرغ را صاف و خالی کرده پر کند و یک بیضه دیگر خالی
کرده بر آن غلولا اول لحاف کند بعد از آن آنرا در آرد ماش بند بعد از آن هفت
بار از گل گل حکمت کند چون خشک شود در پاچک دشتی سه بار آتش دهد که خاک
شود آنگاه آن اکسیر است **نسخه چهاردهم** اکسیر مجرب از مرد بزرگ درویش
صحرانشین بدست این نحیف آمده باید که هرتال ورقی طبقی باشد گرفته و ابرق بر دو را
در ظرف گلی داشته بر آن قدری آب جواهر سوده بیفکند و انگشت را افروخته آتش
دهد اگر آن هرتال قائم ماند برنگ سبز گردد پس برداشته بر مس و فلوس هموشاهی
لیسیده آن فلوس را بر آتش گدازد انشاء الله طلا گردد **نسخه پانزدهم**
اکسیر از زن کامل مهوسه بدست این نحیف رسیده باید که اول یک پیاله مسی تیار
کرده باشد پس نزد خاکروب که خوک پرورده باشد رفته بقدر دو توله شیر خنزیر بگیرد
و پیاله را بر سر آتش نرم نهد چون پیاله گرم شود تا چنان گرم نشود که
سرخ گردد دفعتاً از هر دو دست شیر و سیماب در آن جنیدازد که هر دو با هم یک
ذات شده و گداخته شوند سیماب شگفته گردد و خاکستر شود و زن قایم ماند
پس تمام عمر آنقدر کفایت میکند هرگاه مس گداخته چرخ داده را بقدر سرکس
بر آن زنند طلا شود **نسخه شانزدهم** اکسیر باید که کهونگچی
سپید یک توله آنوله خشک یکتوله هلیله کلان یک توله گرفته برگ گرفته و برگ
منب قدری شریک کرده لبدی تیار کند و از آن لبدی یک کهر بسازد و در کهریه
گهونگچی را باریک سائیده خشک نماید و آنرا در سایه آفتاب نهد چون قدری
خشک شود سیماب را در کرچها انداخته قدری عرق منب چکانیده و آتش نرم دهد چندانکه
دو توله عرق خشک شود و سیماب بزیبه تیار شود پس آن زیبق را برداشته در کهریه مستو

داخل سازد و قدری لبدی منب هم داخل کند و هر سه را آمیخته بر آن کهریه لحاف
کند و از هر سمت بند کرده در پلاس پیچیده در خندقی که عمقش یکدست باشد یکجا تمام
پاچک دشتی نهاده آتش دهد و همه شب بدارد صبح برآرد انشاءالله آن سیماب اکسیر
خواهد بود یا نقره خواهد گردید **نسخه هفدهم** اکسیر مشهور آفاق و اجیست که
دو عدد ماهی کلان که متر آن رهو باشد بگیرد و قدری گوشت خنزیر پس ماهیان مذکور
مساوی الوزن گرفته پارچه پارچه ساخته همه را در میان سبوچه انداخته نگاه دارد
چندانکه کرم افتد و تمام گوشتها کرمها گردند آن زمان نگاه دارد تا کرم کرم را بخورد
صرف دو سه باقی ماند پس آنرا گرفته در یک شیشه اندازد و آن شیشه را دهن از
آرد بسته در کهیری یا پلاو دم کند چندانکه آن کرم روغن زرد شود پس آن روغن
را در مس گداخته اندازد اگر طلا گردد عجب نیست و اگر نشود قدری سیماب اندران
مخلوط نموده در کهریه و پاچک دشتی آتش دهد یقین است که سیماب خاکستر
شود و اکسیر گردد و اگر اکسیر نشود آن روغن طلا گردد که برای عنین مفید خواهد
شد **نسخه هیجدهم** اکسیر مسموعه مجرب باید که گوگرد و هرتال و سنگهیا
و شنگرف و نیل هر پنج اجزا برابر وزن یک توله خواه نیم توله مساوی الوزن
گرفته در کرچها اول سنگهیا جو کوب نموده بدارد بعده هرتال و نیل و گوگرد
و شنگرف ته به ته بدارد اگر وزن پنج توله باشد یک چهاتک روغن سیاه بیفکند
و در سرگین اسپ آتش دهد و داغ کند و جوش آید و یک ماشه توتیا هم جنیدازد پس
چون جوش موقوف شود و کف آن سوخته شود از میل به جنبد که رنگ سرخ شده است
یا نه چون برنگ خون احمر اللون گردد در شیشه آنرا نگاه دارد و هرگاه که بر مس گرم
کرده جنیدازد آتش دهد مس طلا شود و اگر نشود باز تیار کند و اگر بار دوم درست نشود
خوبی قسمت خویش داند و اگر توتیا در آن شریک نکند روغن طلا برای عنین مجربست
اگر برای مجلوق بهند مفید مطلق باشد بر برگ تنبول مالیده بندد در مدت سه روز مفید
نسخه نوزدهم اکسیر مسموعه مجرب باید که عنکبوت رطیل کلان کهنه را تلاش نموده
در دبیه بدارد و قدری سیماب هم در آن دبیه گذارد و سر پوشش بند نماید در مدت سه روز
یا پنج روز آن سیماب عنکبوت خواهد خورد پس آنرا در کهریه نهاده گل حکمت
نموده آتش پاو آثار پاچک دشتی دهد اکسیر قائم الوزن خواهد شد اگر بر مس گداخته چرخ

داده باشند جیند از دانشا بعد طلا گردد و بعد عمل نسخه باتیمم جز از رنگ نمودن نقره باید که چند درخت سورج مکهی بیارد و عرقش بمقدار نیم پاو بگیرد و در آن عرق یک تولہ شنگرف که مستحکم و یکدلی باشد انداخته سه روز تر دارد بعد برآورده در سه عدد بادنجان سوراخ نموده دفن کند و در پاچک دستی سه پاو مثل هر سه بپزد و همچنان سه بار در هر سه بادنجان خسته کند بعد به جیند که خسته شده یا نه یعنی مثل رنگ گشته خواهد شد و همچو ابرق در انگشت با مالیده خواهد بود پس آنرا بر ابرق نهاده ابرق را بر آتش گذارد و بر آن ولی شنگرف عرق نعنا نیز بچکاند بعد دو تولہ عرق خشک نیز بدارد یقین که خسته شده باشد پس قدری برابر یک سرخ در یک تولہ نقره چرخ داده بگذارد رنگش مثل طلا گردد در صورت اگر رنگش خوب نشود کسیس و سه نه کمهی ترات در زهره ماهی کهرل نماید که نرم شود بعد بر پتر نقره مذکور طلا کند و تاو دهد و باز در آب هر سه جزو سرد کند طلا گردد در رنگ و صورتش هم خوب گردد نسخه مفید دیگر اکسیر مجرب هرتال طبقی شش ماشه گوگرد چهو چیا شش ماشه نمک سرخ شش ماشه سیماب یک تولہ توتیا دو تولہ همه را در عرق بهنگره تا یک پاس کهرل نموده در ظرفی که مثل دوات بوده باشد انداخته دهنش مضبوط از سرپوش و تارهای آهنی بند کند و بر آن گل حکمت کند و خشک سازد بعد در پاچک دستی پنج آثار آتش دهد و صبحی گشته بیرون آرد آنچه که براده باشد مثل براده برنج اکسیر خواهد شد اگر مس را گداخته قدری جیند از د طلا گردد والله اعلم اینقدر نسخه های اکسیر بهای انتفاع برادران ایمانی نوشتم تا مرا بدعای خیر یاد کنند و بر روحم فاتحه خوانند

فالنامه نادر العصر از حضرت غوث الاعظم رحمة الله علیه

این فالنامه از جناب تقدس مآب حضرت پیر پیران شیخ عبد القادر جیلانی قدس الله سره است بسیار مجرب و بهتر است

چون کسی را کار دشوار در پیش در آید و نداند که انجام این امر چه خواهد گشت پس او را لازم است که فاتحه بر روح پر فتوح حضرت غوث پاک بروح بخواند و نیت کار کرده و طفل نابالغ را بگوید که انگشت بر جدول نهاده مطابق شماره مطلبش در زیر نوشته شده و اگر طفل نابالغ نباشد خود فاتحه خوانده بصدق نیت نموده و چشم بر بسته و انگشت بر جدول گذارد و جدول در مقابل صفحه است

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱
۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱
۴۰	۳۹	۳۸	۳۷	۳۶	۳۵	۳۴	۳۳	۳۲	۳۱
۵۰	۴۹	۴۸	۴۷	۴۶	۴۵	۴۴	۴۳	۴۲	۴۱
۶۰	۵۹	۵۸	۵۷	۵۶	۵۵	۵۴	۵۳	۵۲	۵۱
۷۰	۶۹	۶۸	۶۷	۶۶	۶۵	۶۴	۶۳	۶۲	۶۱

نادر العصر مطلب فالنامه

۱ هر حتی که در دل داری نظر بر کرم کارساز است چند روز صبر کن مراد دل خاطر خواه حاصل خواهد شد

۲ فال نیک است مراد خواهی یافت مطلب تو بدلخواه بر آید

۳ این کار که در دل داری پرهیز کن اگر بکنی پشیمان خواهی شد

۴ کاری که در دل اندیشیده بر آورده خواهد شد خاطر جمع دار

۵ هرچه میخواهی خواهی یافت مقصود حاصل خواهد شد خاطر جمع دار بکرم فیاض

۶ در این کار خلل خواهد افتاد چند روز صبر کن آخر خوب خواهد شد

۷ هر امیدی که در دل داری راحت نخواهی یافت صبر کن آخر خوب گردد و دشمن خرابی در کار است

۸ هر حتی که در دل داری بر آورده خواهد شد اندیشه نباید کرد

۹ حاجتی که داری خوب است و بر آورده شود انشاء الله و مراد حاصل شود

۱۰ کاری که در دل اندیشه میکنی بهتر خواهد آمد امیدیکه برآید بفضل خدا

۱۱ این کار بسیار نیک است خاطر خود جمع دار

۱۲ این نیتیکه در دل داری چند روز صبر کن آخر انجام خواهد شد

۱۳ آنچه در دل داری پرهیز کن وگرنه پشیمان خواهی شد

۱۴ کار بسیار مبارک است و نیک است کار انجام خواهد یافت بکرم الهی

۱۵ کاری که در دل داری خواهد شد لیکن دشمن بر هم خواهد زد صبر کن

۱۶ بکرم ایزد ذوالجلال کار تو با اندک سعی سرانجام خواهد یافت

۱۷ هر مطلب که داری اگر بسته بماند حق تعالی سرانجام خواهد کرد

۱۸ این کار شدنی نیست از این قصد پرهیز باید کرد

۱۹ هرگز این کار نخواهد شد و اگر بکنی خوب نیست صبر کن

۲۰ در این کار پرهیز باید کرد چند روز کوشش بکن

۲۱ این کار سرانجام خواهد یافت البته
۲۲ فال میگوید روزی و رزق خواهی یافت اندیشه مکن خوب خواهد شد
۲۳ چیزیکه از او مطلبی خواهی یافت وسواس در دل راه مده
۲۴ آنچه از کسی سؤال میکنی آخر بکرم الهی بدست میآید
۲۵ این کار را هرگز نباید کرد پشیمان خواهی شد
۲۶ ایزد کریم کارساز بوجه احسن بانجام خواهد رسانید سعی کن تا کار برآید
۲۷ حاجتی که داری هرگز شدنی نیست محنت و درد ضایع خواهد شد
۲۸ نیتی که در دل داری حسب المراد خواهد شد
۲۹ کاریکه اندیشه میکنی سرانجام خواهد شد لیکن چند روزی صبر کن
۳۰ این فال تو نیک است اما خیال خوب نیست چند روزی صبر باید
۳۱ در کار تو معطلی است و دشمنان در کمین هستند هر کار که کنی خلل دارد
۳۲ از جد و جهد تو این کار شدنی نیست پرهیز کن
۳۳ توکل بر خدا تعالی کن کار انجام خواهد گرفت
۳۴ فال تو نیک است هر چه نیت میکنی حاصل خواهد شد
۳۵ در این کار تندرستی نیست پرهیز کن
۳۶ کار بوجه نیک سرانجام خواهد یافت
۳۷ کاری که در نظر است تعلق بچند کس دارد خواهد شد
۳۸ فال تو نیک است ولی ضرورت اعتقاد است
۳۹ نظر بر ایزد تعالی داشته باش صبر کن
۴۰ کار بوجه نیک سرانجام شود و مطلب بر آورده شود
۴۱ این فال تو خوبست
۴۲ این کار تو شدنی است در آینده در هر امر وسواس مکن
۴۳ مطلبی که داری خوبست کریم کارساز آسان خواهد کرد
۴۴ فال منع میکند و این کار درست نخواهد شد پرهیز کن
۴۵ حاجتی که داری پرهیز کن
۴۶ حاجت تو انشاءالله برآید
۴۷ این کار خواهد شد
۴۸ مطلبی که داری از حرج کردن خواهد شد
۴۹ آنچه نیت داری حاصل خواهد شد

۵۰ این کار بخیر انجام پذیر خواهد شد
۵۱ کار تو در تاریکی افتاده است صبر باید کرد
۵۲ نیتی که داری نخواهد شد ترک اولی است
۵۳ فال بهتر است اضطرابی در کار نیست صبر کن
۵۴ این نیت تو خوبست
۵۵ فال ترا منع میکند ضرر رسان است
۵۶ این کار شدنی نیست
۵۷ هر کاری داری در آن محنت و مشقت نیست
۵۸ کار تو بر آورده خواهد شد
۵۹ هر چه میخواهی خواهی یافت
۶۰ آنچه امید داری بر آورده خواهد شد
۶۱ نیتی که در دل داری حاصل است
۶۲ این کار خوبست اما چند روز در انجام آن دیر خواهد شد امورات بخیر است
۶۳ این فال مبارک است
۶۴ این کار خوب نیست
۶۵ نیتی که در دل داری سرانجام میگیرد
۶۶ امیدی که در دل است انجام پذیر است بخاطر یقین
۶۷ این کار خواهد شد لیکن اندکی صبر باید نمود
۶۸ هر چه میخواهی خواهی یافت انجام خوبست و فال مبارک است
۶۹ کاری که در دل داری خواهد شد وسواس مکن
۷۰ کاری که میخواهی مکن ترکش بهتر است

فال اناجاری دیگر از علم رمل

بسیار معتبر و صحیح استخراج کرده این احقر عباد است

اول باید وضو بگیرد رو بقبله نشسته سوره الحمد بخواند بعد از آن فاتحه بر روح پرفتوح سرور کاینات صلی الله علیه وآله وسلم بخواند و این آیه شریفه را برزبان جاری نماید سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا اِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا اِنَّكَ اَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ و چشم خود بسته نیت نموده و براین دایره انگشت نهد مطلبش هرجا که انگشت افتد آن صورت دایره را و ذیل بتفصیل احکام ملاحظه کند انشاالله جواب هر سؤال خاطرخواه افتد دایره که در آن انگشت نهند اینست

لحیان ۱	قبض الداخل ۲	قبض الخارج ۳	جماعت ۴
فرح ۵	عقله ۶	انکیس ۷	حمره ۸
بیاض ۹	نصرة الخارج ۱۰	نصرة الداخل ۱۱	عتبة الخارج ۱۲
نقی الخد ۱۳	عتبة الداخل ۱۴	اجتماع ۱۵	طریق ۱۶

تفصیل احکامات دائره

۱ لحیان

فال تو نیکست اگر اراده سفر کردن داری سمت مشرق برو بهتر خواهد شد و اگر ابتدای کاری در نظر داری بکن که انجامش نیکست و اگر برای مریض است تب صفراوی دارد بهتر خواهد شد اگر جهته حصول مال نیت کرده بدقت حاصل شود و مالی باختیار تو خارج خواهد شد

۲ قبض الداخل

فال تو بهتر است اگر برای سفر مسیر پرسی سفر میسر نخواهد شد و اگر برای مریض است درد از شکم دارد و فساد از غذا است و بهتر خواهد شد ولی بهبودی او طول خواهد کشید اگر برای الست مال کسیار بدست تو خواهد آمد و از معامله نفع خواهی برد و روزی تو وسیع گردد و اگر برای غایب فال دیده سلامت است و بزودی بنزد تو خواهد آمد

۳ قبض الخارج

فال تو بد است و اگر برای سفر اراده داری بی اختیار خواهد شد از اینجا بجای دیگر بروی اگر سؤال از یافتن مال است میسر نخواهد شد بلکه مالی از تو بی اختیار خارج میشود و اگر برای برادر و خواهر و خویشان فال دیده آنها را حال نیک است و اگر برای مریض است سختی کشیده بهتر خواهد شد از این فال ظاهر میشود که حال تو پریشانست و بسیار سختی کشیده و اکثر خوابهای پریشان می بینی جنب مباش و در عبادت و توبه کوشش کن تا خوب شوی

۴ جماعت

اگر برای ملاقات دوست فال دیده میسر شود و اگر از پدر و ما در و املاک میباشد عاقبت آنها بخیر و ملک بدست آید احوال تو بطور میانه ولی یک گرفتاری و بستگی در کار تو میباشد و اگر برای مریض سؤال کرده آن مریض را آسیب رسیده یا از سحر است و نیز آن مریض آزار شکم هم دارد حال عاقبت تو بخیر خواهد شد و در معاملات ضرر دیده اما زیان قابل بتو نخواهد رسید والله اعلم

۵ فرح

فال تو بسیار نیک و در آینده خوشی و فرح و انبساط رو بتو میآورد

و اگر از وصال معشوق میپرسی میسر خواهد شد و از هدیه و تحفه فال دیده
بتو خواهد رسید و اگر مسافرت در نظر داری بسمت شمال و مغرب بهتر است
و اگر سؤال از حمل زن کرده حامله است و ترا ذوق شاعری هست و خوابهای
خوش می‌بینی و خاطر تو در عشق کسی بیقرار است و اگر سؤال برای مریض است
آن مریض مرض خفقان و امراض بادی دارد و بهتر خواهد شد و
عاقبت تو بخیر و خوشی است والله اعلم

۶ ⸗ عقله

فال تو بد است و در کار منقلب و پریشان خاطر هستی و در انجام هر کاری
مردد میباشی هنوز کاری انجام نداده بکار دیگر شروع مینمائی و اگر خیال مسافرت
داری منقلب حال بسفر رفته و باز مراجعت میکنی اگر از مریض میپرسی مرض او
از شکم و مثل اینکه برای او سحر کرده باشند و اگر برای حامله است آن زن را خون
حیض بسته یا در شکم سختی دارد اگر برای نوکر و کلفت میپرسی حال آنها نیک است
اگر برای دزد برده میپرسی تمامی آن بدستت نیاید و دزد مرد است اکثر خوابهای پریشان
می‌بینی و در موقع خواب هولناک میباشی و خاطر تو غمگین است صدقه بده
و در طاعت پروردگار کوتاهی نکن تا کارت خوب شود والله اعلم

۷ ⸗ انکیس

این فال دلیل گرفتگی در خاطر و نحوست در طالع و سختی و پریشانی و گرفتاری
در امورات اگر برای سفر است میسر نخواهد شد و تقاضای قرض داران بر تو
دشوار است و شخصی از دوستان تو غایب است و مال تو را آنکه دزدیده است
زنی است سیاه چهره اگر برای مریض است بدشواری خوب شود
و مریضی او از معده و شکم است و اگر برای شراکت است شریک تو بد است
و حال تو پریشان است و اکثر خوابهای بد می‌بینی و ترا خوف از
جانب دشمنی هست که با تو دشمنی میکند صدقه بده تا رفع دشمنی او بشود و اگر زن خواهی
بگیری برای تو فراهم شود و نیک است در امور مذهبی کوتاهی نکن و از خیرات
نیز کوتاهی نکن تا کارت خوب شود والله اعلم

۸ ⸗ حمره

فال تو بد است و مانند اینکه از دشمنی یا از کسی ترس و خوف داشته باشی و در
معاملات گاه گاهی ضرر متوجه تو شده است اگر از مالی میپرسی بدست تو
خواهد آمد ولی سودی از آن نبری اکثر اوقات را به پریشانی و غم و غصه بسر میبری
از مال غایب و مال زن و میراث ترا بهره میباشد خوابهای پریشان می‌بینی بیشتر
امراض تو از باد و خون میباشد اگر اراده سفر داری میسر نخواهد شد و اگر برای
مریض دیده آن مریض طول بکشد تا شفا یابد و مرض او از اسهال و خون
شکم است باید برای او چیزهای سرخ رنگ صدقه داد و در امورات خیر
کوشش کن تا کارت خوب شود والله اعلم

۹ ⸗ بیاض

فال تو بسیار نیک و دلیل بر خوشحالی و خوبی طالع و اگر اراده تحصیل علم داری
بهره‌مند خواهی شد و اگر اراده سفر داری نیک است و برای تو فراهم شود و بطرف
شمال سفر کن تا سود ببری اگر اراده زن گرفتن داری وسائل آن برای تو فراهم شود
و خوب است و اگر برای تحصیل مال است مال بدشواری بدست تو آید و زود خرج شود
از منافع کسب و کار بطور میانه بسر میبری و اگر چیزی از کسی توقع داری بتو میرسد
و اگر برای مریض دیده مرض او از بلغم و استسقا است و شفا خواهد یافت برای او
تصدق بده و اگر از حمل زن میپرسی حامله نیست خون حیض او بسته است عاقبت امر تو
بخیر است و سفر حج در قسمت داری و مسافرت با ماکن مشرفه خواهی کرد والله اعلم

۱۰ ⸗ نصرة الخارج

فال تو نیک است و بمراد و مطلب که داشته باشی بخوبی حاجت تو روا شود اگر از مال
میپرسی بدست تو خواهد آمد و استفاده از شغل و عمل خواهی برد شراکت بکن
اگر اراده سفر داری بسمت مشرق نیک است و مسافرت برای تو فراهم
شود و بر دشمنان تسلط خواهی یافت اگر از حال مادر میپرسی حالش خوب اگر نزد سلطان
رفتن میپرسی برو همه امور نیک است اگر از مریض سؤال میکنی حال او بهتر است مرض او از
ضعف معده میباشد و شفا خواهد یافت شغل خوبی بدست تو خواهد آمد که استفاده
آن بسیار است و عاقبت تو بخیر است و هر کاری بخواهی انجام دهی نیک است والله اعلم

۱۱ : نصرة الداخل

فال تو نیک است با رونق و شغل و عمل نیک و درآمد آن در آتیه خوب خواهد
شد و اگر از مال میپرسی بدست تو خواهد آمد و امیدهای زیادی در دل داری
تمام بر آورده خواهد شد اگر اراده سفر داری میسر نشود و اگر اراده معامله
یا تجارت داری بکن که نفع زیادی بتو برسد و اگر اراده زن گرفتن داری
خوبست و میسر خواهد شد و کسی با تو دشمنی میکند ولی مقهور میشود اگر برای
مریض دیده مرض او از بلغم است طول میکشد ولی خدا او را شفا میدهد
و عاقبت او ختم بخیر است و مسافرت با اماکن مشرفه در قسمت تو است والله اعلم

۱۲ : عتبة الخارج

فال تو بد است و مانند اینکه پریشان خاطر و غمناک و اندوهگین میباشی و اختلال
حواس و انقلاب خاطر داری بیکجا قرار نداری دشمنان در کمین تو استند
و از دوستان خود ضرر بینی در معاملات زیان بسیار متوجه تو شده است
اگر اراده سفر داری بسمت مشرق خوبست ولی بی اختیار سفر برای تو
فراهم شود خوابهای پریشان می بینی با زنی مواصلت میکنی اگر برای مریض دیده
مرض او از تب و دق میباشد و بدشواری شفا یابد تصدق برای او بده و هیچگاه
جنب او مرو و در نماز و عبادت کوتاهی مکن تا رفع فقر و فاقه و بدبختی از تو بشود والله اعلم

۱۳ : نقی الخد

فال تو بسیار بد است و منقلب حال و پریشان خاطر میباشی و درآمد تو کفاف
خرج ترا ندهد و اگر از مال سؤال میکنی بدست تو بیاید ولی چندان نفع از آن
نبری اگر از سفر پرسی بمسافرت میروی ولی سودی حاصل نشود اگر برای
مریض دیده مرض او از اسهال یا دنبل است جراح خواهد در آن نشتر
بزند و خاطر تو تعلق بکسی گرفته و کسی را دوست میداری و با او بسیار
محبت میکنی ولی او با تو سرگران است و حال تو عصبانی و غضب بسیار داری در
کارها سعی میکنی اکثر امراض تو بلغمی و فساد خون است اگر از زن گرفتن میپرسی خوبست و در نماز
و عبادات کوتاهی مکن انشاءالله تا پانزده روز دیگر نحوست از طالع تو بیرون رود و روزگار تو خوب
شود والله اعلم

۱۴ : عتبة الداخل

فال تو بسیار نیک است و طالعت میمون و مبارک و اگر اراده سفر داری میسر نخواهد شد
اگر اراده معامله با کسی داری بکن خوبست و اگر از مال میپرسی بدست تو آید و از جایی
بتو برسد و اگر کسی بسفر داری بزودی باز آید و اگر اراده نکاح داری خوبست
بکن و اگر برای مریض دیده عارضه شکم دارد و بطول انجامد ولی بهبودی حاصل شود
اگر از اتصال محبوب میپرسی وصل او برای تو میسر گردد و اگر از حامله میپرسی حمل دارد
و کلیه امور برای تو نیکست و امیدهای تو بر آورده خواهد شد انشاءالله والله اعلم

۱۵ : اجتماع

فال تو خوب و حالت بطور میانه بگذرد برای مواصلت بسیار نیکست خبر خوش
بتو برسد اگر نیت تحصیل علم کرده بسیار خوبست و میسر شود اگر اراده سفر
داری قدری صبر کن و در معاملات استفاده بطور میانه بتو برسد اگر از مال
میپرسی بدست تو بیاید اگر برای مریض دیده بهبودی حاصل شود و مرض
او از سحر است و از نظر به کلیه امور تو ختم بخیر شود و زیارت اماکن
مشرفه برای تو میسر شود والله اعلم

۱۶ : طریق

فال تو نیکست اگر اراده سفر رفتن داری آن سفر بخوبی برای تو فراهم شود
و نفع بسیار خواهی برد اگر بطرف شمال بروی اگر برای مریض دیده مرض او از
سردی است و استسقا و امراض بلغمی بهتر خواهد شد اشیاء سفید برای او
تصدق کن اگر از مال میپرسی برای تو حاصل خواهد شد و خرج کنی و اگر
برای اتصال مطلوبست اتصال واقع شود و در مسافرت رفتن برای
تو نفع دارد کارها نیکو مانند قاصدی و بسفر رفتن باشد برای تو
خوبست و از آنها نتیجه بری

والله اعلم

تمت بالخیر والسعاده

گراور سازی ۱۳۳۲

ملک الکلامی الکستان